

انجمن مدیران صنایع

کارآفرین

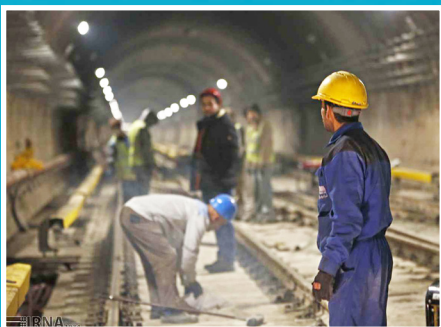
نشریه

شماره ۱۳۶ - بهار ۱۳۹۸ - ۶۴ صفحه

حرف‌ها و حدیث‌های صنعتگر و اقتصاددان



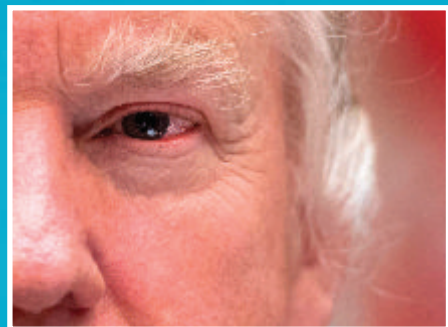
اقتصاد ایران زیر ضرب دلار



در دنامه
تولیدکنندگان



مصیبت
یارانه‌های ناپیدا



تحریم‌های جدید
و تردیدهای ایران



بروز تر باشیم

موبایل بانک خاص مدیران شرکتها



بانک خاورمیانه
Middle East Bank



www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir





صاحب امتیاز: انجمن مدیران صنایع

مدیر مسوول: دکتر رضاعلی رویایی

سر دبیر: محمدصادق جنتان صفت

اعضای تحریریه: شیما ستوده - احسان جنتان صفت
فریدون اسعدی

مدیر اجرایی و صفحه‌آرایی:
علی صائمی

ویراستار:
فاطمه ابراهیمیان

حروفچین:
حمیدرضا خدابخش

نشانی: تهران، خیابان استاد مطهری، روبه روی خیابان میرعماد

پلاک ۲۶۴، طبقه سوم و چهارم

نمابر: ۸۸۸۳۹۶۴۱

نقل مندرجات این نشریه با ذکر ماحذ آزاد است
نظر نویسندگان و شرکت کنندگان در میزگردها و مصاحبه‌ها
لزوماً نظر این نشریه نیست
مسئولیت مطالب بر عهده نویسنده آن است
نشریه در انتخاب و ویرایش متون آزاد است
مقالات و نظرات به دفتر تحریریه ارسال شود
مقالات رسیده پس داده نخواهد شد
متن اصلی مقالات ترجمه شده به پیوست ارسال شود
مقالات روی بکطرف برگ A4 نوشته و فاصله بین سطرها رعایت شود

برای مرور فهرست مقالات

به آدرس www.amsiran.ocm مراجعه کنید

آدرس چاپخانه:

مجتمع چاپ دیجیتال کهن

باسم اللّٰه الرحمن الرحیم



اقتصاد ایران زیر ضرب دلار

نخريه سال‌های تشديد تحریم‌ها در سال‌های آخر دولت محمداحمدی‌نژاد و همچنین بازگشت رژیم تحریم‌ها در یک سال تازه سیری شده یک نسبت را به طور واضح نشان داده است: این نسبت سازگاری و همراهی کفیل قیمت همه کالاها و خدمات عرضه شده در بازار ایران با تغییرات کمی و کیفی نرخ ارزهای معتبر...



4 صفحه

سزارش دیدار نوروزی

دیدار نوروزی انجمن مدیران صنایع در سال ۱۳۹۸ همچون همه سال‌های ۴۰ سال پس از تاسیس این نهاد قدیمی با حضور اعضای آن که از شعب انجمن نیز به تهران آمده بودند چشم‌نواز بود. مطابق با سنت دیرین انجمن مدیران صنایع، دیدار شعب صبح روز در دینار با محمدرضا ستوده دبیر کل انجمن تنگناها...



5 صفحه

تنگناها و راهکارها

نااطمینانی یکی از مصادیقی است که بر تولید فعالان اقتصادی اثر منفی دارد و با وجود نااطمینانی در قیمت و مقدار کالاها، بازار در تهیه سطح بیهوده تولید شکست می‌خورد. میزان و سازوکار این اثرگذاری نیز در بخش‌ها و صنایع مختلف اهمیت متفاوتی دارد. وقتی چنین آثار و نتایجی از نااطمینانی‌ها مطرح می‌شود...



11 صفحه

تحریم‌های جدید و تردیدهای ایران

این روزها ابریشم‌ترین تگرانی ایران‌بان از هر گروه و قشری این است که آیا اقتصاد ایران تاب‌آوری لازم برای عبور از بحران ناشی از تحریم را دارد یا نه؟ برخی فعالان اقتصادی و اقتصاددانان بیم آن دارند که اقتصاد ایران توانایی عبور از تحریم‌ها را نداشته باشد و در شرایط سخت‌تری فرار گیرد...



25 صفحه

در دامه تولیدکنندگان

ساحبان بنگاه‌های صنعتی ایران از زمستان سال ۱۳۹۶ دینتد و شنیدند که رئیس‌جمهور تازه آمریکا می‌خواهد درباره ایران روش تازه‌ای مبنی بر بازگشت تحریم‌ها را در دستور کار قرار دهد. آن حرف‌های ترامپ تازه به کاخ سفید رفته نخستین علامت‌هایش در بازار ایران دیده شد...



32 صفحه

مصیبت پاران‌های ناپیدا

دو وظیفه عمده دولت‌ها ارائه کالای عمومی و اجرای سیاست‌های بازتوزیعی جهت حمایت از اقشار هدف است. تأمین زمینه‌های لازم برای حصول عدالت اجتماعی و توزیع مجدد ثروت به نفع طبقات کمرخوردار از وظایف اصلی دولت‌ها به‌شمار می‌آید...



41 صفحه

ناخوشبختی رونق صنعت

تولید در ایران سال ۱۳۹۸ در برزخ قرار دارد و اگر دیر بچنید یا بد حرکت کند به جهنم می‌رسد. این را اکثریت کارشناسان می‌دانند و البته فعالان صنعتی و اقتصادی آن را از نزدیک لمس می‌کنند...



49 صفحه

اقتصاد ایران زیر ضرب دلار

محمد صادق جنان صفت

سر دبیر



تجربه سال‌های تشدید تحریم‌ها در سال‌های آخر دولت محمود احمدی‌نژاد و همچنین بازگشت رژیم تحریم‌ها در یک سال تازه سپری شده یک نسبت را به طور واضح نشان داده است: این نسبت سازگاری و همراهی کامل قیمت همه کالاها و خدمات عرضه شده در بازار ایران با تغییرات کمی و کیفی نرخ ارزهای معتبر در بازار ایران به ویژه نرخ دلار نسبت به ریال است. این یک واقعیت انکارناپذیر است و برخلاف تحلیل‌های ارائه شده از سوی کارشناسان که اثرات افزایش نرخ تبدیل دلار به ریال را خوش‌بینانه و در اندازه‌های بسیار پایین‌تر از تورم دلار محاسبه می‌کنند این تغییرات با شتاب به سوی تورم دلاری حرکت می‌کند. شاید این احتمال بالا باشد که نسبت تغییرات قیمتی کالاها و خدمات عرضه شده نسبت به تغییرات دلار بسیار پایین‌تر باشد اما این یک واقعیت است که در یک روند نه چندان آهسته این نسبت‌ها به هم می‌رسند. فشار و ارباب و ترس افکنی نهادهای نظارتی برای پایین نگه داشتن قیمت‌ها نیز هرگز با کامیابی همراه نبوده و نخواهد بود. پیامد این تغییرات کاهش قدرت خرید و قدرت پس‌انداز ریالی مصرف‌کنندگان و سپرده‌گذاران ایرانی در بانک‌هاست. مصرف‌کنندگان ایرانی به ویژه کارگران، معلمان و سایر کسانی که بخش اصلی درآمدشان از محل فروش نیروی کارشان است هرگز نمی‌توانند کارفرمایان را ناگزیر کنند با افزودن بر درآمد آنها قدرت خریدشان را در برابر تورم و گرانی برخاسته از آشوب ارزی جبران کنند. دولت با استناد به اینکه این اقدام تورم را به نقاط اوج هدایت خواهد کرد و بخش خصوصی با استناد به اینکه شرایط کسب و کار با رکود مواجه شده است راه رشد نرخ مزد و حقوق

را مسدود می‌کنند. استیصال و درماندگی مصرف‌کنندگان با درآمدهای ثابت در این روزها در چهره آنها بازتاب دارد و آنها به طور واضحی خشمگین‌اند. پرسش امروز مردم ایران از سرمایه‌دار و سرمایه‌گذار، از کارگر و کشاورز، از کارمند لشگری و کشوری و از اصناف و پیشه‌وران این است: دلار در کجا متوقف می‌شود؟ مردم می‌خواهند امکانات و توانایی‌های درآمدی و دارایی‌ها خود را با تحولات آینده نرخ دلار سازگار کنند و می‌خواهند سرنویشت خودشان و خانواده‌شان را ارزیابی کنند. به هر دلیل اکنون روش زندگی و زیست مادی و از همه مهم‌تر اخلاق جامعه ایرانی به زلف و موی نرخ دلار به ریال ایران گره خورده است و همه در یک مسابقه اندوه‌بار دنبال تبدیل پس‌انداز و دارایی‌های خود به دلار یا سکه یا طلا و سایر کالاهای بادوام هستند. دقت در رفتار متغیرهای اقتصاد کلان نشان می‌دهد متأسفانه اقتصاد ایران زیر ضرب دلار قرار دارد و چاره‌ای نیست که به این واقعیت تن دهیم. اگر این واقعیت را به هر دلیل نادیده بگیریم و سرسختی و لجبازی نشان دهیم روزگار بدتر خواهد شد.

♦ داخل یا خارج

انتظارات شهروندان از اینکه بدانند باید خود را با کدام نرخ تبدیل دلار به ریال آماده کنند انتظار به حق و قانونی و از مطالبات واقعی آنهاست و می‌خواهند از زبان مدیران دولت و حکومت بشنوند که باید به کدام مسیر بروند.

اما واقعیت این است که مدیران ارشد نیز اطلاعات کافی در اختیارشان نیست یا اگر هست از جنس سیاست است و نمی‌توانند ترجمان آن به زبان اعداد و آمار اقتصادی را عریان کنند. به نظر می‌رسد نوعی ابهام بزرگ در ذهن ایرانیان نهادینه می‌شود و آن ابهام در محل تکلیف نرخ تبدیل دلار به ریال است. آیا این نرخ در تهران و از سوی مدیران اداره‌کننده کشور و سیاستگذاری

داخلی رقم می‌خورد؟ برخی باور دارند این اتفاق می‌تواند بیفتد و این حکومت است که با سیاست‌های کارآمد ارزی و روش و راهبرد برخورد با جهان زمام مهار نرخ دلار را در دست بگیرند. اگر این گروه توانایی و دانایی کافی برای در پیش گرفتن راهبردی مبنی بر مدارا با جهان و سازگار را داشته باشند و بر این پایه رفتار کنند و از سوی دیگر حراج دلار کمیاب را متوقف کرده و اجازه دهند نرخ در بازار تعیین شود می‌توان محل تعیین تکلیف دلار را در داخل دید. در صورتیکه راهبرد روشنی برای سازگاری با جهان نیابیم و در برابر جنگ‌طلبی اصلی‌ترین نیروی اقتصادی دنیا که در نوک هرم مبارزه با ایران است راهی برای مدارا باز نشود و در داخل نیز بر همان روش‌های شکست خورده برپایه دستور و زور و سرکوب ارزی و اقتصادی رفتار کنیم تکلیف دلار در خارج از ایران روشن خواهد شد. در این صورت نباید از کشوری که می‌خواهد نظام سیاسی را از کار بیندازد و بهترین و کارآمدترین ابزارش نیز بستن راه‌های ورود دلار به بازار ایران است و در داخل نیز نیروهای هستند که سرسازگاری ندارند دلش به حال پول ایرانیان بسوزد و راه سقوط بیشتر نرخ تبدیل ریال به دلار را ببندد. حالا اقتصاد و سیاست در ایران در بزنگاه تاریخی ایستاده است که خوشبختی و آرامش شهروندان با نرخ تبدیل به یک پول که از قضای بد پول خصم است گره خورده است.

مدیران ارشد سیاسی و اقتصادی ایران باید بدانند که دلار به مثابه با ارزش‌ترین و معتبرترین ارز دنیا دست کم تا روزیکه پول نیرومندتری جانشین آن نشده است بر اقتصاد جهان از جمله اقتصاد ایران تسلط دارد و باید در معادلات اقتصاد سیاسی این موضوع گنجانده شود. کاش روزی برسد که اقتصاد و ریال ایران آنقدر نیرومند شود که مرجع پول در جهان شود اما تا آن روز دلارهای کمیاب را به قیمت ارزان و رانتهی از دست ندهیم.



گزارش دیدار نوروزی

مطروحه در دیدار دبیران شعب با دبیر کل انجمن در ساعت‌هایی قبل از دیدار نوروزی بود. محمدرضا ستوده دبیر کل انجمن نیز در این دیدار برنامه‌های انجمن را برای سال ۱۳۹۸ تشریح کرد و از دبیران شعب خواست نسبت به افزایش سطح کیفی فعالیت‌ها به ویژه فعالیت‌های کارشناسی تلاش ویژه داشته باشند.

◆ مهمان ویژه

انجمن مدیران صنایع مطابق با سنت هر ساله خود برای دیدار نوروزی از یک اقتصاددان برجسته برای سخنرانی و تشریح مسائل مهم و احتمالی سال جاری دعوت می‌کنند. دکتر مسعود نیلی اقتصاددان نامدار ایرانی که در ۵ سال دولت‌های یازدهم و دوازدهم مشاور ارشد اقتصادی رئیس‌جمهور بود مهمان ویژه دیدار نوروزی بود. حضور اقتصاددانی در اندازه‌های نیلی نشان می‌دهد که انجمن مدیران صنایع دارای اعتبار بالایی است و اقتصاددانان برای تشریح دیدگاه‌های خود حضور در این جمع صنعتی را مفید تشخیص می‌دهند.

شیما ستوده



عضو هیأت تحریریه

دیدار نوروزی انجمن مدیران صنایع در سال ۱۳۹۸ همچون همه سال‌های ۴۰ سال پس از تأسیس این نهاد قدیمی با حضور اعضای آن که از شعب انجمن نیز به تهران آمده بودند چشم‌نواز بود. مطابق با سنت دیرین انجمن مدیران صنایع، دبیران شعب در دیدار با محمدرضا ستوده دبیر کل انجمن تنگناها و توانایی‌های شعب در سال ۱۳۹۷ را در میان گذاشتند و برنامه‌های خود را برای سال ۱۳۹۸ تشریح کردند. افزایش فعالیت‌های کارشناسی، حضور بیشتر انجمن در مجامع تصمیم‌گیری در سطح ملی و در سطح استانی و تلاش برای اتحاد نظری و اجرایی میان شعب از بحث‌های

کار خوب شهردار تهران در تجلیل از صنعتگر قدیمی محسن خلیلی: عزت به کسی می‌رسد که به مردم خدمت صادقانه کند

نشیب‌های پرشماری را دیده‌ام و از نزدیک شاهد تحولات زیادی بوده‌ام. تجربه‌ام می‌گوید عزت و احترام مردم نصیب کسانی می‌شود که صادقانه برای بهروزی شهروندان کار و فعالیت کرده‌اند. این تجربه آسان به دست نیامده است و من با حضور در متن فعالیت‌های اجتماعی و صنعتی به آن رسیده‌ام. خلیلی در بخش دیگری از سخنانش گفت: پدر من یک صنعتگر کوشا بود و بارها در فعالیت‌هایش با ناکامی‌هایی که از بیرون بر او تحمیل می‌شد روبه‌رو و از این مشکلات بیرون آمد. او به من و سایر فرزندانم همواره توصیه می‌کرد یأس و ناامیدی از خواسته‌های ابلیس است و انسان باید امیدوار باشد و در هیچ شرایط سختی امید به بهروزی و پیشرفت را از دست ندهد. حالا من این توصیه را به مدیران کشوردارم و به مردم نیز می‌گویم که اگرچه سال سختی داریم اما باید با بردباری و مدارا دنبال این باشیم که چگونه از این روزهای سخت عبور کنیم. نباید امیدواری را از دست داد. رئیس انجمن مدیران صنایع در بخش دیگری از سخنانش گفت: من از سال ۱۳۳۲ که فعالیت صنعتی را به همراه پدر و برادرانم شروع کردم به این نتیجه رسیدم و حالا نیز همان باور را دارم که توسعه صنعتی و اقتصاد آزاد راه نجات اقتصاد ایران است و باید مرحله توسعه صنعتی را تجربه کنیم. خلیلی با اشاره به اینکه رزومه شهردار

پیروز حناچی شهردار تهران بی‌سروصدا به دفتر کار محسن خلیلی صنعتگر قدیمی ایران و یکی از کسانی که نام او در کنار تأسیس صنعت گاز خانگی در کنار فعالان بزرگ تأسیس نهادهای مدنی به چشم می‌آید، آمد و در کنار خلیلی و گروهی از مدیران تشکل‌های کارفرمایی نشست. حناچی کاغذ و قلم در دست داشت و نکات مهم سخنان خلیلی رئیس هیأت مدیره انجمن مدیران صنایع و دیگر صنعتگران را یادداشت می‌کرد. این کار او نشان می‌داد برای شنیدن و حرف زدن تشریفات و خشک و خالی نیامده است و می‌خواهد از تجربه صنعتگران شاید در اداره بهتر پایتخت استفاده کند.

♦ عزت و خدمت

خلیلی در دیدار با شهردار تهران که شهرداران برخی از مناطق تهران نیز او را همراهی می‌کردند نکات قابل‌اعتنایی را مطرح کرد که بدون تردید به کار شهردار و هر مقام مسئولی می‌آید. خلیلی در جایی از سخنانش گفت: من با احتساب فعالیت دانشجویی که در اواخر دهه ۱۳۲۰ بود و در کنار سایر شاگردان شادروان بازرگان انجام می‌شد و با احتساب سال شروع فعالیت صنعتی و تأسیس نهادهای کارفرمایی حالا ۷۰ سال تجربه فعالیت‌های اجتماعی و صنعتی دارم. در این دوران طولانی فراز و

مهندس محسن خلیلی رئیس هیأت مدیره انجمن مدیران صنایع پیش از سخنان مسعود نیلی در سخنرانی به تجربه ۴۰ ساله این انجمن و تطابق آن با تحولات در بخش صنعت و اقتصاد سیاسی نکاتی را برای حاضران یادآور شد. مهندس خلیلی گفت: ۴۰ سال پیش در چنین روزهایی، تحولات سریع در سطح کشور و به وسیله پیروشدگان انقلاب در جریان بود. یکی از این تحولات موضوع حفظ ساختار مالکیتی کارخانه‌های صنعتی یا به هم زدن ترکیب مالکیت بود. گروهی از انقلابیون باور داشتند که باید ترکیب مالکیت کارخانه‌ها و بنگاه‌ها به نفع دولت از تعادل قبلی خارج شود. این خواست آنها بعدها با قانون حفاظت و توسعه صنایع که در شورای انقلاب تصویب شد، اجرایی شد. ده‌ها کارخانه و بنگاه صنعتی با استناد مواد و تبصره‌های قانون یادشده به مالکیت دولت درآمد. در آن روزها بود که گروهی از صاحبان کارخانه‌ها با هدف حفظ مالکیت خود بر کارخانه‌هایشان و جلوگیری از مصادره و ملی شدن کارخانه‌ها دور هم جمع شدند و انجمن مدیران صنایع را تأسیس کردند. در آن روزها ملی و مصادره شدن کارخانه‌ها با توجه به اینکه سرمایه‌گذاران صنعتی را سرمایه‌داران زالوصفت می‌نامیدند برای مردم عادی و حتی ضروری شده بود. بخش خصوصی ایران در محاصره قانون یادشده و شعارهای ضد سرمایه‌داری بود و کاری از پیش نمی‌رفت تا اینکه ۱۵ نفر از صاحبان صنایع در آن روزهای سخت این انجمن را تأسیس کردند.

انجمن مدیران صنایع نزدیک به ۸۰ هزار صفحه فعالیت علمی - کارشناسی در این سال‌ها تهیه و جمع‌بندی آن که از طرف خانم خلعتبری انجام شده بود در زمان وزارت آقای جهانگیری در وزارت صنایع و معادن تقدیم وی و مجموعه مدیران دست‌اندرکار تدوین استراتژی توسعه صنعتی که جناب نیلی ریاست آن را برعهده داشتند، شد. متأسفانه برخلاف انتظار که باید قانون و لایحه تهیه شده وزارت صنایع و معادن در بهار ۱۳۸۴ به تصویب برسد در دولت بعدی کنار گذاشته شد. انجمن مدیران صنایع اما در همه سال‌های پس از آن نیز فعالیت‌های کارشناسی خود انجام داد و اکنون در سراسر کشور ۲۵۰۰ عضو دارد. با توجه به اینکه مقام معظم رهبری امسال را سال رونق تولید نام گذاشته‌اند امیدواریم بنگاه‌های صنعتی در سال ۱۳۹۸ با مشکلات کمتری مواجه شوند و کشور در برابر تحریم‌های گسترده به سلامت عبور کند. می‌دانیم که تورم و بیکاری و کاهش سرمایه‌گذاری در راه است اما باید امیدوار بود.





تخریب آنها بخشی از وظایف شهرداری هاست اما در ایران دولت این کار را برای خود برداشته است و راه دخالت در بنگاه‌های صنعتی را باز نگه داشته است. وی گفت این را برای یادآوری گرفتم شاید بتوان در آینده به این سو رفت. حناچی با اشاره به اینکه قانون شهرداری مربوط به دوره نخست وزیری دکتر مصدق است و باید اصلاح شود تا چیزی که شما می‌گویید واقعا اتفاق بیفتد. اما با استناد به برخی مواد این قانون فعلی نیز می‌شود در این باره کاری کرد. در پایان دیدار شهردار تهران هدیه ای از سوی شهرداری تهران به پاس دهه‌ها فعالیت صنعتی خلیلی به او داد. در این دیدار بهروز فروتن از مدیران نامدار صنعت غذای ایران نیز در سخنانی با تاکید بر کار خوب شهردار تهران در تجلیل از صنعتگران قدیمی گفت باید قبول کنیم اقتصاد ایران روزهای خوبی ندارد اما نباید سیاه نمایی کرد و من مثل آقای خلیلی و شهردار محترم امیدواری را در این شرایط الزامی می‌بینم.

شنیده‌ام و داوری درستی است. ایرانیان روزهای سخت جنگ را با اتحاد و انسجام همه نهادها مردم پشت سر گذاشته‌اند. یادم می‌آید در ساخت پل ۱۴ کیلومتری روی هورالعظیم اکثر بنگاه‌های صنعتی خصوصی و دولتی فعال بودند و هر بنگاه با آرم و نشان خود حاضر بود. الان نیز امیدوار باشیم که اقتصاد ایران با استفاده از توانایی‌های بخش صنعت این روزها را پشت سر بگذارد. شهردار تهران گفت وظیفه شهرداران است که از مردان و زنان سخت کوش و اصیل که در مسیر توسعه ایران فعالیت کرده‌اند قدردانی کند. قدردانی من از آقای خلیلی به عنوان یک صنعتگر قدیمی با هدف توسعه اندیشه حمایت از مردان بزرگ است. در این دیدار محمدرضا جابر انصاری نایب رئیس انجمن مدیران صنایع نیز گفت: من از چند کشور پیشرفته اقتصادی اطلاع دارم که دادن مجوز برای احداث کارخانه‌ها یا احتمالا

تهران و سابقه فعالیت‌های وی و تخصصی که دارد نشان می‌دهد وی توانایی تهران به مثابه یکی از ابرشهرهای کلان را دارد. ما خرسندیم که یک متخصص اداره تهران را در اختیار گرفته است و من همین جا آمادگی انجمن مدیران صنایع و سایر تشکل‌هایی که در آنها مسئولیت دارم برای همکاری برای تهران آبادتر را اعلام می‌کنم.

◆ ایران ابدی است

در این دیدار پیروز حناچی شهردار تهران نیز نیز در سخنان کوتاهی گفت: سرزمین ایران سرزمینی جاویدان است و این روزهای سخت را نیز پشت سر می‌گذارد. تجربه تاریخی نشان می‌دهد ایران هرگز زیر بار سختی‌ها و دشواری‌ها از پای درنیامده و در نمی‌آید. این حرف را از زبان شمار قابل‌اعتنایی از مدیران و متخصصان خارجی که در سمینارها و همایش‌های بین‌المللی با آنها صحبت کرده‌ام



تصویر تحریم این بار نگران کننده تر است

مسعود نیلی |

ایران به‌ویژه اقتصاد ایران سال‌های ۱۳۹۷ با گسست‌های نسبتاً بزرگی در مقایسه با سال‌های گذشته روبه‌رو بود و به نظر می‌رسد این گسست‌ها ادامه دارد و به همین دلیل عدم قطعیت در برآوردهای دقیق از شرایط وجود خواهد داشت و کار را برای تحلیل دشوار می‌کند. از طرف دیگر به نظر می‌رسد در ارزیابی شرایطی که در آن قرار داریم و از نیمه دوم سال ۹۶ در آن شرایط قرار گرفتیم و در نیمه دوم سال ۹۷ نیز وجود داشت این بود شرایط سیاسی فاقد همگرایی بود و مشخص نیست دقیقاً چه عواملی این شرایط را برای ما به وجود آورده است. به طور طبیعی تا زمانی که تحلیل درستی از شرایط نداشته باشیم و ندانیم چه عواملی این شرایط را به وجود آورده‌اند نمی‌توانیم جمع‌بندی درست و همگرایی داشته باشیم. در سال ۱۳۹۷ و همچنین در سال ۱۳۹۸ مجموعه‌ای از عوامل در کنار هم جمع شده‌اند و اگر اینها از هم جدا نشوند نمی‌توانیم وزن درستی برای هر یک از این عوامل تعیین کنیم.

من ابتدا توضیحی در مورد سازوکارهایی که در سال ۱۳۹۷ در اقتصاد ایران فعال شد و کارکرد ارائه می‌کنم و سپس ارزیابی کمی از شاخص‌های اقتصادی سال گذشته ارائه می‌کنم و نکاتی در مورد سال ۱۳۹۸ خواهم داشت. سازوکارهایی که در اقتصاد ایران موثرند مفصل و پیچیده است. مسأله تحریم به این دلیل اهمیت دارد که اقتصاد ایران عمدتاً بر درآمدهای ارزی متکی است و درآمدهای ارزی از فروش نفت به دست می‌آید و تحریم این روند را به هم زده است بنابراین ابتدا بر این قسمت متمرکز می‌شوم و سپس توضیحات بعدی را بر این اساس ارائه می‌کنم.

اتفاقی که در اقتصاد رخ می‌دهد و ارتباطی با تحریم ندارد و در کارنامه چندین دهه‌ای در جریان بوده این است که تقریباً رقم ثابتی تولید نفت خام داشتیم که منجر به این شد که ما صادرات نفت خام داشته باشیم و این وزن بزرگی در عرضه ارز در اقتصاد داشت. وقتی قیمت نفت افزایش داشته باشد مقادیری که

دولت به بانک مرکزی می‌فروشد ارقامی قابل توجه است. مثل سال‌هایی در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ که ارز به وفور وارد اقتصاد می‌شود در زمان‌هایی مثل سال‌های نیمه دوم دهه هفتاد به‌ویژه در سال‌های ابتدایی و در ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ ما در مضیقه ارزی قرار گرفته بودیم و عرضه ارز محدود می‌شود و از این نظر نوساناتی به وجود می‌آید. این نوسان در درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت بر نرخ ارز در بازار تأثیر دارد. نرخ ارز هرچه باشد نسبتی واردات را به کالاهایی که در داخل تولید می‌شود مشخص می‌کند. و این موضوع نیز بر شاخص‌های اقتصادی داخلی اقتصاد ایران تأثیرگذار است و بر تولید و مصرف نیز اثر می‌گذارد. همچنین نرخ ارز به دلیل رفتار دولت در ورود ارز صادراتی نفت تغییر می‌کند و به این سبب بر صادرات غیرنفتی اثر دارد و این آمار را افزایش می‌دهد.

این سازوکاری است که در اقتصاد ما چندین دهه جریان دارد. حال وقتی که اقتصاد ایران در تحریم است از چند کانال بر عملکرد اقتصاد ما تأثیر دارد. وقتی صادرات نفت محدود می‌شود و اگر صادرات داشته باشیم دسترسی اقتصاد به ارز صادراتی محدود و بنابراین به کمتر شدن عرضه ارز منجر می‌شود و هزینه مبادله را برای تجارت و واردات کالا و ارز افزایش می‌دهد. بنابراین قیمت نسبی واردات تحت تأثیر نرخ ارز قرار می‌گیرد و چون تحریم هزینه مبادله را در اقتصاد بالا می‌برد باعث می‌شود واردات به طور نسبی گران‌تر شود و در نتیجه تقاضای مبادلاتی ارز کاهش پیدا می‌کند. وقتی نرخ ارز افزایش پیدا می‌کند واردات تعدیل می‌شود و این تعدیل خود کنترل‌کننده است و قدرت خرید جامعه روند تحولاتی نرخ ارز را کنترل خواهد کرد. این قسمت در دامنه برابری قدرت خرید قرار می‌گیرد و اگر سطح قدرت خرید جامعه کاهش پیدا کند و یا میزان مناسبی افزایش پیدا نکند با افزایش نرخ ارز تقاضا برای واردات کمی از این طریق کاهش پیدا می‌کند و نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی اثر می‌گذارد و بر حسب اینکه چقدر صادرکننده‌ها از تغییرات نرخ ارز در آینده چشم‌انداز دارند و سیاست‌های ارزی اتخاذ شده در کشور بر وارد شدن ارز صادراتی به کشور در کوتاه مدت تأثیر دارد و اینکه آن چقدر عرضه ارز را محدود کند.

♦ پدیده قابل اعتنا

اگر قرار بود روابط علت و معلولی به همین شکل اجرا شود قاعدتاً باید در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ در تلاطم‌های ارزی به این دلیل که هنوز تحریمی بر علیه ما اعمال نشده بود چنین شرایطی به وجود نمی‌آمد. اگر شرایط اقتصادی به همین مکانیزم‌هایی که عرض کردم محدود بود باید بعد از آبان ۱۳۹۷ شاهد جهش‌هایی در نرخ ارز می‌بودیم و این اتفاقات به دنبال آن می‌افتاد.

این درحالی است که بیشترین افزایش‌ها در نرخ ارز قبل از آبان ۱۳۹۷ اتفاق افتاد. و ما در مقیاس قابل مقایسه‌ای با تغییراتی نسبت به فصول قبلی روبه‌رو شدیم. این درحالی بود که



◆ تمرین مردم

اگر نرخ ارز سوم بازار در جریان قرار می‌گرفت قدرت خرید مردم آن را کنترل می‌کرد و افزایش زیادی پیدا نمی‌کرد وقتی بخش تجاری را از بخش سرمایه جدا می‌کنیم آن قسمت خود به خود میدان افزایش بیشتری پیدا می‌کند. علت اینکه ما در نیمه دوم سال ۹۶ و نیمه اول سال ۹۷ با آثار شدید تحریم روبه‌رو شدیم و اثرات آن در شاخص تورم و حساب‌های ملی ما و در تولید و سرمایه‌گذاری ظاهر شد به نتیجه تمرین مردم در سال‌های ۹۱ و ۹۲ بر می‌گردد، و تلاطم ما در بازار ارز فراتر از انتظار بود. در چهل سال گذشته به خاطر ندارم نرخ ارز از مقدار متناظر با برابری قدرت این چنین فراتر رفته باشد، ولی رفت. به طور طبیعی وقتی نرخ ارز و نرخ ارز مورد انتظار افزایش پیدا می‌کند چون انتظارات تورمی افزایش پیدا می‌کند سطح عمومی قیمت‌ها تحت تأثیر نرخ ارز قرار می‌گیرد و انتظارات تورمی برای آینده تحت تأثیر این شاخص قرار می‌گیرد. به همین دلیل تورم نقطه به نقطه ما در فروردین ۱۳۹۷ عدد هشت و چند دهم بود اما تورم نقطه به نقطه در اسفند ۹۷ به چهل و هفت و نیم رسید. این افزایش بسیار زیاد است چون وقتی انتظارات تورمی افزایش پیدا می‌کند در واقع تمایل مردم برای اینکه پول را بدهند و کالا بگیرند افزایش پیدا می‌کند به همین دلیل تورم‌زایی پول بالا می‌رود در شرایط فراوانی برعکس است.

◆ داستان بودجه

بعد دیگر این موضوع بودجه است. بودجه در اقتصاد ایران متغیر اثرگذاری است و در کوتاه‌مدت از اثرگذارترین متغیرها است وضعیت توازن یا عدم توازن بودجه آثار اقتصادی کلان و قابل توجهی دارد همان مکانیزمی که یادآور شدم از بعد ریالی برداشت سهم بانک مرکزی می‌شود منابع بودجه از سهم نفت. چیزی کمی بیشتر از یک سوم منابع دولت به طور مستقیم نفت است و غیر مستقیم نیز اثرگذار است. بنابراین وقتی منابع بودجه در کنار مخارج بودجه قرار می‌گیرد مخارج بودجه انعطاف زیادی ندارد. من با آشنایی مختصری که دارم می‌دانم که بودجه ما در سال ۱۳۹۷ با ۳۴۴ هزار میلیارد تومان بسته شده است و کار سختی بود و برای این فشار زیادی به بودجه وارد شد. اینکه ما در سال ۱۳۹۸ کمتر از ۴۰۵ و ۴۰۷ باشد شاید نه ممکن و نه به صلاح باشد و بودجه رکود بیشتری به اقتصاد تحمیل کند. ولی منابع بودجه تحت تأثیر قرار دارد نه دولت نرخ برای منابع خود تعیین کرده است و در سال ۹۸ نیز به نظر می‌رسد که با کاهش منابع روبه‌رو باشیم.

مردم در تخمین نرخ ارز مورد انتظار اینجا لحاظ می‌شود منجر به اوور شوتینگ نرخ ارز می‌شود و نرخ ارز به میزانی بسیار فراتر از آن چیزی که در محاسبات منظور می‌شد قرار می‌گیرد. چون این نرخ برای مبادلات ارزی نیست و به عنوان پس‌انداز تلقی شده است، به طور طبیعی وقتی تقاضا برای نگهداری ارز با هدف ایجاد بازده در آینده افزایش پیدا می‌کند تقاضا برای ارز امروز زیاد می‌شود و وقتی زیاد می‌شود نرخ ارز افزایش می‌یابد و زمانی که نرخ ارز با افزایش مواجه شد شکاف بین نرخ ارز موجود و نرخ ارز مورد انتظار کاهش پیدا می‌کند و رفته رفته عطش خرید ارز تا زمانی که تغییر مورد انتظار صورت نگیرد تعدیل می‌شود و باعث می‌شود شدتی که در ابتدا شکل گرفته بود تعدیل شود و در حدی بماند. این وضعیت چون با واقعیت‌های بلند مدت اقتصاد متناسب نبود و با رفتار مردم در حفظ دارایی‌های مالی خود سازگار بود شاید کمی نیز کاهش پیدا کند.

◆ چرا مردم صبر نکردند

در حقیقت این مسیر بیانگر این است که مردم صبر نمی‌کنند تا به آبان ۱۳۹۷ از راه برسد و بعد ببینند دسترسی به ارز کم شده و ارزش دارایی‌های آنها کاهش پیدا کرده است. در حقیقت آنچه در تجربه سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ مشاهده کردیم درس‌های زیادی به ما داد. همه ما به یاد داریم وقتی اوپاما تحریم بانک مرکزی ایران را در دی ماه سال ۱۳۹۰ امضا کرد. امضا برای شش ماه بعد از این تاریخ بود یعنی اجرای تحریم برای جولای سال آینده بود و در دسامبر امضا شده بود. در واقع از فاصله امضای تحریم ارزی و نفتی ایران تا اجرای آن در همان زمان نرخ ارز جهش داشت چون چشم‌انداز نرخ ارز مورد انتظار باعث شد تقاضایی که برای ارز وجود داشت نرخ را زودتر بالا ببرد. مشاهده بعدی این است که بیشترین کاهش نرخ ارز در خرداد ۱۳۹۲ رخ داد نه در زمانی که برجام به تصویب رسید! یعنی در خرداد ۱۳۹۲ نیز جامعه یک ارزیابی کرد. و با پیش‌بینی بهبود روابط سیاسی سرمایه‌گذاری در ارز فاقد توجیه ارزیابی شد و ترکیب دارایی‌های مردم به سمت دارایی‌های ریالی برگشت. و با توجه به مشکلات نظام بانکی و نرخ سود بانکی بالا و کاهش تورم بازده مثبت دو رقیم برای سپرده‌گذاری بانکی به وجود آمد. وقتی ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب شد هنوز مستقر نشده بود که به صورت زودرس به رفتار مردم شکل داد و نتیجه این شد که آمریکا وقتی تحریم‌ها را اعلام کرد نرخ ارز نیز افزایش پیدا کرد و تغییراتی در بازار ارز به وجود آمد.

آمار و ارقام کشور نشان می‌داد ما همچنان دو و نیم میلیون بشکه نفت صادر می‌کنیم و ارز آن را وصول می‌کنیم و صادرات نفتی طبق روال خود انجام می‌شود. به یاد دارم وقتی بازار ارز متلاطم شده بود قسمت صادرات و واردات در بالای جدول تراز پرداخت‌ها حتی مازاد قابل توجهی نشان می‌داد یعنی حتی صادرات ما نسبت به وارداتمان با رقم‌های بالایی وجود دارد و این سوال به وجود آمده بود که چرا وقتی چنین آماری داریم بازار ارز اینچنین متلاطم است. در واقع وقتی تحلیل درستی از این قسمت نداشته باشیم نمی‌توانیم رویکرد مناسبی در مواجهه با شرایط ارزی که در کشور به وجود آمده است داشته باشیم. تحلیل این است که مردم ایران و کسانی که پس‌انداز مالی در اختیار داشتند با استفاده از تجربه‌ای که از تحریم سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ داشتند و بخشی از دارایی‌های مردم در آن سال‌ها ارزش خود را از دست داد. چون اولین تجربه بود مردم برآورد درستی از شرایط نداشتند بنابراین انتظارات که به غلط گفته می‌شود واکنش روانی، من از به کار بردن آن اجتناب می‌کنم برخی می‌گویند هیچ قاعده‌ای بر آن حاکم نیست ولی این اتفاقات کاملاً قاعده‌مند است. با ترسیم چشم‌اندازی برای وضعیت بین‌المللی آینده تخمینی زده شد. اگر این چشم‌انداز تحریم مثل سال ۱۳۹۲ مثبت باشد عرضه ارز افزایش پیدا خواهد کرد. بر عکس اگر تخمین این باشد که ما با کمبود ارز روبه‌رو خواهیم شد با مطرح شدن این موضوع نرخ ارز افزایش پیدا می‌کند یعنی وقتی تخمینی که افراد برای آینده می‌زنند عددی بالاتر از آن چیزی است که در آن زمان بود با بزرگتر بودن این شکاف سرمایه‌گذاری در بازار ارز افزایش پیدا می‌کند. چون نرخ ارز یک متغیر کاملاً مشاهده‌پذیر است و همین اطلاعات مربوط به شرایط اقتصادی کشور و این تحولات در نرخ ارز استفاده می‌کنند. بنابراین نرخ ارز به عنوان یک شاخص و راهنمای مفیدی برای جامعه‌ای که اطلاعات رسمی درون آن به صورت روان عرضه نمی‌شود درمی‌آید و تورم را تخمین می‌زند.

◆ انتظارات تورمی

وقتی انتظارات تورمی بر اساس نرخ ارز مورد انتظار افزایش پیدا می‌کند و از نرخ سود بانکی بالاتر می‌رود به طور طبیعی نگهداری از دارایی‌های نقدی مزیت خود را از دست می‌دهد و جابه‌جایی منابع سرمایه‌ای به سمت ارز و طلا که با همدیگر رابطه دارند افزایش پیدا می‌کند و این تقاضا سرمایه‌ای است و مبادلاتی نیست. وقتی تأثیر خطای مربوط به سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲

امروز سوالی ایجاد شده این است که این شکاف چگونه پر خواهد شد؟ در سال ۱۳۹۸ چگونه فاصله بین این منابع و مصارف پر خواهد شد؟ این نکته بسیار تعیین کننده است، اگر به شیوه درستی با این مسأله برخورد شود می تواند کمک کننده باشد و ما دچار مشکلاتی اضافه بر مشکلات قبلی نخواهیم بود. اگر درست با این مسأله برخورد نشود اشتباه جبران ناپذیری خواهد بود چون بر نقدینگی اثر می گذارد. رابطه بین نقدینگی و تورم در شرایط کاهش دسترسی به ارز منابع نفتی رابطه ای قوی است در حالیکه در زمان وفور منابع نفتی این رابطه بسیار ضعیف است. ما در دوره ای به سر می بریم که هر یک ریال نقدینگی تورم بیشتری ایجاد می کند.

◆ تورم

تولید ناخالص داخلی ایران در پایان سال ۱۳۹۶ تقریباً یک میلیون و هفتصد هزار میلیارد تومان بود. اگر یک درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۷ کاهش پیدا کند یعنی ۱۷ هزار میلیارد تومان از درآمد اقتصاد کم می شود. اگر فرض کنیم این ۱۷ هزار میلیارد تومان درآمد کاهش یافته به طور مساوی از همه کم بشود که چنین اتفاقی هرگز نمی افتد ولی در تقسیم به جمعیت کشور و تقسیم به ۱۲ ماه سال یعنی ماهی حدوداً از هر کسی ۱۷ هزار تومان کم می شود. و اگر رشد اقتصادی ما در سال ۱۳۹۷ دور و بر منفی ۶ درصد باشد یعنی تقریباً ۱۰۰ هزار تومان در ماه یا در حدود ۱۱۰ هزار تومان در ماه از همه به طور مساوی کم می شود و این رقم آثار رفاهی بزرگی به جا می گذارد. در مورد تورم نیز می توان یک محاسبه کرد. فرض کنیم اگر در سال ۹۷ میزان ۱۰ درصد تورم بیشتری نسبت به سال ۹۶ پیدا کنیم اگر تمام جمعیت کشور به اندازه تورم افزایش درآمد پیدا می کردند هیچ اثری به جا نمی ماند. اما چون چنین اتفاقی نمی افتد درآمد بخشی از جامعه متناسب با تورم افزایش پیدا نمی کند و بخشی بیش از تورم افزایش درآمد خواهند داشت و تورم بیشتر توزیع درآمد را به هم می زند و قشر فقیر جامعه را بیشتر زیر فشار قرار می دهد. بنابراین به یکباره ملاحظه می کنید در شرایط رکود و تورم این دو فرض بخشی از جامعه را در شرایطی غیر قابل تحمل قرار می دهد. و وضعیت سختی را به وجود می آورد.

◆ تحریم

مرکز آمار آمار حساب های ملی سه ماهه سوم ۱۳۹۷ را منتشر کرده است و من روی آن دقیق شدم و بررسی کردم. این تصویر مقداری نگران کننده است. آنچه به یکباره در سه ماهه سوم سال ۱۳۹۷ می بینیم یک پله بزرگ به لحاظ تولید و سرمایه گذاری پایین آمده ایم. در سه ماهه

نتیجه شاید برگشت ما به بازار جهانی در آن مقیاس ها ساده نخواهد بود کلا به نظر می رسد مسامحی در روند خود در اقتصاد و مصرف و کاهش سرمایه گذاری نیاز به تغییر داریم. ما همچنان مصرف بالایی در انرژی داریم. این نشانه ای است از اینکه کشور با کمبود منابع روبه رو است. قاعدتاً اگر از مردم سوال شود که اگر امکانی برای مصرف کمتر گاز در مقابل مصرف بیشتر گوشت فراهم کنند قبول می کنند یا نه حتماً می پذیرند. ولی مصرف بالای گاز با شرایطی که ما در آن قرار داریم چندان جور در نمی آید. این شرایط کوتاه مدت و مقطعی نیست و نیاز به تجدید نظر کلی وجود دارد.

کیک اقتصاد ایران در ۵ سال آینده کوچک می شود یعنی درآمد اضافی در اقتصاد ما ایجاد نمی شود این کاهش به صورت متوازن در جامعه توزیع نمی شود و فشار زیادی روی درآمد جامعه است. وقتی این فشار با تورم همراه است این تورم خود فشار مضاعفی را روی قشر کم درآمد جامعه ایجاد می کند. اگر نسبت به این شرایط بی تفاوت باشیم با توجه به سطح تحصیلات جامعه و جوان بودن اقشار و فضای مجازی وضعیت نگران کننده خواهد بود و این چیزی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. پرداختن به قشر کم درآمد جامعه امروز یک اولویت بسیار بزرگ است. اگر اقتصاد ایران رشد می کرد می توانستیم بگویم به طور مثال ۳ درصد از رشد ۴ درصد اقتصادمان به قشر کم درآمد جامعه برسد. وقتی اقتصاد ما رشد منفی دارد باید به بازتوزیعها در بخش انرژی و مسکن پرداخت. حرکت در مسیری که پیش گرفته ایم رفتاری غیر محتاطانه است وقتی سرمایه گذاری چندین سال رشد منفی دارد به این معنا است که ظرفیت رشد در اقتصاد در حال کاهش پیدا کردن است به این معنی که دیگر به راحتی نمی توان این ماشین را روشن کرد و به راه انداخت و به تولید رساند به نظر من یکی از نکات مهم که هم قشر ضعیف ذینفع هستند و هم قشر ثروتمند باید به فکر باشند این است که برای حرکت جامعه در مسیر سلامت نسبی باید یک سری امکانات بازتوزیع صورت بگیرد. به چنین شرایطی سیل اخیر را اضافه کنید و بخشی از جمعیت کشور تقریباً سرمایه خود را از دست دادند. گفته می شود سی تا چهل هزار میلیارد تومان خسارت وارد شده است و این خسارت بر دارایی است پس اثرات آن از ماندگاری زیادی برخوردار خواهد بود و این متوجه قشر کم درآمد جامعه است و باید به شیوه ای درست و اصولی به این مشکل پرداخت.

سوم ۱۳۹۱ که تحریم اول بود به سه ماهه سوم ۱۳۹۰ و اعمال اولین تحریم رشد تولید ناخالص داخلی منفی ۶٫۲٪ بخش غیر نفتی مثبت ۱٫۲٪ بود ولی کل آن به دلیل کاهش نفت منفی ۶٫۲٪ بود. در تحریم دوم که سال ۱۳۹۷ بود در سه ماهه سوم ۱۳۹۷ با نفت منفی ۱۱٫۹٪ است و بدون نفت منفی ۶٪ است و این اعداد بسیار بزرگ هستند. برای بخش صنعت سه ماهه سوم سال ۱۳۹۱ به سه ماهه سوم سال ۱۳۹۰ حدود مثبت ۴٫۶٪ و سه ماهه سوم سال ۱۳۹۷ به سه ماهه سوم سال ۱۳۹۶ حدود منفی ۸٪ است. در واقع این نشان می دهد شاخص های بخش واقعی ما تغییرات زیادی داشتند. آنچه در اقتصاد راجع به آن زیاد حرف زده می شود از لحاظ رفتار مردم در پس انداز و مصرف و سرمایه گذاری این است که مردم نسبت به کم شدن مصرف خود بسیار مقاوم هستند و سعی می کنند از پس انداز کم کنند و کمتر از مصرف آنها کم شود ما به این حالت چسبندگی مصرف می گوئیم. یعنی مصرف مردم آرام آرام تغییر پیدا می کند اینجا چیزی که ما مشاهده می کنیم این است که رشد مصرف خانوارها در سه ماهه سوم ۱۳۹۷ نسبت به سه ماهه سوم سال ۱۳۹۶ منفی ۶٫۵٪ درصد بود و این عدد بزرگی است و کاهش زیادی در سطح رفاه مردم به وجود می آورد. ولی آن چیزی که در کنار این موارد حائز اهمیت است این است که کلا از سال های ۱۳۹۰ به بعد با یک روند نامطلوبی در سرمایه گذاری روبه رو هستیم. سرمایه گذاری تصویر آینده را ترسیم می کند. بنابراین اهمیت دارد ما سالیان زیادی است که نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی را در حدود ۲۵ درصد یا ۳۰ درصد یا ۳۳ درصد و در کل ۲۵ درصد به بالا داشتیم. ظرف سال های دهه ۹۰ به تدریج سهم سرمایه گذاری در تولید ناخالص داخلی کاهش پیدا کرد و ظرف دو سه ساله اخیر حدوداً ۱۵ درصد شد. علت روشن است ما مشکلاتی در صندوق های بازنشستگی و نظام بانکی و بودجه داریم و مصرف منابع ما را می برد. در بودجه ۱۳۹۸ بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان از بودجه دولت به صندوق بازنشستگی می رود. اگر صندوق های بازنشستگی روی پای خود ایستاده بودند ۶۰ هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری ایجاد می شد. به نظر نمی رسد در این مسیر رشد اقتصادی ما مثبت و یا دور و بر صفر باشد.

برخی از تحلیلگران عقیده دارند امکان دارد تحریم های ما کوتاه مدت نباشد. آنها توضیح می دهند تصور برداشتن تحریم ها و حل مشکل در بازه زمانی دو سه سال سخت است. به علاوه این نکته که تحلیلگران حوزه نفت عقیده دارند مقداری که از صادرات نفتی ما کاهش پیدا کرده است با نفت شیل آمریکا جبران خواهد شد. در



تنگناها و راهکارها

گزارش اقتصادی ۱۳۹۸

یعنی تأمین ثبات اقتصادی است. بنابراین، نااطمینانی‌های موجود در ایران از شکست دولت منشأ می‌گیرد و حاکی از کیفیت پایین حکمرانی است. حتی اگر سه وظیفه یک دولت بسیار حداقلی را تأمین امنیت، تأمین ثبات و امور باز توزیعی بدانیم، دولت ایران در تهیه همین وظایف اولیه و حداقلی نیز شکست خورده است. به نظر می‌رسد این منشأ را باید در روابط و تنظیمات سیاسی کشور جست‌وجو کرد.

برای تحقق رونق تولید در سال جاری، ابتدا لازم است نگاهی کلی به وضعیت موجود اقتصاد ایران داشته باشیم. درک این شرایط، راه‌های اصلی برای جلوگیری از افت شدید تولید ملی را به دست می‌دهد و در عین حال، سیاستگذار را از افتادن در ورطه بی‌انتهای کمک به تولید از طریق اعتبارات که نتیجه‌ای جز رشد پایه پولی و ثبت تورم‌های بالاتر ندارد، در امان می‌دارد.

نااطمینانی یکی از مصادیقی است که بر تولید فعالان اقتصادی اثر منفی دارد. با وجود نااطمینانی در قیمت و مقدار کالاها، بازار در تهیه سطح بهینه تولید شکست می‌خورد. میزان و سازوکار این اثرگذاری نیز در بخش‌ها و صنایع مختلف اهمیت متفاوتی دارد. وقتی چنین آثار و نتایجی از نااطمینانی‌ها مطرح می‌شود منظور مواردی مانند خشکسالی، حوادث طبیعی، بیماری‌ها، تغییرات قیمت جهانی و کاهش قیمت به دلیل نوآوری‌هاست. در چنین شرایطی دولت می‌تواند دخالت کند و اگر از کارایی لازم بهره‌مند باشد در تأمین سطح تولیدی که رفاه اجتماعی را تأمین می‌کند موفق خواهد شد. اکثر نااطمینانی‌های اقتصادی که طی سال‌های اخیر در ایران مشاهده می‌شود از جنس موارد فوق نیست که نشان از شکست بازار و لزوم دخالت دولت باشد بلکه از جنس ناتوانی مجموعه حاکمیت اعم از دولت، مجلس و قوه قضاییه در انجام یکی از مهم‌ترین وظایف خود

چهارم: در این تصویر کلان، اصولاً مشکل کمبود سرمایه در گردش بنگاه‌ها، خود نه علت که معلول است. رفع شدن معلول با استفاده از گزینه‌هایی که سرشته آن به پایه پولی بازمی‌گردد، از آنجا که به علت پاسخ نمی‌دهد، کاملاً موقتی و تبعات تورمی آن تنها به بدتر شدن وضعیت منجر می‌شود. از این رو برخلاف تصویری که وجود دارد، فشار بیش از حد به سیستم بانکی و بانک مرکزی، راه رسیدن به هدف تولید نیست.

سال ۱۳۹۸، حتی اگر سیاستگذاری معقولی را به خود ببیند، یکی از سخت‌ترین سال‌ها در دهه‌های اخیر خواهد بود. باشد تا با تصمیم‌های مرسوم، آن را پرچالش‌تر نکنیم.

♦ رشد و تولید ملی

با توجه به جدال، نمودارها و گزارش‌های دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف (مجمع جهانی اقتصاد، مرکز آمار ایران، بانک مرکزی، وزارت صمت و ...) از شاخص کلان اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۷؛ رشد تولید ناخالص داخلی تحت تأثیر عوامل گوناگونی، به محدوده اعداد زیر صفر سقوط کرد و از سوی دیگر الگوی توزیع ثروت نیز شاهد دو روند هشداردهنده افزایش فاصله حداکثر و حداقل و کاهش جمعیت طبقه متوسط به نفع افزایش جمعیت طبقه فرودست بود. تولید صنعتی در سال ۱۳۹۷، یکی از کاهنده‌ترین روندها را تجربه کرده است؛ تولید اتومبیل به مثابه موتور رشد صنعتی ایران در دهه‌های اخیر، در سال ۱۳۹۷ با سقوط مواجه شد. سقوط اقتصادی سال ۹۷ یادآور وضعیت نامناسب تولید ملی در ابتدای دهه نود است و تکرار دوباره این وضعیت در کمتر از یک دهه؛ علاوه بر اینکه آسیب بزرگی بر بخش صنعتی اقتصاد ایران بوده؛ تا حد زیادی منجر به نابودی چشم‌انداز اقتصادی طبقه متوسط کشور شده است؛ که اثرات اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی در پی خواهد داشت. در میان دلایل این وضعیت، کیفیت نازل سیاستگذاری اقتصادی و پیامدهای آن، مهم‌ترین و پررنگ‌ترین نقش را ایفا کرده است و آمارها و داده‌ها نشان‌دهنده این است که؛ این پیامدهای منفی ناشی از خطاهای بزرگ سیاستگذاری اقتصادی در سال ۹۷، در سال ۹۸ نیز گریبانگیر اقتصاد ایران خواهد بود. قابل توجه است که؛ بخش اشتباهات سیاستگذاری اقتصادی سال ۱۳۹۷، رونویسی از نسخه پیچیده شده دولت دهم برای مواجهه با اثرات تشدید تحریم‌های اقتصادی به ویژه در حوزه مدیریت منابع محدود ارزی بود. این تقلید دقیق دولت دوازدهم از تصمیم‌های کلان و سیاستگذاری اقتصادی دولت دهم در حوزه سیاست‌های ارزی و سیاست‌های



که سیکل‌ها به سمت بالا حرکت می‌کنند یا پایین. وقتی روند صعودی باشد، به معنای آن است که درآمد سرانه کشور در بلندمدت فارغ از تحولات مقطعی افزایشی است و وقتی نزولی باشد به معنای کاهش رفاه شهروندان است. متغیر اصلی تعیین‌کننده این روند نیز نرخ سرمایه‌گذاری یا همان نسبت تشکیل سرمایه به تولید ناخالص داخلی است که همواره بیش از ۳۰ درصد بوده است؛ اما این رقم در سال‌های اخیر به زیر ۲۰ درصد رسیده و انتظار می‌رود که بزودی در شرایطی قرار بگیریم که میزان سرمایه‌گذاری حتی نتواند استهلاک موجودی سرمایه‌ها را پوشش دهد و در نتیجه خالص موجودی سرمایه در کشور رو به افول گذارد.

سوم: هر چند اقتصاد ایران همواره با مشکلات ساختاری مواجه بوده است، اما تبعات ناشی از تحریم‌ها، تصویر کاملاً متفاوتی را در سال‌های اخیر برای آن ایجاد کرده است که پیش از این وجود نداشته و چشم‌پوشی از این تصویر و حواله دادن آن به مسائل ساختاری، اصولاً سیاستگذار را از حل مسائل دور می‌کند. با این وجود انجام اصلاحات ساختاری تا حدی می‌تواند بار تحریم‌ها را سبک کند. انجام دادن آن نیز بیش از آنکه نیازمند دانش باشد، محتاج شجاعت و ریسک‌پذیری است. اصلاحاتی که گستره متنوعی از کاهش بوروکراسی دولتی، افزایش پایه‌های مالیاتی، افت چشمگیر تعرفه و موانع تجاری، اصلاحات بانکی، اصلاحات یارانه انرژی و ... را شامل می‌شود. البته اگر باز پرسیده شود که با انجام صددرصدی این اصلاحات و با وجود حجم تحریم‌های کنونی که اقتصاد و کشور را به حالت خود وابسته کشانده، آیا توسعه‌یافتگی ممکن است، بدون تردید پاسخ منفی است.

اول: می‌دانیم نفت خام در اقتصاد ایران بیش از نیمی از صادرات کشور را دربرمی‌گیرد. همین درآمد روی کاغذ، بیش از ۳۰ درصد بودجه دولت را تأمین می‌کند. البته به‌طور دقیق‌تر، این ارقام بیش از این میزان است. به‌عبارت دیگر درآمد ناشی از فروش نفت، باعث می‌شود تا واردات سرمایه‌ای و مواد اولیه به‌راحتی انجام شود و در سیکل بعدی، این واردات خود موجب رونق و صادرات کالاهای دیگر می‌شود. از این رو نبود این درآمد باعث افت شدید واردات کالاهای سرمایه‌ای شده و اقتصادی را که برای تولید شدیداً نیازمند سرمایه است با شوک منفی مواجه می‌سازد. در مورد بودجه دولت، این فرآیند شدیدتر است؛ به این معنا که وابستگی درآمدهای دولت به نفت، بسیار بیشتر از ۳۰ درصد است؛ زیرا بخش مهمی از درآمدهای مالیاتی خود متکی به کسب و کارهایی است که به‌طور غیرمستقیم وابسته به درآمد ارزی هستند.

وقتی سیکل‌های تجاری اقتصاد ایران را بررسی می‌کنیم، دوره‌های رکود و رونق کاملاً وابسته به درآمدهای ناشی از فروش نفت است. وقتی درآمد نفتی افزایش می‌یابد، سیکل رونق شروع می‌شود و با کاهش فروش، اقتصاد دچار رکود می‌شود. از این رو، بدون هیچ‌شکی دوره رکودی که از سال گذشته آغاز شده، امسال نیز ادامه می‌یابد و اگر تحریم‌های نفتی تشدید شود، این سیکل عمیق‌تر می‌شود. دوم: مشکلی که تحریم‌ها ایجاد می‌کند، بسیار فراتر از افت درآمدهای ارزی، عدم توازن بودجه، کاهش واردات، تقلیل مصرف و رکود اقتصادی است. تحریم‌ها روند بلندمدت اقتصاد را تحت تأثیر قرار داده است. وقتی از روند صحبت می‌کنیم، منظور فراتر از سیکل‌های سینوسی رکود - رونق است. در واقع روند، به شما می‌گوید

دوره نیمه اول دهه پنجاه و دهه هشتاد شمسی که با وجود برابری نرخ ارز، نرخ تورم بالا بود، علت آن کاهش ارزش (قدرت خرید) ارزهای خارجی بود. در دوره‌های افزایش قیمت نفت، قیمت‌های کالاها و به خصوص کالاهای اساسی بالا می‌رود و تورم جهانی از طریق واردات به اقتصاد کشور منتقل می‌شود. در سه دهه اخیر دولت‌ها به انحاء گوناگون موجبات خلق نقدینگی را فراهم آورده‌اند و در همین حال از آن به عنوان مستمسکی برای توجیه افزایش نرخ ارز و تورم استفاده کرده‌اند. دولت‌ها از یک سو با استقرار از بانک‌ها یا بانک مرکزی پول بی‌پشتوانه به اقتصاد تزریق کرده‌اند و از سوی دیگر با افزایش نرخ ارز قیمت‌ها را بالا برده‌اند. در این چرخه باطل تقدم و تاخر خاصی بین دو عامل افزایش نرخ ارز و نقدینگی نمی‌توان قائل شد، زیرا در اصل هر دو در جهت تأمین هزینه‌های رو به تزاید دولت‌ها و وابستگان آنها به کار گرفته می‌شود. در ادامه جهت بررسی بیشتر به آمارهای شاخص قیمت‌ها در اقتصادی ایران پرداخته‌ایم.

◆ بررسی وضعیت و عملکرد صنعت در سال ۱۳۹۷

با توجه به جدول، نمودارها و گزارش‌های ارائه شده توسط دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف در ارتباط با شاخص‌های صنعتی (مجمع جهانی اقتصاد، مرکز آمار ایران، بانک مرکزی، وزارت صمت و ...)؛ در سال‌های اخیر که در کشور تورم بالا رفت و به رکود تورمی منجر شد، بسیاری از واحدهای تولیدی اعم از بنگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ قدرت فعالیت خود را به مرور از دست دادند. یکی از ماموریت‌هایی که متولیان صنعت کشور برای سال ۹۷ به مدیران خود واگذار کرده بودند احیا و فعال کردن ۳۱ هزار و ۵۰۰ واحد صنعتی بود. ایجاد

فعالیت‌ها از آن در فصل نخست سال با توجه به آخرین آمارهای موجود ارائه شده است. در بخش صنعت، شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی (که حدود ۷۰ درصد ارزش افزوده بخش صنعت را پوشش می‌دهد) در سه ماهه اول سال ۱۳۹۷ نسبت به دوره مشابه سال قبل ۰٫۵ درصد کاهش یافته است. شایان ذکر است که از مجموع ۲۴ رشته فعالیت عمده صنعتی در سه ماهه اول سال ۱۳۹۷، یازده رشته فعالیت صنعتی با ضریب اهمیت (۴۹ درصدی) دارای رشد مثبت بوده است. همچنین بیشترین سهم از افزایش شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی (در سه ماهه اول سال ۱۳۹۷) به ترتیب مربوط به فعالیت تولید صنایع فلزات اساسی، صنایع تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر، نیم تریلر و صنایع تولید مواد غذایی بوده است.

◆ نقدینگی و تورم

مولفه مهم و کلیدی اصلاح ساختاری اقتصاد ایران، احیای بخش خصوصی مولد و مقابله با فعالیت‌های اقتصادی پرفساد رانتی یا نامولد دولت‌ها و بخش‌های شبه‌دولتی یا شبه‌خصوصی وابسته به آنها است. افزایش دستوری و تصنعی نرخ ارز، چنانچه تاکنون تجربه شده و هم‌اکنون نیز ملاحظه می‌شود، در جهت تأمین منافع کلان رانتی دولت و وابستگان آن، با اخذ مالیات تورمی صورت می‌گیرد و منجر به تضعیف اقتصاد و بخش‌های مولد، ایجاد نقدینگی و نرخ‌های تورم بالا، فساد گسترده و افزایش فقر و نابرابری‌های اجتماعی می‌شود.

در اقتصاد ایران که بر اساس صادرات ثروت‌های ملی (مواد خام و اولیه) و از سوی دیگر واردات مواد واسطه‌ای و کالاهای مصرفی کار می‌کند، نرخ برابری (قدرت) پول ملی در برابر ارزهای خارجی عامل اصلی تعیین‌کننده نرخ تورم است. در دو

تجاری قابل توجه بود و هست. در حالیکه دولت دوازدهم تجربه کرده بود که سیاست سرکوب ارزی و دلارپاشی در بازار در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ چگونه منابع ارزی کمیاب ایران را به نفع رانت‌جویان کرد، و بازارها را از تعادل خارج کرد؛ اما با وجود این دوباره همان سیاست را اجرا کرد. نگاه غیر واقع بینانه سیاستمداران در مورد امکان استفاده نامحدود از ابزار ارز برای سرکوب تورم، فشار افکار عمومی و البته شانتاژهای سیاسی و رسانه‌ای رانت‌جویان سبب شد اقتصاد کشور در کمتر از یک دهه، دوباره وضعیت نامناسب را تجربه کند و کلیه سیاست‌های تجاری و اقتصادی دولت عملاً تحت تأثیر رویکرد غلط ارزی در مسیر بدتر ساختن تولید و اقتصاد ملی جهت‌دهی شوند. سیاست سرکوب ارزی و میککوب کردن نرخ دلار در ۴۲۰۰ تومان سنگ بنای برخی سیاستگذاری‌ها شد که تا پایان سال، اقتصاد ایران را به انحرافی بزرگ کشاند. وقتی دولت متوجه سیاست نادرست خود شد منابع ارزی ارزشمند و کمیاب از سوی رانت خواران تحت عنوان ثبت سفارش و واردات کالا ذخیره شده بود. پس از آن بود که دولت دوازدهم متوجه شد ادامه تخصیص ارز ناممکن است و دارندگان ارزهای صادراتی را تحت فشار قرار داد که باید دلارهای خود را به نرخ پایین‌تر از نرخ بازار به بانک مرکزی بفروشند تا بتوانند ذخایر ارزی را احیا کنند. این توقع ناپجا و رویکرد غیر واقع‌بینانه به مجادله‌ای میان بانک مرکزی و صادرکنندگان منجر شد که تا پایان سال حل نشد. سیاست‌های تجاری غیراصولی و غیر علمی مبنی طبقه‌بندی کالاها در گروه‌های گوناگون با معیارهای کاملاً سلیقه‌ای و ذهنی، به صدور بخشنامه و دستورالعمل‌های متعددی از سوی بانک مرکزی و وزارت صنعت معدن و تجارت منجر شد که کار تولید و تجارت در فضای کسب و کار ایران را از آنچه بود؛ بسیار پیچیده‌تر ساخت؛ می‌تواند تا سال‌های طولانی بر اقتصاد ایران و کسب و کار فعالان اقتصادی چالش باشد. قطب‌نمای مغشوش معیوب نظری سیاستگذاران اقتصادی مسیر اقتصاد در سال ۱۳۹۷ را به سمت بحران هدایت کرد.

با توجه به دلایل بیان شده و تاثیر بیشتر عوامل مذکور محصول ناخالص داخلی رشد منفی را در فصل دوم سال ۱۳۹۷ تجربه کرده است و در فصل دوم صنعت به رشد منفی بیشتری را نسبت به فصل اول تجربه کرده است که از دیگر عوامل مهم تاثیرگذار آن عدم تأمین نقدینگی و مواد اولیه، کاهش تعاملات اقتصادی بین‌المللی و تاثیرات بیشتر عوامل مذکور در قبل است.

حال در ادامه تولید ناخالص داخلی و سهم



از یک خانواده چند نفره، شرکتی خصوصی تا یک جامعه و ملت و کشور باشند. انتخاب شعار مناسب در هر سازمانی می‌تواند به انسجام داخلی و رویارویی با چالش‌های درونی و بیرونی سازمان کمک زیادی بکند. اما در سازمانی همچون یک کشور و از منظر سیاست خارجی نیز مهم‌ترین عاملی که می‌تواند یک حکومت و دولت را نه تنها در تأمین امنیت ملی بلکه در دسترسی به اهداف کلان و استراتژیک و رعایت مصالح ملی و حداکثرسازی آنها کمک کند، انسجام داخلی است. و هر شعار یا اقدامی هم که کمک کند تا انسجام ملی تقویت و توسعه پیدا کند طبعاً می‌تواند عمل یا شعاری موفق برای بسیج مردم باشد. در شرایط کنونی جامعه ایرانی و به دلیل خروج ترامپ از برجام و عدم تطابق اهداف و منافع سیاست خارجی ما با سایر قدرت‌های تاثیرگذار بر صحنه جهانی، مشکلات مردم رو به تزاید بوده که مآلاً کساندن آنها به آستانه تحمل و استیصال باعث کاهش اعتماد عمومی به حاکمیت و فقر روزافزون انسجام ملی می‌شود. پس یکی از چالش‌های اساسی مردم و کشور اوضاع و شرایط اقتصادی است که چندان خوب نیست و انتخاب شعار رونق تولید نشان از آن دارد که مسئولان کشور و دست‌اندرکاران انتخاب شعار سال نسبت به این امر واقف هستند ولی ارائه راه کار اجرایی نیاز به تئوری آزمایش شده و جواب پس داده و نه صرفاً مفهوم‌سازی، کارشناس دلسوز و دست‌پاک و مدیر ریسک‌پذیر و صد البته اداره سیاسی جامعه برای کاهش هزینه فعالیت اجرایی و سیاسی دارد تا شعار سال در حد شعار بر بالای سر برگ و... نماند و به اقدامات نمایشی منجر نگردد. بنابراین آنچه که اهمیت دارد این است که برای دستیابی و تحقق شعار سال تحت عنوان «رونق تولید» باید اولویت‌های کشور تعریف شود و همگان از جمله دولتی‌ها و خصوصی‌ها در این مسیر گام بردارند. باید مشکلات اقتصاد ایران را ریشه‌یابی کرد و با دقت در جهت رفع آن قدم برداشت که یکی از الزامات آن نباید بالا بردن جایگاه بخش خصوصی در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. چرا که آنها با واقعیت‌های اقتصادی کشور آشنایی دارند و طی سال‌ها فعالیت اقتصادی تجربیات فراوانی را کسب کرده‌اند. مهم این است که در مسیر تحقق اهداف، اقتصاد به درستی عرضه‌یابی شود تا مسیر دستیابی کوتاه‌تر شود. طی نوسانات ارزی سال گذشته، تولیدکنندگان دچار مشکلات فراوانی شدند و ضررهای بسیاری به کار و حرفه آنها وارد شد. که در بخش قبلی به آنها پرداخته شد. تحقق رونق تولید منوط به اجرایی شدن عواملی مانند اصلاح محیط کسب و کار، تضعیف فعالیت‌های سوداگرانه، مبارزه با فساد، دیپلماسی فعال اقتصادی، اصلاح قوانین و صیانت از سهم صندوق توسعه است. اساساً اقتصاد



صنعت نشان می‌دهد این شاخص در زمستان سال ۱۳۹۵ به رقم شاخص در سال ۱۳۹۰ رسیده است. این موضوع نشان می‌دهد تولید بخش صنعت پس از سپری شدن دوره رکود پنج ساله به سطح قبلی خود در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

♦ رونق تولید (شعار اقتصادی سال)

در حالیکه مدیریت سازمان‌ها روندی است که از طریق برنامه‌ریزی، به کارگیری، سازماندهی و استفاده صحیح از منابع (مالی، فیزیکی، انسانی و فناوری) برای رسیدن به یک یا چندین هدف مشخص ایفای نقش می‌کند، رهبری سازمان‌ها توانایی اعمال نفوذ بر افراد یا گروه‌های انسانی است در جهت دستیابی به اهداف سازمان از طریق تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیری افراد برای ایجاد تغییر و عمل‌خلاقانه. این اقدام عموماً توسط الهام بخشی و ایجاد انگیزه برای تغییر و حرکت رو به جلو و به وسیله طراحی شعاری قابل تحقق برای بسیج منابع صورت می‌گیرد تا تمامی آنها (مالی، فیزیکی، انسانی و فناوری) در پی تحقق استراتژی سازمان باشند و در همان راستا (Alignment) حرکت کنند و هرز نروند. به عبارتی همه عوامل و ذینفعان نسبت به بیانیه مأموریت و چشم‌انداز و سایر اسناد فرادستی وفادار بمانند و بحران‌ها، چالش‌ها، مشکلات و مسائل روزمره آنها را از مسیر اصلی خود دور نمایند. ویژگی‌های این شعار و نحوه تعیین آن و میزان و مدت تمسک به آن در حوصله این بحث نیست و می‌توان به همین میزان بسنده کرد که رهبران سازمان‌ها می‌توانند از طریق طراحی و تعیین شعارهایی که در میان پیروانشان مقبولیت پیدا کند به بسیج منابع دست زده و آنها را در کنار مدیریت، پیروان، ذینفعان و نخبگان برای دسترسی به اهداف سازمان به خدمت بگیرند. این سازمان‌ها می‌توانند

کلینیک صادراتی و وارداتی، سلامت اداری و مبارزه با فساد، استراتژی توسعه صنعتی، معدنی مطابق با آمایش سرزمینی، نظارت بر پرداخت تسهیلات به واحدهای تولید و شناسایی واحدهای تولیدی مشکل دار؛ از دیگر برنامه‌هایی بود که تصمیم به اجرای آنها در سال ۹۷ داشتند. نوسازی و بهسازی صنایع در قالب بودجه سال ۹۷ یکی از مسائلی بود که فعالان بخش صنعتی و مدیران دولتی متولی بخش صنعت بر آن اشتراک نظر داشتند. اما تأمین منابع مالی مورد نیاز برای این کار در سال ۹۶ محل بحث‌های مختلفی بود که برای ایجاد تحرک در صنایع در سال ۹۷ می‌بایست علاوه بر نوسازی صنایع، مسائل دیگری همچون حقوق و دستمزد، تأمین اجتماعی و موضوعات بانکی نیز در واحدهای تولیدی باید مورد توجه قرار می‌گرفت. همچنین در سال ۹۷ ایجاد ۵۳۰ هزار شغل در بخش‌های مختلف واحدهای صنعتی، معدنی و تجاری هدف‌گذاری شده بود که این موضوع با تکمیل ۵۰ طرح ملی تولیدی باید محقق می‌شد.

♦ چالش‌های پیش روی صنعت، قوانین و سیاست‌گذاری‌های مغل تولید

بخش صنعت در جوامع پیشرفته کنونی محور رشد اقتصادی کشورها قرار دارد و رشد همین بخش موجب تحرک و رشد بخش کشاورزی نیز می‌گردد. امروزه بیشترین تراکم نیروی کار (بیش از ۷۰ درصد) کشورهای پیشرفته در بخش خدمات و کمترین آن (کمتر از ۵ درصد) در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند. در واقع، سهم نیروی کار از شاغلان کشور و سهم ارزش افزوده از تولید ملی بخش‌های اقتصادی، امروز یکی از ملاک‌های تشخیص توسعه‌یافتگی یا عقب‌ماندگی صنعتی کشورهاست. مقایسه شاخص مقدار تولید بخش

موجب موفقیت صندوق در رسیدن به اهداف تولیدی و در نتیجه تنوع اقتصاد کشور شود.

۹) برخی به اشتباه تصور می‌کنند که اجرای اقتصاد مقاومتی تنها وظیفه قوه مجریه است در حالیکه اقتصاد مقاومتی یک دیدگاه است که به تمام نهادها و قوا مربوط می‌شود و تمام بخش‌ها باید در تحقق آن تلاش کنند. به همان اندازه که قوه مجریه در تحقق آن نقش دارد قوه قضاییه و مقننه نیز نقش دارند. البته با توجه به اینکه قوه مجریه اداره امور اجرایی کشور را برعهده دارد نقش راهبردی تری در این بخش دارد.

۱۰) نکته دیگری که نادیده گرفته می‌شود این است که وقتی می‌گوییم تولید باید نهادینه شود به این معناست که تولید به عنوان مساله اصلی کشور تمام سیاست‌ها، برنامه‌ها و نگاه‌ها را به سمت خود جلب کند. اینکه چرا تولید در کشور ما در طول دهه‌های اخیر به میزان قابل قبولی رشد نکرده دلایل مختلفی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها توجه نکردن بخش‌های مختلف و مردم به آن است. تمام نهادها و بخش‌های حاکمیت و همچنین مردم باید در جهت نهادینه کردن فرهنگ تولید ملی و مصرف کالاهای داخلی تلاش کنند و این موضوع به یک فرهنگ تبدیل شود.

۱۱) مساله پایین بودن بازدهی تولید یکی دیگر از مواردی است که مانع جذب سرمایه کافی به این بخش شده است. با وجود تلاش‌های صورت گرفته هنوز بازدهی تولید نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی پایین تر است و همین موضوع باعث شده است تا سرمایه‌گذاران به این بخش توجه نکنند. بنابراین باید در ابتدا بازدهی بخش تولید در مقایسه با سایر بخش‌ها قابل رقابت شود.

۱۲) مشکلاتی که از سال‌های قبل ایجاد شده نیز یکی از نکاتی است که تأثیر زیادی بر بخش تولید

سرمایه‌گذاری میان یک فعالیت مولد و یک فعالیت سوداگرانه، فعالیت مولد را انتخاب کنند، موضوعی که در حال حاضر در کشور ما برعکس است و این موضوع یکی از فوری‌ترین اصلاحات لازم توسط سیاستگذاران کشور برای تحقق رونق است.

۵) مبارزه با فساد: مبارزه با فساد به گونه‌ای که این مبارزه برای فعالان اقتصادی محسوس باشد، می‌تواند امنیت سرمایه‌گذاری را ایجاد کند و صاحبان سرمایه‌های پاک را به سرمایه‌گذاری بیشتر در امور تولیدی سوق دهد. اما وقتی امکان ایجاد فساد و مجازات فاسد دارای تساهل باشد، مردم در تأمین مالی پروژه‌های مولد اقتصادی اعتماد لازم را به‌خرج نخواهند داد.

۶) دیپلماسی فعال اقتصادی: یکی از محورهای بسیار مهم در رونق تولید، توانایی صادرات محصولات تولیدی است. توانایی صادرات محصولات تولیدی نیازمند دیپلماسی فعال اقتصادی مبنی بر نیازسنجی مشتریان، یافتن استانداردهای لازم صادراتی و... است.

۷) اصلاح قوانین: برخی قوانین از جمله قوانین مالی حاکم بر صنایع مهم کشور موجب تداوم خام‌فروشی و عدم توسعه زنجیره ارزش در کشور شده است. از این موارد می‌توان به رابطه مالی صنعت نفت و دولت نام برد که نیاز به اصلاح فوری دارد.

۸) صیانت از سهم صندوق توسعه ملی در قوانین بودجه سنواتی توسط دولت و مجلس: صندوق توسعه ملی ایجاد شد تا بخشی از درآمدهای نفتی جهت اعطای تسهیلات به بخش خصوصی توانمند کشور اختصاص یابد، اما سهم صندوق از درآمدهای نفتی هر ساله در قوانین بودجه سنواتی مورد دست‌اندازی دولت قرار می‌گیرد و صندوق را در نیل به اهداف خود ناکام گذاشته است. انضباط مالی و تنظیم هزینه‌ها بر اساس درآمدها می‌تواند

ایران ظرفیت تحریم‌پذیری بسیار بالایی دارد و به راحتی قابلیت تحریم شدن دارد. دلیل این اتفاق را می‌توان در خام‌فروشی بودن و عدم تنوع تولید کشور جست‌وجو کرد. برای حل مشکل راحت تحریم شدن قاعدتاً باید کاری کرد تا هزینه‌های اعمال تحریم علیه کشور افزایش یابد و این اتفاق نخواهد افتاد مگر با رونق دادن به تولید و اقتصاد کشور. اما سوال مهم این است که از این به بعد چه کارهایی باید و چه کارهایی نباید انجام داد تا تولید در اقتصاد کشور رونق بگیرد؟

♦ الزامات شعار رونق تولید

۱) تأمین ساختار داخلی مناسب برای تسهیل و تشویق نوآوری و حرکت به سوی تولید انبوه به منظور رقابتی کردن کالا و خدمات تولیدی از جمله بالا بردن کیفیت و نیز ارزان تمام کردن آنهاست که افزایش مصرف داخلی صورت گیرد و این نیاز به بالا بودن قدرت خرید مردم بستگی دارد. وجود فساد گسترده در نظام اداری کشور و تأثیر آن بر فقدان سرمایه داخلی و خارجی مورد نیاز باید مورد مذاقه ویژه قرار گیرد.

۲) یک سیاست خارجی تعاملی با دنیا و از جمله با همسایگان تا هم از نظر تأمین مواد اولیه مورد لزوم کمک کنند و هم بستر صادرات کالا و خدمات تولیدی به منظور فروش و ارز آوری و تقویت بنیه تولیدکنندگان را فراهم آورد. یعنی یک بخش مهم در ایجاد رونق اقتصادی استفاده از ظرفیت‌های برون مرزی مخصوصاً همسایگان است.

۳) اصلاح محیط کسب و کار: محیط کسب و کار عبارت است از مجموعه افعال و مجوزهایی که یک فرد جهت ایجاد یک کسب و کار با آنها قرار است سرو کار داشته باشد. هر چه دست یافتن به این مجوزها سریع‌تر و راحت‌تر و شفاف‌تر باشد، محیط کسب و کار شرایط بهتری دارد و هر چه این فرآیند مهم‌تر و طولانی‌تر باشد افراد از آوردن سرمایه‌های خود در تولید جلوگیری می‌کنند. ما باید بتوانیم هزینه‌های پیوستن سرمایه‌ها و افراد به فرآیند تولید را کاهش دهیم. مواردی که در ادامه در مورد آنها بحث می‌شود به نحوی اجزای اصلاح محیط کسب و کار هستند که توجه به آنها می‌تواند رونق تولید را تحقق بخشد.

۴) تضعیف فعالیت‌های سوداگرانه: یکی از کارهایی که می‌تواند رونق تولید را به همراه داشته باشد، تضعیف انگیزه برای فعالیت‌های سوداگرانه است. فعالیت‌هایی مانند خرید و فروش دلار و سکه و ملک باید هر چه زودتر در قانون مالیات بر عایدی سرمایه تعیین تکلیف شوند و بر این فعالیت‌ها مالیات‌های سنگین وضع شود تا انگیزه‌ها برای سرمایه‌گذاری در امور تولیدی تقویت شود و مردم در مقایسه عایدی



تولید توجه می‌کنند و به همین دلیل به جای خرید قطعات و کالاهای واسطه‌ای از تولیدکننده داخل به واردات روی آورده‌اند.

۱۹) آخرین نکته‌ای که باید مدنظر قرار گیرد آموزش است. در کشور ما آموزش سمت و سوی تولید ندارد و دانشگاه‌ها براساس نیاز بازار کار حرکت نمی‌کنند. کشورهای صنعتی زمانی رشد کرده‌اند که دبیرستان‌های آنها به سمت هنرستان پیش رفته‌اند و مهارت و حرفه بر آموزش نظری اولویت یافت.

◆ رشد ۹۸

برآوردهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بیشتر مبتنی بر کاهش نرخ رشد تولید در ایران بوده، بنابراین پیش‌بینی می‌شود برای سال آینده یا با نرخ رشد منفی مواجه می‌شویم یا اساساً رشدی نخواهیم داشت. تاثیر بودجه ۹۸ بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند تورم، رکود و رشد اقتصادی چندان قابل توجه نیست.

انتظارات از بودجه ۹۸ بسیار بالا رفته است. از طرفی این انتظار وجود دارد که دولت بتواند از اقشار آسیب‌پذیر حمایت کند، از طرف دیگر، بنگاه‌های اقتصادی نیز چشم امیدشان به دولت است تا بتوانند با استفاده از تسهیلات دولت خود را ورشکستگی برهانند. نفت، سالیان سال پاشنه‌آشیل نظام بودجه‌ریزی ایران بوده که بودجه ۹۸ نیز از آن مستثنی نیست. کاهش فروش نفت می‌تواند تاثیرات بالقوه‌ای را از خود بر جای بگذارد. تاثیراتی که آثار خود را بر رشد اقتصادی، رکود و تورم بر جای می‌گذارد. با توجه به رکود فراگیر و تورمی که گریبانگیر اقتصاد ایران شده است، به‌نظر می‌رسد رکود تورمی در کشور تعمیق خواهد شد. بودجه یک ابزار است که می‌تواند بر روی متغیرهای کلان اقتصادی رکود، تورم و رشد اقتصادی تاثیرگذار باشد. اکنون با توجه به بودجه‌ای که برای سال ۹۸ ارائه شده، این انتظار که چنین بودجه‌ای بتواند تاثیر مثبت و مستقیم بر رکود و تورم داشته باشد، جای تردید دارد.

این امکان که سال آینده از ناحیه تحریم‌های بین‌المللی و کاهش درآمد نفتی دچار کسری بودجه شویم، بسیار بالاست. چرا که هنوز بخش بزرگی از درآمدهای موجود در بودجه تحت تاثیر درآمدهای نفتی است. از طرف دیگر هنگامی که رکود وجود دارد، بحث تحقق درآمدهای مالیاتی نیز دچار تردید می‌شود. بنابراین به‌طور کل درآمد دولت تحت تاثیر قرار می‌گیرد. به همین علت این امکان وجود دارد که دولت سال آینده با کسری بودجه قابل توجه مواجه شود.

واضح است که بحث فروش نفت نیز سال آینده به‌شدت تحت تاثیر تحریم قرار خواهد گرفت.



آن از بین برود تا تولیدکننده با خیال آسوده به تولید بپردازد. در واقع تا قاچاق ریشه کن نشود رونق تولید نیز ممکن نخواهد بود. در کنار آن سیستم مالیاتی کشور نیز باید به‌طور کامل در خدمت تولید باشد و در زمانی که با رکود مواجه هستیم تولیدکنندگان مشمول معافیت‌های مالیاتی شوند.

۱۵) برای رونق تولید و اشتغال نظام تأمین اجتماعی کشور نیز باید اصلاح شود. این نظام باید به گونه‌ای عادلانه باشد که منافع کارفرما و کارگر را به صورت توأمان حفظ کند چرا که منافع کارگر با کارفرما به هم گره خورده و از هم جدا نیست.

۱۶) توجه ویژه به مزیت‌های اقتصادی کشور از دیگر مواردی است که باید در رونق تولید و اشتغال مد نظر قرار گیرد. هم‌اکنون مزیت اصلی کشور در بخش کشاورزی است. ایران در تولید بسیاری از محصولات کشاورزی جایگاه ویژه‌ای در جهان دارد که می‌تواند در جهت صادرات آن را تقویت کرد. روسیه سالانه ۱۷۰ میلیارد دلار محصول کشاورزی وارد می‌کند درحالی‌که سهم ایران از آن تنها ۱۱۰ میلیون دلار است که به دلیل نبود سازماندهی مناسب رخ داده است. در مجموع باید به صنایعی توجه شود که کاربر هستند و به نیروی کار بیشتری نیاز دارند که کشاورزی یکی از بهترین آنهاست.

۱۷) رونق تولید و اشتغال به یک بخش خصوصی توانمند نیاز دارد. اما در حال حاضر عمده ترکیب اتاق‌های بازرگانی ایران در بخش تجارت متمرکز شده و توجه زیادی به تولید ندارند. در اتاق‌های بازرگانی گروه‌های تولیدکننده قوی وجود ندارد. باید شرکت‌های کشت و صنعت، شیلات و... خصوصی قدرتمندی شکل بگیرد.

۱۸) در کنار شرکت‌های بزرگ باید به شرکت‌های کوچک نیز توجه شود. هم‌اکنون برخی از شرکت‌های بزرگ سود خود را در واردات می‌بینند و کمتر به

واشغال داشته است. در دوره قبل شوک‌هایی به اقتصاد ایران وارد شد که همچنان اثرات آن قابل مشاهده است. در این سال‌ها شوک خارجی تحریم آثار منفی زیادی بر اقتصاد ایران داشت ولی تنها عامل منفی نبود چرا که در کنار آن شوک‌های داخلی نیز وجود داشت. برای مثال یکی از این شوک‌های داخلی افزایش چند برابری نرخ ارز بود. در سایر کشورها زمانی که نرخ ارز به یک‌باره ۱۰ درصد افزایش می‌یابد اقتصاد آن کشور فلج می‌شود. درحالی‌که در کشور ما نرخ ارز به یک باره با رشد ۳۰۰ درصدی مواجه شد و آثار زیانباری بر اقتصاد ملی برجای گذاشت که همچنان این آثار منفی ادامه دارد. علاوه بر این رشد چند برابری قیمت انرژی در سال‌های گذشته یکی دیگر از شوک‌های داخلی بود که تولید را با مشکل مواجه کرد.

۱۳) از مشکلات دیگری که رابطه مستقیمی با تولید دارد، ساختار بانکداری ایران است. در دنیا به صورت عمده بانک‌ها ضمن حفظ منافع خود در خدمت تولید هستند. ولی در ایران نظام بانکی اینگونه نیست. وقتی که نرخ تورم در سال‌های اخیر کاهش یافته و تکریمی شده، همچنان برخی از بانک‌ها در پشت پرده نرخ‌های سود بسیار بالاتری نسبت به تورم جاری به سپرده‌گذاران می‌پردازند و همین عامل موجب شده تا سرمایه‌گذاران به جای ورود به عرصه تولید دارایی خود را در بانک‌ها سپرده‌گذاری کنند. بر همین اساس برای رونق تولید نیازمند یک جراحی بزرگ در نظام بانکی کشور هستیم.

۱۴) نکته دیگری که باید به آن توجه کرد وظیفه‌ای است که برخی از نهادها در راستای حمایت از تولید دارند. برای مثال پدیده قاچاق که رابطه مستقیمی با تولید ملی دارد باید با ریشه‌یابی و رهگیری کالاهای قاچاق، مبادی ورودی و عاملان

اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ ندهد شاهد تورمی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد خواهیم بود. علت این مساله را می‌توان اینگونه توضیح داد؛ اثرات تورمی افزایش قیمت دلار به تدریج در اقتصاد تخلیه می‌شود و همان‌گونه که در سال ۹۱ تورم حدود ۲۵ درصد بود و سال ۹۲ تورم به بالای ۳۵ درصد رسید که اثرات تورمی افزایش قیمت دلار حدود ۲ تا ۳ سال طول می‌کشد تا اثرات خود را بر اقتصاد نشان دهد. نرخ دلار در آذر ۹۶ حدوداً برابر با ۴۲۰۰ تومان بود و در ماه‌های گذشته قیمت دلار تا مرز ۱۹ هزار تومان نیز افزایش یافت و اکنون دوباره به کانال ۱۱ هزار تومان بازگشته‌ایم. اثرات تورمی افزایش نرخ دلار به تدریج در اقتصاد نشان داده می‌شود و امسال تورم به ۲۵ درصد خواهد رسید و همانطور که می‌دانید میانگین تورم ماهانه یعنی شهریور به مراد، آبان به مهر الان حدود ۵ تا ۶ درصد شده که بالاست و به عبارتی تورم آبان نسبت به آبان ۹۶ و مهر سال ۹۷ نسبت به مهر ۹۶ بیش از ۵ درصد است که عددهای بالایی محسوب می‌شود که نشان می‌دهد به تدریج تورم‌های ماه به ماه در حال طی کردن روند افزایشی است و امسال به ۲۵ درصد می‌رسیم زیرا آخرین عددی که وجود دارد برای تورم آبان ۹۷ نسبت به آبان ۹۶ برابر با ۱۳ تا ۱۴ درصد بوده است که عدد به تدریج روند افزایشی به خود می‌گیرد و تا پایان سال به ۲۵ درصد می‌رسیم بنابراین سال ۹۸ تورمی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد خواهیم داشت. سال ۹۸ نسبت به ۹۷ سال سخت‌تری خواهد بود زیرا در ۶ ماهه نخست سال ۹۷ وضعیت درآمدهای ارزی دولت بسیار مناسب بود. افزایش قیمت نفت از ۵۵ تا ۷۵ دلار اتفاق افتاد. شروع تحریم‌ها از ۱۳ آبان بود به عبارتی درست است بار روانی تحریم‌ها از اردیبهشت ماه در ایران اتفاق افتاد که بیشتر به خاطر انتظارات نسبت

اقتصادی گروه نفت که در سال ۹۰ معادل منفی ۱,۵ درصد بوده است، در سال ۹۱ به منفی ۳,۵ درصد سقوط کرد؛ یعنی بیش از یک‌سوم از اقتصاد بخش نفت از دست رفت. یک یافته دیگر از تجربه تحریم قبلی این است که براساس حساب‌های ملی بانک مرکزی، درآمد ملی نسبت به تولید ناخالص داخلی تاثیر بیشتری از تحریم‌ها می‌پذیرد. طوری که با وجود افت ۷,۷ درصدی تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۱، افت درآمد ملی در این سال معادل ۱۴,۶ درصد ثبت شده است. کارشناسان مرکز پژوهش‌ها پیش‌بینی می‌کنند با توجه به ماهیت نسبتاً مشابه تحریم‌های اقتصادی جدید آمریکا با تحریم‌های قبلی، در سال ۹۷ در صورت تداوم وضع موجود، وضعیت نسبتاً مشابهی با سال ۹۱ ثبت شود. از نظر آنها، وضعیت کلی عملکرد ۶ ماهه اول اقتصاد ایران، این فرضیه را تایید می‌کند.

◆ تورم ۹۸

پیش از سال ۹۷ تحلیل‌ها حکایت از آن داشت که در سال ۹۷ اقتصاد ایران وضعیت دشواری را تحمل خواهد کرد. با تشدید تحریم‌ها در پی خروج آمریکا از برجام این تحلیل‌ها بیش از پیش رنگ واقعیت به خود گرفت. صندوق بین‌المللی پول که در ماه مارس میلادی سال جاری، رشد اقتصادی کشور را ۴ درصد پیش‌بینی کرده بود در ماه سپتامبر از نظر خود عقب‌نشینی کرد و برآوردش از رشد اقتصادی کشور به منفی ۱,۵ درصد تغییر پیدا کرد. در ارزیابی جدید این نهاد مالی بین‌المللی که اواسط ماه نوامبر منتشر شده است برای سال ۲۰۱۹ میزان تورم ایران ۳۴,۱ درصد و میزان رشد اقتصادی منفی ۳,۶ درصد گمانه زنی شده است. تورم سال ۹۷ برابر با ۲۵ درصد است و براساس اتفاقاتی که رخ داده احتمالاً در سال ۹۸ نیز اگر

هم‌اکنون نیز مشاهده می‌کنیم که مشتریان نفتی ما رفتارهای نااطمینانی را در خصوص خرید نفت از ایران از خود نشان می‌دهند. همچنین در بحث حمل‌ونقل و ترانزیت و صادرات نفت نیز قطعا مشکلاتی به وجود خواهد آمد.

بنابراین در سال آینده از جانب صادرات نفتی بازار بااطمینانی نداریم که بتوانیم بر اساس آن تصمیم‌گیری کنیم. از طرفی نفتی نیز که فروخته می‌شود، با هزینه بسیار بالا به فروش می‌رود. یعنی هزینه‌های واسطه‌های صادرات نفت برای کشورمان بالا می‌رود و خود همین موضوع درآمدهای نفتی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

یعنی در شرایط تحریم، هزینه‌های واسطه‌های فروش نفت مانند هزینه حمل‌ونقل، هزینه بیمه و سایر مسائل مالی افزایش پیدا می‌کند. از طرفی در شرایط تحریم هزینه‌های دور زدن تحریم‌ها و واسطه‌گری افزایش می‌یابد. همچنین مشتریانی که نفت را از ما می‌خرند، معمولاً به علت ریسکی که می‌کنند، نفت را از ما ارزان‌تر خواهند خرید.

بر این اساس با ادامه وضع موجود در سال ۹۸، در بهترین حالت رشد اقتصادی به منفی ۴,۵ درصد نزول خواهد کرد. این در حالی است که در سناریوی بدبینانه اقتصاد ایران با عقبگرد ۵,۵ درصدی سال آتی را به پایان خواهد رساند. گزارش‌ها و داده‌ها حاکی از این است که بخش نفت بیشترین ضربه را از تحریم‌ها خواهد خورد؛ به حدی که احتمال از دست رفتن یک سوم از تولیدات نفتی نسبت به سال جاری وجود دارد. افزایش سطح قیمت‌ها (تولیدکننده و مصرف‌کننده) هم‌زمان با ثبات نسبی مخارج جاری و عمرانی دولت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، رشد حقیقی بخش‌های ساختمان و خدمات را نیز تحت فشار قرار خواهد داد؛ به طوری که بخش ساختمان در حالت خوش‌بینانه رشد منفی ۱۵ درصدی را در سال ۹۸ ثبت خواهد کرد. در بخش صنعت نیز در سال آتی، صنایعی که با تاخیر از تحریم تاثیر می‌گیرند، همچون فلزات اساسی و صنایع غذایی در ردیف اول رشد منفی قرار می‌گیرند. مطابق بررسی‌های انجام شده در بخش صنعت انتظار بر این است که صنایع وابسته به واردات، در صف اول تحریم قرار گیرند و پس از آن و با تاخیر صنایع دیگر نیز متاثر شوند. همچنین تجربه تحریم نشان داده است که تضعیف درآمد ملی در دوران تحریم، شدیدتر از تضعیف تولید ناخالص داخلی خواهد بود.

تحریم‌های گسترده اقتصادی علیه ایران در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ که آثار آن در بخش حقیقی از سال ۱۳۹۱ بروز یافت، حاکی از این است که بخش‌های نفت، صنعت و ساختمان بیشترین آسیب را از شرایط تحریم می‌پذیرند. مثلاً رشد



◆ صنعت ۹۸

برای تخمین اثرگذاری تحریم‌ها بر بخش صنعت، می‌توان سال‌های ۹۷ و ۹۸ را با توجه به تجربه سال‌های ۹۱ و ۹۲ شبیه‌سازی کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشترین تاثیر بر تولید صنعت، در سال اول تحریم رخ می‌دهد. اما میزان تاثیرگذاری تحریم بر صنایع مختلف، متفاوت است. در میان صنایع عمده اقتصاد ایران، خودروسازی بیشترین آسیب را از تحریم می‌خورد و در رتبه دوم صنایع شیمیایی قرار می‌گیرد. تاثیرپذیری صنایع غذایی و صنایع فلزات اساسی در تجربه قبلی کمتر بوده است. هرچند در سال‌های بعد، با توجه به رکود بخش تقاضا، رکود بخش فلزات اساسی نیز به تبع رکود بخش ساختمان رخ داده است. در واقع سرعت تاثیرگذاری تحریم بر صنایع متفاوت است. صنعت خودرو به سرعت از این وضعیت متأثر می‌شود و صنایع دیگر با تاخیر از شرایط تحریمی آسیب می‌بینند. دلیل آن هم به کانال‌های اثرگذاری تحریم بازمی‌گردد. خودروسازی در تحریم بلافاصله در تأمین کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز تولید به مشکل می‌خورد. صنایع اینچینی با سرعت و میزان بیشتری از تحریم آسیب می‌بینند. اما صنایع شیمیایی به دلیل محدودیت‌های صادراتی ایجاد شده بیشتر تحت تاثیر قرار می‌گیرند. از این رو انتظار کارشناسان مرکز پژوهش‌ها بر این است که در سال جاری، شاهد رشد منفی قابل توجه صنایع خودروسازی، سپس صنایع پتروشیمی و برخی صنایع کوچک‌تر وابسته به واردات و در سال آتی، شاهد افت تولید صنایع فلزات اساسی، کانی‌های غیرفلزی و صنایع فلزی باشیم. در هر حال در دو سال ۹۷ و ۹۸ رشد منفی بخش صنعت قابل پیش‌بینی است. کاهش محسوس و فزاینده واردات در ۷ ماه ابتدایی سال جاری با توجه به تجربه سال ۹۱، می‌تواند به عنوان شاخصی پیش‌نگر از رشد منفی بخش صنعت در نظر گرفته شود. همه منابع آماری، رشد منفی بخش صنعت در نیمه اول سال را تایید می‌کنند. برای ادامه راه، مرکز پژوهش‌ها دو سناریو در نظر گرفته است. سناریوی اول مفروض بر این نکته است که تعامل ایران با سایر کشورها (به جز آمریکا) روند متفاوتی را نسبت به تجربه قبلی تحریم رقم بزند. در این حالت تحریم‌ها با ابعاد کمتر بر صنایع کشور اثر خواهند گذاشت (نیمی از تبعات تحریم سال‌های ۹۱ و ۹۲). رشد بخش صنعت در سال ۹۷ در این سناریو منفی ۲ درصد برآورد می‌شود. اما حالت بدتر این است که تحریم‌ها با همان ابعاد قبلی صنایع را تحت فشار بگذارند. در سناریو دوم بخش صنعت با افت ۴٫۵٪ تولید مواجه خواهد شد. در صورت ادامه این سناریوها در سال آتی نیز رشد بخش صنعت بین منفی ۳ تا منفی ۵ حرکت خواهد کرد.



یک متغیر سیاسی است تا اقتصادی. به عبارت دیگر نرخ ارز به شدت از تحولات سیاسی سال ۹۸ تاثیر می‌پذیرد.

- دلار در سال جاری دارای روندی صعودی با شیب کم خواهد بود، مگر اینکه اتفاق سیاسی پیش‌بینی نشده‌ای اتفاق بیفتد. به عبارت دیگر دلار دارای نوسانات کاهنده و بالا رونده خواهد بود، ولی روند عمومی آن به سمت افزایش خواهد بود.

- پیش‌بینی می‌شود بانک مرکزی، در مقایسه با سال گذشته، قدرت کمتری در کنترل بازار داشته باشد.

- کنترل‌های بانک مرکزی روی بازار پول و ارز بیشتر خواهد شد و این کنترل‌ها در شرایط پر التهاب ممکن است به حساب‌های پس‌انداز هم کشیده شود، هر چند که احتمالش بسیار کم است.

- احتمال افزایش بیشتر یورو و بین‌زاین نسبت به دلار آمریکا وجود دارد. هر چند که افزایش یورو با موانع جدی مواجه است و بنابراین افزایش محدودی خواهد داشت.

- بازار دلار کماکان بازار کنترل شده‌ای خواهد بود و بنابراین تقاضای سوداگری بیشتر به سمت طلا حرکت خواهد کرد. بنابراین شکل‌گیری حباب در بازار طلا بسیار محتمل است.

- کماکان بازار ارز و طلا رشد یابنده‌ترین بخش‌های بازاری در سال جاری خواهند بود.

- کاهش قیمت دلار از نظر اقتصادی غیرمحمتمل است ولی با گفت‌وگوهای سیاسی امکان کاهش دلار تا ده هزار تومان هم هست. هر چند که احتمال گفت‌وگوهای سیاسی با آمریکا بسیار کم است.

- اگر کسی به درآمد ارزی دسترسی داشته باشد سال جاری برای پر از فرصت است، بنابراین بهترین استراتژی برای افراد و شرکت‌ها دسترسی به درآمدهای ارزی از طریق فعالیت‌های بین‌المللی است.

به آینده، سوداگری و تدابیر نادرست ... بود اما این تحریم‌ها از آبان ماه شروع شد. سال ۹۸ شاهد تاثیرات تحریم‌ها بر منابع درآمدی دولت، بر اقتصاد ایران و بر تولید خواهیم بود. بنابراین در سال ۹۸ شاهد اثرات تحریم‌ها بر بدنه تولید خواهیم بود و در سال آینده درآمدهای ارزی حاصل از کاهش صادرات نفت، پایین خواهد آمد و همچنین شاهد کاهش درآمدهای مالیاتی خواهیم بود زیرا تولید افت خواهد داشت. در سال ۹۸ شاهد اثرات تورمی حاصل از افزایش قیمت دلار خواهیم بود و به عبارت بهتر در سال آینده اثرات تورمی و تحریم‌ها به تدریج خود را نشان خواهند داد.

در سال ۹۸، رکود اقتصادی، کاهش فروش بنگاه‌های تولیدی، افزایش موجودی انبار، تعدیل بنگاه‌ها و تعطیلی و نیمه فعال شده آنها، افزایش هزینه‌های تولید، کاهش درآمدهای مالیاتی و ارزی و ... همه به تدریج اثرات خود را در اقتصاد نشان خواهد داد، لذا در این شرایط کار دولت بسیار مهم است تا تدابیر و سیاست‌های درست را برای مدیریت شرایط پیش رو اتخاذ کند.

◆ بازار ارز ۹۸

بر اساس تحلیل‌های اقتصادی و شرایط تحریمی سال جاری، روندهای زیر در بازار ارز قابل پیش‌بینی است. - بازار ارز التهابات سال گذشته را نخواهد داشت ولی باز این بازار همراه با التهاب خواهد بود. به عبارت دیگر ارز نوسان کمتری نسبت به سال گذشته دارد. این التهابات عمدتاً از ناحیه تغییر در حوزه و سیاست‌های تحریمی شکل خواهد گرفت.

- اخبار سیاسی و تحریمی به شدت بازار ارز را ملتهب می‌کند. بنابراین ارز در سال جاری بیشتر

خارجی در راستای افزایش حضور در زنجیره‌های ارزش جهانی و منطقه‌ای
- مبارزه با قاچاق به منظور صیانت از رقابت پذیری واحدهای صنعتی در بازارهای داخلی
- هدفمندسازی نظام حمایت‌های تعرفه‌ای در حمایت از صنایع داخلی
- ارتقای مولفه حقوق مصرف‌کننده در برنامه‌ریزی‌های تولید صنعتی

◆ سیاست‌های ارزی: برخی کشورها برای افزایش صادرات خود ارزش پول ملی خود را کاهش می‌دهند

در سال ۹۷ در کنار کاهش ارزش پول ملی موضوع ظرفیت صادراتی به عنوان یک پتانسیل بالقوه برای اقتصاد کشور ایجاد شد، برخی کشورها برای افزایش صادرات خود و برای اینکه بتوانند از ظرفیت‌های صادراتی استفاده کنند، ارزش پول ملی خود را کاهش می‌دهند و اخیراً چینی‌ها در ارتباط با سیاست آمریکا که ورود کالاهای چینی را به کشور خود ممنوع اعلام کردند، چینی‌ها ارزش پول ملی خود را در برابر پول‌های خارجی همانند دلار آمریکا کاهش داده و ورود کالاهای آمریکایی را ممنوع نکردند و این اقدام یعنی صادرات کشور چین نسبت به گذشته می‌تواند افزایش یابد و در این راستا مزیت‌های صادراتی ایجاد می‌شود.

◆ مزیت‌های صادراتی باید از سوی بخش تولید ایجاد شود

کاهش ارزش پول ملی با وجود تمام معایب آن یعنی آثار تورمی و کاهش قدرت خرید یک مزیت ویژه ایجاد می‌کند که این مزیت کاهش کالاهای وارداتی و افزایش صادرات است؛ مزیت‌های صادراتی باید از سوی بخش تولید ایجاد شود و تا زمانیکه تولید

- این عدم تناسب هم از منظر توان خلق ارزش افزوده، توان اشتغال زایی و ایجاد درآمدهای صادراتی بخش صنعت است و هم به لحاظ ترکیب تولیداتی است که برند ملی را در بازارهای داخلی و جهانی متجلی می‌کند.
- در اسناد سیاستی اولاً رویکرد منسجمی به سمت حمایت‌های بخش صنعتی وجود نداشته و طی برنامه‌های مختلف توسعه‌ای، رفع این خلأ به یک سند راهبردی صنعتی محول شده است. سند مذکور بارها تدوین گردید ولی هرگز اجرا نشد.

◆ راهکارها و توصیه‌های سیاستی

رفع نقایص ساختار و رقابت در صنایع:
- سازماندهی مجوزهای صنعتی از منظر حداقل مقیاس به منظور ارتقای زمینه‌های راهبردی هزینه‌ای و کیفی در بازارهای جهانی
- تشویق شکل‌گیری ساختارهای دسته جمعی (خوشه، کنسرسیوم، هلدینگ) به منظور افزایش مقیاس ورود بنگاه‌ها به بازارهای صادراتی
- بازنگری در ساختار مدیریتی و مالکیتی صنایع به منظور کاهش سهم مدیریت شبه دولتی و غیر تخصصی در بخش صنعت
- اصلاح نظام مقرراتی و دیپلماسی تجاری کشور به منظور ایجاد انگیزه ورود سرمایه‌گذاران خارجی و تشدید رقابت
تحریک تقاضای داخلی و خارجی برای تولیدات صنعتی کشور:
- تقویت برند ملی و ارتقای صادرات تحت برند خارجی به منظور بهبود رقابت‌پذیری در بازارهای داخلی و خارجی
- تسهیل موانع دسترسی به بازارهای صادراتی به منظور رفع اتکالی صنایع به بازارهای داخلی
- بهره‌گیری از فرصت حضور سرمایه‌گذاران

◆ عملکرد کلی اقتصاد

گزارش‌ها، داده‌ها و آمارهای موجود از عملکرد اقتصاد ایران در ۶ ماه اول سال جاری نشان می‌دهد عملکرد اقتصاد ملی ضعیف‌تر از انتظارات قبلی بوده است. از طرفی کاهش تولید صنعت به خصوص صنایع اصلی (خودروسازی و صادرات میعانات گازی و نفت) قابل توجه بوده است. از طرف دیگر، افزایش سطح قیمت‌ها در حالیکه سطح اسمی برخی مخارج نظیر مخارج جاری و عمرانی دولت و نیز سرمایه‌گذاری بخش خصوصی افزایش چشمگیری نداشته، رشد حقیقی بخش‌هایی نظیر ساختمان و خدمات عمومی را با کاهش مواجه کرده است. البته در اینجا می‌توان به گزارش مرکز پژوهش‌ها تاکید داشت که در این گزارش با در نظر گرفتن دو سناریوی کلی پیش‌بینی کرده است که در سناریوی اول رشد اقتصاد ایران در سال جاری منفی ۲٫۶ درصد و در سناریوی دوم منفی ۵٫۵ درصد باشد. البته مرکز پژوهش‌ها یک روزه امیدي نیز باز کرده است. برآوردهای انجام‌شده در سناریوهای یک و دو، با فرض تداوم شرایط موجود صورت گرفته است. اما پیش از این مرکز پژوهش‌های مجلس، با در نظر گرفتن همه تهدیدها و امکانات و فرصت‌های موجود، برنامه‌ای عملیاتی با عنوان «برنامه فعالانه ضد تحریم» تهیه کرده و در اختیار سیاست‌گذاران ذیربط قرار داده است (برنامه‌ای که در دسترس عموم نیست). برآوردهای انجام‌شده مرکز پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اجرای برنامه مذکور، می‌تواند تا یک درصد در سال ۱۳۹۷ و ۳ درصد در سال ۱۳۹۸ رشد اقتصادی بدون نفت را افزایش دهد. به عبارت دیگر به‌طور بالقوه و با فرض اتخاذ تدابیر فعال سیاستی، رشد اقتصادی بدون نفت را در سال جاری و سال ۱۳۹۸ می‌تواند مثبت کند.

◆ جمع‌بندی و راهکارها

- اگر ظرفیت تولید در اقتصاد کشور با استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری چه در بخش دولتی و چه در بخش‌های غیردولتی و خصوصی به کار گرفته شود، آثار و پیامدهای آن می‌تواند در بخش‌های مختلف اقتصادی خود را نشان دهد.
- در کنار کاهش ارزش پول ملی به عنوان یکی از مولفه‌های بررسی وضعیت کلان اقتصادی کشور که موضوع برابری ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی و قدرت خرید مردم را مطرح می‌کند، اثر منفی ناشی از شوک ارزی به صورت کامل خود را معیشت نشان داده است.
- دستاوردهای حاصل از تولید صنعتی در کشور متناسب با منابع صرف شده برای تولید این بخش و همچنین حجم بالای حمایت‌های دولتی از آن قرار ندارد.



به افزایش تولید داخلی کشور کمک کرده و منجر به افزایش نرخ رشدی شود که می‌تواند بخش‌های مختلف کشور را به یک تعادل برساند.

◆ موانع تولید باید از سر راه تولید بر داشته شود

علاوه بر اتخاذ سیاست‌های تشویقی باید تصمیم‌هایی گرفته شود که موانع را از سر راه تولید برمی‌دارد، اگر در حال حاضر موانع تولید در کشور بررسی شود، به سه شاخص اصلی می‌رسیم که این موانع وضعیت نظام مالیاتی، وضعیت نظام بیمه‌ای یعنی بیمه تأمین اجتماعی و وضعیت نظام بانکی کشور است که این سه شاخص موانع اصلی تولید کشور در شرایط امروزی هستند که باید اصلاحاتی متناسب با شرایط روز در این بخش‌ها صورت گیرد. در حوزه سیاست‌های تشویقی انتظار این است که کشور براساس شرایطی که دارد، بتواند اهداف بلندمدت خود را برای رسیدن به شاخص‌های توسعه پیگیری کند که در این راستا بسیاری از مواردی که در حوزه سرمایه‌گذاری از آن نام برده می‌شود، می‌تواند به مزیت سرمایه‌گذاری در کشور تبدیل شود.

◆ دولت باید طرح‌های توسعه‌ای خود را ارائه دهد

دولت باید طرح‌های توسعه‌ای خود را ارائه دهد، انتظار از دولت این است که بسته پیشنهادی خود را در حوزه مشوق‌های سرمایه‌گذاری و رونق تولید چه برای واحدهای جدیدی که می‌خواهند ایجاد شوند و چه برای واحدهایی که به دنبال ادامه حیات هستند، ارائه دهد.

سیاست‌های تشویقی دولت در بخش تولید بسیار مهم است، معافیت‌های صادراتی، معافیت برای واردات مواد اولیه، کمک به امر صادرات در خارج از کشور، به کارگیری دیپلماسی اقتصادی از طریق وزارت امور خارجه و دستگاه‌های متولی نیز از جمله موارد لازم برای کمک به تولید است که اگر تمام این موارد به صورت یک واحد و کل در اقتصاد کشور دیده شود می‌تواند تأثیرگذار باشد.

◆ وضعیت ناترازی مالی بانک‌ها از جمله

چالش‌های اساسی کشور است

وضعیت ناترازی مالی بانک‌ها از جمله چالش‌های اساسی کشور است، حوزه نظام بانکی شرایط مطلوبی ندارد و اصلاح ساختار نظام بانکی باید در ابعاد مختلف عملیاتی، اقدامات میان‌مدت و بلندمدتی در این حوزه انجام شود که ساماندهی نظام بانکی می‌تواند حمایت واحدهای تولیدی را اخذ کند تا بانک‌ها دچار مشکل نشوند.



چه میزان رشد داشته‌ایم که این میزان رشد تحت عنوان تولید چه تولید کالا و چه تولید خدمت تعریف می‌شود.

زمانی که به سمت تولید حرکت می‌شود، مهم‌ترین شاخص که نرخ رشد اقتصادی است از وضعیت تولید در اقتصاد کشور تأثیر می‌پذیرد، از سوی دیگر تولید منجر به کاهش واردات می‌شود که کاهش واردات به این معناست که تراز بازرگانی و ارزی مثبت می‌شود و از سوی دیگر صادرات را افزایش داده و تأثیر مثبتی بر فرآیند تراز تجاری کشور برجای می‌گذارد.

افزایش صادرات و کاهش واردات کمک می‌کند تا وضعیت بهتری در منابع و مصارف ارزی کشور ایجاد شود، بهبود در وضعیت منابع و مصارف ارزی به این موضوع که نرخ ارز در یک تعادل منطقی تری قرار گیرد، کمک کرده و قدرت چانه‌زنی بانک مرکزی در بازار ارز را افزایش می‌دهد و همچنین سبب افزایش ارزش پول ملی می‌شود.

با استفاده از ظرفیت تولید، ایجاد ارزآوری و کاهش خروج ارز از کشور به شرایطی دست یابیم که بازار ارز را در یک شرایط تعادلی قرار گرفته، ارزش پول ملی تقویت که تولید ریشه تمام این تأثیرات مثبت است. اشتغال یکی از شاخص‌های مهم است و هر واحد تولیدی اعم از واحدهای تولیدی کوچک، متوسط و بزرگ که به جریان افتاده شغل‌های متناسب با خود را ایجاد می‌کند، طبیعتاً اثر مثبت ناشی از افزایش تولید تأثیر خود را در اقتصاد کشور نشان می‌دهد و میزان اشتغال را افزایش می‌دهد.

◆ در شرایط کنونی ایجاد اشتغال به دلیل تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از اهمیت فراوانی برخوردار است

کاهش میزان تورم، تقویت ارزش پول ملی، افزایش اشتغال، افزایش تراز بازرگانی و تجاری کشور می‌تواند

ایجاد نشده صادراتی صورت نمی‌گیرد تا از مزیت آن برخوردار شویم. در کنار ایجاد محدودیت برای واردات به دلیل افزایش قیمت کالاها و ارز، کالاهای داخلی باید جایگزین کالاهای وارداتی شود، چرا که متوسط مصرف هیچگاه از بین نرفته و شوک ارزی سبب از بین رفتن متوسط مصرف نمی‌شود، بلکه ممکن است در کوتاه‌مدت تأثیراتی در سطح مصرف خانوارها برجای بگذارد، اما در مصرف کالاهای اساسی تأثیری ندارد.

◆ افزایش شدید قیمت کالاهای وارداتی سبب شده کالاهای تولید داخل با قیمت پایین‌تری در کشور تولید شود

وضعیت تغییرات نرخ ارز در ایران نشان می‌دهد که افزایش قیمت شدید کالاهای وارداتی سبب شده کالاهای تولید داخل با قیمت پایین‌تری در کشور تولید شود، از سوی دیگر به دلیل ارزآوری صادرات کالاهای از این طریق مزیت‌های صادراتی برای کشور ایجاد می‌شود، همچنین محدودیت‌های ناشی از قیمت کالاهای رقابتی در واردات و مزیت رقابتی در قیمت‌های صادراتی سبب می‌شود که کشور به سمت تولید حرکت کرده و پاسخگوی بخشی از نیازهایی که قبلاً از طریق واردات انجام می‌شده باشد و در برخی بخش‌ها به صادرات منتهی شود که این موضوع مزیت صادراتی ایجاد کرده و به تولید منجر می‌شود.

◆ تولید در هر کشوری باید تأثیر خود را بر نرخ رشد اقتصادی نشان دهد

تولید در هر کشوری باید تأثیر خود را بر نرخ رشد اقتصادی نشان دهد. زمانی که نرخ رشد اقتصادی محاسبه می‌شود در واقع مجموع ارزش کالاها و خدمات تولید شده در یک سال مالی با سال دیگر مقایسه کرده و نتیجه‌گیری می‌شود که

مسائل و مشکلات مالیاتی



به تحریر دفاتر، الزامی است و تفسیر برخی موارد آن علیه مؤدی و در جهت افزایش درآمد مشمول مالیات با نادیده گرفتن اصل رعایت حسابداری تعهدی که به و کسر هزینه‌های دوره از درآمد آن دوره مربوطه تأکید دارد.

• در خصوص کارخانجات مستقر در مناطق کمتر توسعه یافته، با ایجاد بهانه‌های غالباً بدون پشتوانه قانونی، در جهت جلوگیری از برخورداری این قبیل مؤدیان از تسهیلات قانونی مقرر در این زمینه.

بهانه‌جویی در ارائه معافیت‌ها حتی اگر به بهای نقض تشخیص‌های خود اداره مالیاتی باشد، به عنوان مثال درآمدی که در عملکرد سال ۱۳۹۰ توسط اداره مالیاتی رسیدگی کننده واجد شرایط قانونی معافیت تشخیص داده شده و مشمول مالیات ماده «۱۳۲» ق.م.م قرار گرفته است، در سنوات بعد علی‌رغم مقررات بند «ب» ماده «۱۵۹» قانون برنامه پنجم که معافیت مذکور را تمدید و تا بیست سال افزایش داده، با بهانه این که معافیت در سال ۱۳۹۰ پایان یافته بوده و مشمول شرکت نبوده است، معافیت را تسری نداده و نسبت به آن درآمد اعمال ننموده‌اند و با این امر موجب تطویل دادرسی را فراهم کرده‌اند.

• در مورد برون سپاری و استفاده از خدمات شرکت طرف پیمانکار، با توجیه و تمسک که

تقسیم بندی، مشکلات دیگری نیز ذکر شده است که عموماً مربوط به حوزه اجرای این قوانین است. انجمن مدیران صنایع در صدد است تا با تکمیل این گزارش نگاه جامع‌تری در خصوص مشکلات مالیاتی ارائه دهد.

شایان ذکر است در نظرخواهی که در اردیبهشت ماه ۹۸ از اعضای انجمن صورت گرفته است شرکت‌های: آساده صنعت، توسعه صنعتی مشفق، فولادریزان، فولاد هرمزگان، گروه خودرو سازی سایپا، گروه صنعتی بازرگانی یار، معدنی و صنعتی چادرملو و مهندسی کانی کاوان شرق اعلام نظر کرده‌اند و بدین وسیله از آنها قدردانی می‌گردد.

الف- مشکلات قانون مالیات‌های مستقیم
• مشکلات ناشی از تشخیص در اجرای ماده «۱۴۷» ق.م.م، هزینه‌هایی که به موجب قانون و یا تصویب جامع هیأت وزیران، مؤدی ملزم به اجرای آن است و قابل قبول اعلام شده است، تهیه‌کنندگان گزارش مبنای برگ تشخیص، غالباً پاره‌ای واژه‌های قانون یا تصویب نامه را تفسیر به رأی نموده و هزینه‌ها را که واجد این اوصاف است غیرقابل قبول اعلام و شرایط اعتراض مؤدی و مراجعه به هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی و در نهایت دیوان عدالت اداری را فراهم می‌نمایند. همچنین برداشت و تفسیر نادرست از استانداردهای حسابداری، که رعایت آن حسب مقررات آیین‌نامه مشهور

انجمن مدیران صنایع به روال معمول هر ساله مسائل و مشکلات فضای کسب و کار و تولیدکنندگان را با نظرخواهی و برگزاری کمیته‌های کارشناسی و سمینارها بررسی و طی جلساتی با حضور مسئولین مربوطه، و اعضای داوطلب در سمینارهای نیم‌روزه و کمیته‌های کارشناسی مطرح و نتیجه را طی گزارشی آماده نموده و در جلسات مختلف با حضور مسئولین مطرح و برای حل آنها پیگیری می‌نماید. در این راستا برخی از مواردی که توسط مسئولین مربوطه با تغییر روش‌ها و برداشت‌های مثبت از موارد قانونی در چارچوب خط‌مشی‌های مندرج در اقتصاد مقاومتی قابل حل است از طریق طرح در کمیته ماده ۷۶ و شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی و دستگاه ذیربط انجام می‌گردد و برخی از موارد دیگر که نیاز به اصلاح قانون دارد نیز از طریق مراجع ذیربط پیگیری و با طرح در کمیسیون‌های اتاق تهران و ایران و ارسال نامه به مقامات دولتی و مجلس شورای اسلامی دنبال می‌گردد.

گزارش حاضر برخی از مشکلات مالیاتی را بررسی می‌نماید که پس از نظرخواهی از اعضای انجمن مدیران صنایع احصاء و جمع‌آوری گردیده است. مشکلات قانون مالیات‌های مستقیم و مشکلات قانون مالیات بر ارزش افزوده طبقه بندی شده است. علاوه بر این



چون این شرکت فاقد ماشین آلات تولیدی در این زمینه می‌باشد معافیت را برای پیمانکار منظور نموده و شرکت صاحب کار و کارفرما که معافیت هر فعالیت تولیدی معاف قطعاً متعلق به ایشان است محروم نموده اند در صورتیکه سود و یا زیان ناشی از تولید متعلق به این شرکت بوده و پیمانکار صرفاً اجرت دریافت می‌کند علاوه بر آن در متن قانون، شرط داشتن ماشین آلات تولیدی شرط برخورداری از معافیت تصریح نشده و تنها شرط قانونی اخذ پروانه بهره‌برداری است که این امر محقق شده است.

• مشکلات ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم

• سازمان امور مالیاتی چند سالی است در مورد جرائم ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌ها اقدام به برگ مطالبه جرائم برای سال‌های قبل نموده است و در این برگ بدون توجه به تمدید مهلت ارسال گزارشات که توسط خود سازمان امور مالیاتی اعلام شده مبادرت به اخذ جریمه در برگ مربوط می‌نماید و وقتی با اعتراض مودی روبه‌رو می‌شوند اظهار می‌دارند که سیستم این برگ را صادر نموده است و برای رفع آن می‌بایست نامه‌نگاری گردد تا این مشکل حل شود.

• مشکلات عدیده نرم افزار ارسال صورت معاملات فصلی (گزارشات موضوع ماده ۱۶۹ مکرر) و اصلاحات بعدی و ضروری آن.
• به‌طور مثال خطاهای بسیار زیاد نرم

افزار TTMS هنگام بررسی فایل اکسس تنظیمی نسبت به کد ملی اشخاص حقیقی یا حتی شناسه ملی و کد اقتصادی اشخاص حقوقی در دوره‌های مختلف اعلام می‌نماید. در صورتیکه طرف معامله در دوره‌های قبل با همین مشخصات مورد پذیرش واقع گردیده است.

• هنگام اصلاحات اشتباهات معمول در شرکت‌های بزرگ که به طور میانگین رکودهای فقط خرید داخلی آن حدود چهارهزار ۴۰۰۰ سطر خواهد بود، عملیات جستجو و اصلاح هر سطر با بازگشت به نقطه اول بسیار مشکل آفرین و احتمال بروز خطای مجدد را با امکان فقط یکبار اصلاح بالا خواهد برد.

• عدم تطبیق مبالغ کمتر از ۵ درصد حدنصاب معاملات کوچک با شرایط واقعی شرکت‌های تولیدی بزرگ در ارسال تجمیعی مبالغ معاملات کوچک

• متفاوت بودن نام کاربری و رمز ورود در ارسال اظهارنامه‌های عملکرد، حقوق، ارزش افزوده و صورت معاملات فصلی ماده ۱۶۹ مکرر.

• قطع شدن مکرر سامانه‌های اظهارنامه حقوق و صورت معاملات فصلی ماده ۱۶۹ مکرر.

• ماده ۱۸۶ قانون مالیات‌های مستقیم
• طبق این ماده صدور گواهی ماده مذکور منوط به پرداخت و یا ترتیب پرداخت

مطالبات قطعی شده می‌باشد که عمدتاً ادارات امور مالیاتی به صورت سابقه‌ای اقدام به مطالبه مالیات‌های قطعی نشده از قبیل جرائم و برگ تشخیص مطالبات قبل از قطعی شدن می‌نمایند و در بعضی موارد ترتیب پرداخت نیز مورد قبول واقع نمی‌گردد و تنها در صورت پرداخت نقدی مورد قبول واقع می‌گردد.

• صدور برگ تشخیص

• طبق آیین‌نامه ماده ۲۱۱ ق.م.م. صدور برگ تشخیص می‌باید توسط کارشناس مالیاتی و رئیس گروه مالیاتی صورت گیرد که برخلاف ماده مذکور، صدور برگ تشخیص توسط رئیس امور مالیاتی صورت گرفته و مسئولیت اجرای ماده ۲۳۸ ق.م.م. نیز برعهده همان رئیس امور مالیاتی می‌باشد. این امر مشکلاتی در تعیین و تکلیف مالیات مؤدیان ایجاد نموده و منجر به طولانی شدن فرآیند تعیین مالیات و عدم عدالت مالیاتی می‌گردد.

• اجرایی نشدن تعدادی از مواد قانون حمایت از تولید: به‌طور مثال، عدم اجرا یا شفاف سازی بند «پ» ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم موضوع ماده ۳۱ قانون رفع موانع تولید.

• در خصوص مواد قانون مالیات‌های مستقیم از قبیل مواد ۴۸، ۱۴۳، ۱۰۵، ۸۵، ۸۶، ۵۹، ۱۰۳، ۵۳، ۵۲ و ۷۷ نیازمند سامانه‌ای جامع می‌باشد که در آن تمامی پرداخت‌ها و صدور قبض و حتی راهنمای محاسبه بدون نیاز به مراجعه به ادارات کل امور مالیاتی محاسبه و کسر گردد.

هنگام رسیدگی پرونده‌های مالیاتی در کلیه مراحل

• به‌طور مثال، دستورالعمل شماره ۹۳/۶/۲۲ مورخ ۲۰/۹۳/۵۲۴ مبنی بر تعیین ارزش کالای صادره با نرخ ارز مرجع، مبادله‌ای و یا توافقی حسب مورد، مشخص می‌نماید ارزش کالاهای صادراتی، علی‌الخصوص محصولات فولادی منطبق با تعرفه‌های تعیین شده از طرف گمرک جمهوری اسلامی ایران در سامانه مربوط ثبت می‌گردد و از اختیار مودی خارج است در صورتیکه حساب‌سازان محترم اداره امور مالیاتی این دستورالعمل سازمان را نادیده گرفته نسبت به تشخیص علی‌الراس به استناد اختلاف فروش صادراتی ثبتی در دفاتر مودی نسبت به ارزش فروش صادراتی محصول ثبت شده در سامانه گمرک می‌نمایند.

• استخراج اطلاعاتی‌های مربوط به خرید، فروش، صادرات، واردات و... از معاملات فصلی در سامانه وزارت دارایی بدلیل فقدان اطلاعات ارسال کننده و اشکالات ذیل امکان پاسخگویی بدرستی مقدور نمی‌باشد: وجود اطلاعات هویتی شرکت مبداء (پاسخ دهنده) در اطلاعاتی‌ها قید می‌گردد.

وجود اسامی به‌عنوان تنها راه جستجو برای پیدا نمودن اطلاعات مالی و وجود تشابه اسمی و یا اینکه معامله با نام دیگری صورت پذیرفته است.

ج- سایر مشکلات

• یکپارچه نبودن فرآیندهای پرداخت مالیات از قبیل: پرداخت مالیات عملکرد و حقوق در سیستم‌های مالیاتی سازمان امور مالیاتی.

سازمان امور مالیاتی کشور می‌باشد. به‌طور مثال، دستورالعمل تهاثر و استرداد شماره ۹۶/۱۰/۲۳ مورخ ۲۶/۹۶/۱۴۶ اضافه پرداختی مودی را با درخواست مودی حتی به صورت علی‌الحساب دانسته است (بدون هیچگونه قید دیگری) در صورتیکه سازمان امور مالیاتی کشور حتی استرداد قطعی اضافه پرداختی را منوط به زدن تیک استرداد در اظهارنامه اصلی ارزش افزوده تعیین نموده است و درخواست کتبی مودی را وارد نمی‌داند.

• طبق ماده ۲۳ قانون مالیات بر ارزش افزوده در خصوص پرداخت و یا عدم پرداخت مالیات ارزش افزوده اختلافاتی وجود دارد، از طرفی جرائم بسیار سنگین این مالیات است که گاهی از اصل مالیات بیشتر می‌شود و از طرف دیگر طی دو سال گذشته در ماه‌های آخر سال کلیه جرائم به صورت ۱۰۰ درصد بخشوده می‌شود، این امر سبب عدم پرداخت مالیات در پایان سال و نگهداشتن آن نزد شرکت می‌شود.

• بسیاری از معاملات خرید و فروش زمانی صورت می‌گیرد که نام تامین‌کننده کالا در فهرست شرکت‌های صوری سامانه ارزش‌افزوده نبوده و لیکن سنوآت آتی به این لیست اضافه می‌گردد و عزیزان اداره دارایی در زمان رسیدگی این امر را که فروش قلمداد می‌نمایند و به صورت علی‌الراس رسیدگی خود را ادامه می‌دهند در صورتیکه در آن زمان این شرکت جزء لیست ممنوعه نبوده و مؤدی به‌هیچ‌وجه از این امر باخبر نبوده است.

• عدم رعایت قوانین و بخشنامه‌های مالیاتی

• با توجه به وجود زیان انباشته و همچنین زیان در سال جاری، سازمان امور مالیاتی همواره اقدام به برگشت هزینه‌ها بر اساس ماده ۱۴۷ و ۱۴۸ ق.م.م. نموده و اقدام به اخذ مالیات مضاعف می‌نماید.

• افزایش چشمگیر بهای تمام شده محصولات تولیدی ناشی از رشد نرخ ارز و افزایش بهای نهاده‌های تولید در قبال افزایش زیان انباشته گردیده است لیکن سازمان مالیاتی علی‌رغم این فشارها از پذیرش زیان خودداری می‌نمایند.

• شرکت‌ها پس از ابلاغ برگ تشخیص تمایل دارند که مسأله مالیاتی را در اجرای ماده ۲۳۸ و در مرحله رئیس اداره، رسیدگی نهایی و جمع‌بندی نمایند که متأسفانه اکثر اوقات این اتفاق صورت نمی‌گیرد و پرونده به هیأت حل اختلاف ارجاع می‌گردد که با توجه به آرای صادره از سوی هیأت‌های حل اختلاف متأسفانه مشاهده می‌گردد که نمایندگان هیأت‌ها، دفاعیات را به دقت مطالعه ننموده و رای صادر می‌فرمایند.

پرونده‌ای که به هیأت حل اختلاف ارجاع می‌گردد بدلیل حجم بالای اعتراضات و طولانی شدن زمان صدور رای، شرکت بایستی به ازای هر ماه ۲,۵٪ جریمه پرداخت نماید که در پایان سال معادل ۳۰٪ شده که این روش برای شرکت‌ها هزینه‌های زیادی را به همراه خواهد داشت.

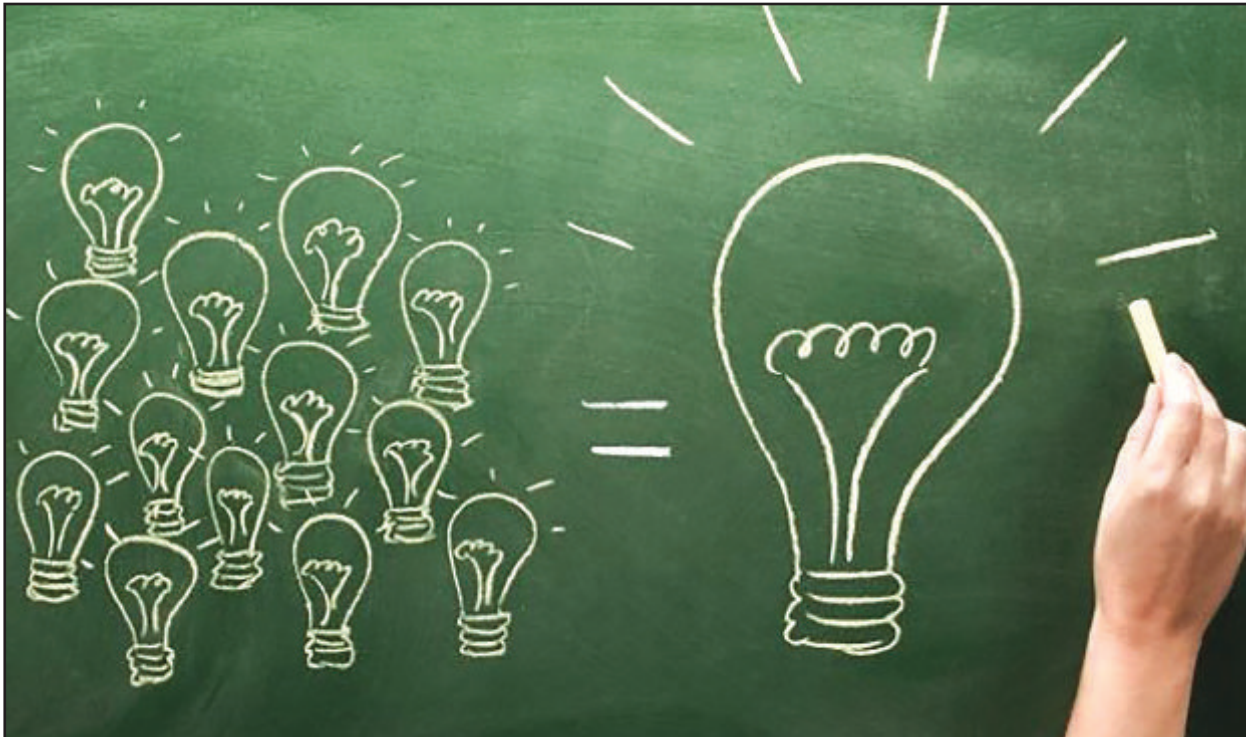
• رفع مشکلات مالیاتی مربوط به پرسنل شرکت که به‌عنوان ترخیص‌کار از گمرکات کشور اقدام می‌نمایند. متأسفانه سازمان امور مالیاتی بی‌توجه به شاغل بودن در شرکت و علی‌رغم ارائه برگ نمایندگی (وکالتنامه) و مستندات مربوط به شاغل بودن در شرکت اقدام به صدور برگ قطعی نموده است.

ب- مشکلات قانون مالیات بر ارزش افزوده

• مورد مالیات بر ارزش افزوده طبق قانون پرداخت این مالیات به امور مالیاتی باید در یک ماه بعد از هر فصل صورت گیرد که با توجه به وضعیت اقتصادی موجود شرکت‌ها عملاً پرداخت‌های صورتحساب‌های فروش معمولاً تا ۶ ماه بعد پرداخت می‌شود و در حقیقت بدون آن که شرکت‌ها ۹٪ مالیات ارزش افزوده را گرفته باشند باید نسبت به پرداخت آن اقدام نمایند که این منصفانه نبوده و نقدینگی شرکت را کاهش می‌دهد.

• عدم استرداد وجوه اضافه پرداختی مالیات و عوارض ارزش افزوده قطعی شده که ناشی از عدم اجرای دقیق قوانین و دستورالعمل‌های





خیریه به دلیل انجام از محل جاری شرکا با توجه به اخذ تاییدیه سازمان توسعه و نوسازی مدارس و صورت جلسه تحویل مدرسه و تایید کارشناسی هزینه‌های انجام شده

- مشکلات معامله با استارت‌آپ‌ها

در شرکت‌های استارت‌آپی که در بستر پلتفرم و به اصطلاح واسطه-گری بین خریدار و فروشنده فعالیت می‌نمایند (مثل دیجی کالا، ویتترینت)، زمانی که خریدار اقدام به خرید می‌نماید و درخواست فاکتور رسمی می‌کند، مشکلات عمده صدور فاکتور می‌باشد به نحوی که اگر فاکتور بخواهد از مبداء صادر گردد خریدار به منبع اصلی کالا وصل می‌شود که اگر استارت‌آپ پلتفرمی بخواهد فاکتور صادر نماید مجبور به اعمال ارزش افزوده دابل و در نهایت افزایش قیمت کالا می‌شود، فارغ از مشکلات درج شده مشکل ثانویه حق کمیسیون استارت‌آپ می‌باشد که می‌باید از تامین‌کننده اخذ نماید که در این صورت مشکلات عدیده‌ای بروز می‌نماید.

- با عنایت به ایجاد مدل‌های درآمدی و هزینه‌ای جدید در شرکت‌های استارت‌آپی، نیاز جدی به آموزش برای تمامی همکاران و رؤسای امور مالیاتی بابت شناخت و درک مفهوم شرکت‌های استارت‌آپی می‌باشد تا بتوانند با شناخت به دست آمده ضمن وحدت-رویه در رسیدگی، با درک موضوع شرکت استارت‌آپی با عدالت روند رسیدگی صورت گیرد.

بری‌الذمه گردند که در چندین مورد ارجایی جهت تهاتر، این امر میسر نگردیده و اداره مالیات از اعمال این آیین‌نامه‌ها استنکاف نموده و نسبت به توقیف اموال صنعتگران که مطالباتشان از دولت بسیار بیشتر از بدهی مالیاتشان بوده است اقدام نموده و با توقیف حساب‌های بانکی و خودرو شخصی کل اعضا هیأت مدیره موجبات عسر و حرج کارآفرینان جامعه را پدید آورده اند. حتی جالبتر از آن اینکه شخصی که پنج سال قبل از شرکتی خارج شده و سهام خود را واگذار نموده را نیز به لحاظ حساب‌های بانکی و هم خودرو شخصی توسط پلیس راهور توقیف نموده اند که این نیز جای تامل دارد.

- علی‌رغم تاکید آیین‌نامه‌ها مبنی بر مامشات با مودیان خوش حساب ممیزین مالیاتی از جمله واحد غرب تهران، نسبت به تقسیط بدهی مالیاتی واحدهای تولیدی پایبند نیستند و هیچگونه همکاری نمی‌کنند.
- عدم پذیرش زبان حاصل از فعالیت‌های عملیاتی در مالیات عملکرد و ارزش افزوده
- برگشت هزینه ذخیره بیمه پیمانها با توجه به نوع فعالیت شرکت‌های مشاوره و پیمانکاری در مالیات عملکرد
- عدم محاسبه برخورداری از معافیت مالیات عملکرد و حقوق با توجه به استقرار در محل پارک علم و فناوری پردیس (شرکت‌های دانش بنیان)
- برگشت هزینه ساخت و اهداء مدرسه

- طولانی بودن فرآیند جابه‌جایی پرونده‌های مالیاتی متناسب با تغییر آدرس قانونی شرکت.
- فرآیند اعتراض نسبت به مالیات، بسیار روند طولانی و حتی چندین ساله دارد.
- در هیأت رسیدگی استفاده از نماینده دادگستری که همگی به علت کهولت سن توانایی تجزیه و تحلیل و اعلام رای مستقل را ندارند.
- به علت ازدیاد پرونده‌های مالیاتی در هر گروه مالیاتی، متأسفانه رسیدگی به نحو احسن صورت نمی‌گیرد و در لحظه به هیأت بند ۳ ارسال می‌گردد.
- نظارت کافی نداشتن رئیس امور مالیاتی در اجرای صحیح قانون و محدودیت‌های مربوط به رفع اختلاف با مؤدیان
- نبود اراده کافی در هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی در جهت اتخاذ تصمیم و رفع اختلاف و ارجاع بی مورد مسائل و اعتراضات مودی به مجریان قرار و موکول کردن اتخاذ تصمیم به تهیه‌کنندگان گزارش اجرای قرار.
- عدم تمکین اداره مالیاتی کشور از آیین‌نامه‌ها و مصوبات هیأت دولت: وفق آیین‌نامه‌های مصوب هیأت دولت و آیین‌نامه اجرایی اداره کل مالیاتی کشور، شرکت‌هایی که از دولت بستانکار و به امور مالیاتی بدهکار می‌باشند، طی درخواستی کتبی و ارائه مستندات مربوطه می‌توانند نسبت به تهاتر مطالبات و دیون خود به اداره مالیات اقدام نموده و در مقابل اداره مالیات



تحریم‌های جدید و تر دیدهای ایران

عبور کند و نباید ناامید بود. یک دلیل اصلی اندیشه‌ای که باور دارد ایران از این بحران عبور می‌کند به تجربه سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ برمی‌گردد. این گروه می‌گویند تجربه سال‌های یادشده به کمک مدیران می‌آید و راه را برای گذر از شرایط سخت هموار می‌کند. بر اساس محاسبه انجام شده از سوی این اقتصاددانان درآمد حاصل از صادرات نفت ایران و همچنین صادرات حاصل از قراردادهای پتروشیمی و سایر محصولات و همچنین بازار کشورهای همسایه این توانایی را به ایران می‌دهد که از تحریم‌های آمریکا به سلامت عبور کند. علاوه بر این دو عامل برخی باور دارند که گریزگاه‌های قابل‌اعتنایی برای واردات و صادرات کالا و نفت ایران در دنیا وجود دارد که آمریکا نمی‌تواند برای مسدود کردن همه آنها نیرو بگذارد. پرونده‌ای که می‌خوانید به برخی مسائل تحریم‌های جدید به ویژه تحریم‌هایی که پس از فروردین بر اقتصاد ایران تحمیل شده است را مورد توجه قرار داده است.

این روزها بیشترین نگرانی ایرانیان از هر گروه و قشری این است که آیا اقتصاد ایران تاب‌آوری لازم برای عبور از بحران ناشی از تحریم را دارد یا نه؟ برخی فعالان اقتصادی و اقتصاددانان بیم آن دارند که اقتصاد ایران توانایی عبور از تحریم‌ها را نداشته باشد و در شرایط سخت‌تری قرار گیرد و پیامدهای آن به شهروندان آسیب بیشتری برساند. این گروه از اقتصاددانان می‌گویند تحریم‌هایی که در حال حاضر بر اقتصاد ایران تحمیل شده است بسیار نفس‌گیر است و روزنه‌های دور زدن را مسدود کرده است و نمی‌توان امیدوار بود که ایران در وضعیت مناسبی قرار گیرد. این گروه از اقتصاددانان باور دارند که سیاست‌گذاری اقتصادی ناکارآمد داخلی نیز مزید بر علت شده و پیچیده‌تر شدن کسب و کار ایرانیان فراهم شده است و به همین دلیل نباید انتظار داشت که از این بحران به سادگی عبور کرد. اما از طرف دیگر برخی اقتصاددانان باورشان این است که اقتصاد ایران به دلایل گوناگون می‌تواند از بحران فعلی

فلزات اساسی در کوره تحریر



◆ مشتری جایگزین؟

اگر دور زدن تحریرهای آمریکا به طور کامل ممکن نباشد، آیا صادرکنندگان فلزات می‌توانند بازار داخلی را جایگزین مشتریهای خارجی کنند؟ ر کود حاکم بر صنایع و بازار مسکن ایران، در کنار کاهش هزینه‌های عمرانی دولت، به این معنی است که تقاضای داخلی برای فلزات نمی‌تواند به طور ناگهانی ۳۵ درصد بالا برود و جای بازار خارجی را بگیرد. به این ترتیب واحدهای صنعتی ناگزیر به پایین آوردن تولید خود خواهند بود. کاهش تولید و خالی ماندن ظرفیت تولید و در نتیجه عدم پرداخت دستمزد به کارگران، یکی از مسائلی بود که صدها کارگر گروه ملی فولاد اهواز را برای ماه‌های متوالی به خیابان کشید. گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۴ بیش از ۶۰۰ کارگاه و کارخانه صنعتی در ایران در دسته «تولید فلزات اساسی» فعال بوده‌اند. با توجه به طبقه‌بندی کارگاه‌ها بر حسب تعداد کارکنان، می‌توان برآورد کرد که حدود ۱۰۰ هزار نفر در کارگاه‌ها و کارخانه‌های تولید فلزات در ایران کار می‌کنند. تحریر صادرات فلزات ایران مشاغل این صد هزار نفر را مستقیماً تهدید می‌کند. تازه این بدون در نظر گرفتن سربایت مشکل به دیگر بخش‌ها و اثرات غیرمستقیم کاهش احتمالی تولید در صنایع فلزی ایران است، مانند ۹۰ هزار نفری که در معادن کار می‌کنند و با رکود صنایع، تقاضا برای مواد اولیه‌ای که آنها استخراج می‌کنند پایین خواهد آمد. پیش‌بینی نهادهای داخلی و بین‌المللی آن است که اقتصاد ایران در سال جاری با رکود و کاهش تولید مواجه خواهد شد، و تحریر هدفدار یکی از صنایعی که رشد چشمگیری در سال‌های اخیر داشته، به چنان رکودی دامن خواهد زد. این تحریرها فارغ از اینکه باعث ششوند حکومت ایران، آن طور که حکومت آمریکا می‌گوید، برای سیاست‌های نظامی و امنیتی‌اش پول نداشته باشد، مستقیماً هزاران فرصت شغلی را تهدید می‌کنند. دونالد ترامپ هنگام پیشنهاد تلفن زدن اشاره کرد که به واسطه وضع بد اقتصادی هر هفته در ایران شورش می‌شود، رهبران ایران هم اعتراضات زمستان ۹۶ را زمینه‌ساز تشدید تحریرها می‌دانستند.

فلزات ایران در یک دهه اخیر رشد چشمگیری هم داشته است. مهمترین تحول چهار برابر شدن صادرات فولاد و آهن ظرف یک دهه است، رشدی چنان بزرگ که افت صادرات آلومینیوم در دهه اخیر را قابل صرف‌نظر می‌کند. سقوط ارزش ریال هم می‌تواند عاملی بالقوه برای مزیت یافتن صادرکنندگان ایرانی در بازارهای جهانی باشد. آنها به ریال هزینه می‌کنند، به دلار درآمد دارند و هزینه‌های ریالی همپای رشد دلار بالا نرفته‌اند. در شرایط تحریر، ادامه رشد صادرات فلزات، در کنار کاهش صادرات نفتی، می‌تواند اهمیت درآمدهای ارزی صنایع فلزی را برای ایران بیشتر کند. شاید آمریکا برای ممانعت از تحقق چنین چشم‌اندازی صنایع فلزی ایران را هدف گرفته است. فولاد جایگاه مهمی در سیاست تجاری دونالد ترامپ داشته و او پیش از تحریر فولاد ایران، با وضع تعرفه جدید، خواسته چین، ترکیه و حتی متحدان اروپایی‌اش را تحت فشار بگذارد. بازار جهانی فلزات در بیش از یک دهه اخیر جهش‌های بزرگی را در قیمت شاهد بوده است. کل تجارت جهانی هم برای فلزی چون فولاد در دهه‌های اخیر روندی صعودی داشته است.

◆ رشد فولاد ایران با موتور صادرات

ایران توانسته در سال‌های اخیر سهمی از این رشد را از آن خود کند. صادرات فولاد ایران از یک دهم درصد کل تجارت فولاد جهان به ۱٫۵ درصد آن رسیده که رشد بزرگی است. شاید این یک درصد در مقیاس جهانی کوچک به نظر برسد، اما برای رونق صنعت فولاد ایران کلیدی بوده است. آمار تولید و صادرات فولاد ایران نشان می‌دهد صادرات فولاد با شتاب رشد کرده و موتوری برای رشد تولید در صنعت فلزات ایران بوده است. فروش فولاد ایران به مشتریان خارجی آن قدر بالا رفته که سهم صادرات از کل تولید از ۷ درصد به بالای ۳۵ درصد رسیده است. یعنی در حالیکه پیشتر کمتر از یک دهم فولاد تولیدی ایران صادر می‌شد، حالا بیش از یک سوم فولاد ایران برای بازار خارجی تولید می‌شود. با این حجم از صادرات، صنعت فولاد ایران دیگر نمی‌تواند محدود شدن دسترسی به بازار جهانی را نادیده بگیرد.

سرمایه‌گذاری دولتی برای توسعه ظرفیت تولید صنایع فلزات اساسی در دهه ۱۳۷۰ نتیجه داده است و ایران در حال حاضر تولیدکننده بزرگ آهن و فولاد در جهان به حساب می‌آید. کیفیت مطلوب و قیمت مناسب فولاد ایران از یک طرف و اشتیاق غرب برای خروج این صنعت از کشورهایشان راه را برای صادرات فولاد ایران هموار کرده است. آمارهای در دسترس نشان می‌دهد ایران در سال‌های اخیر به طور متوسط سالانه تا ۴ میلیون دلار فولاد و آهن و سنگ آهن صادر کرده است که پس از صادرات نفت خام و صادرات پتروشیمی جایگاه بلندی در کل ظرفیت‌های صادراتی ایران دارد. علاوه بر این ده‌ها هزار شغل صنعتی در ایران وابسته به فعالیت‌های کارخانه‌های بزرگ فولادساز است. این توانایی‌های صنعت فولاد موجب شده است که آمریکایی‌ها تحریر ایران در صنایع فلزی را در دستور قرار داده و آن را اجرایی کند. این اتفاق در هفته‌های آتی رخ خواهد داد و به همین دلیل رسانه‌های اروپایی که مشتری مهم فولاد ایران به حساب می‌آیند آثار تحریر فلزی ایران را در صدر تحلیل‌های تحریمی تازه قرار داده‌اند. یکی از این تحلیل‌ها را که البته بخش‌هایی از آن تنها ادعاست و نباید حتمی دانست را در ادامه می‌خوانید:

لایه‌های فلزی به دیواری که دونالد ترامپ دور اقتصاد ایران می‌سازد، اضافه شده تا یافتن روزنه‌ای برای خروج از انزوای اقتصادی ایران دشوارتر شود. آمریکا با وضع تحریرهای جدید علیه ایران هرگونه معامله و پرداخت با اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در صنایع فلزی ایران را منع کرده و دارایی‌های آنان را توقیف می‌کند. این تحریرها شامل کسانی نیز می‌شود که طرف معامله «عمده» با صنایع فلزی ایران بوده‌اند، در حمل و نقل، فروش یا بازاریابی محصولات آن نقش داشته‌اند و یا در تامین منابع مالی، مواد مورد نیاز یا تکنولوژی به این صنایع کمک کرده‌اند. رئیس‌جمهور آمریکا همزمان با دستور تحریرهای فلزی، هدف آن را کاهش درآمد خارجی ایران از محل صادرات فلزات اعلام کرده؛ صادراتی که او گفت ارزشش ۱۰ درصد کل صادرات ایران است. سهم فلزات از کل صادرات ایران در سال گذشته خورشیدی کمتر از ۱۰ درصد ادعایی دونالد ترامپ بوده است. مجموع صادرات فولاد، آهن، چدن و مس از ایران در سال ۹۷ کمی بیش از پنج میلیارد دلار بوده است، یعنی ۱۰ درصد از کل صادرات غیرنفتی؛ با احتساب درآمدهای نفتی، سهم فلزات از کل صادرات ۹۷ احتمالاً به نصف آنچه ترامپ گفته می‌رسد. دولت و مجلس ایران درآمدی حدود ۵۰ میلیارد دلاری را برای فروش نفت در سال گذشته در نظر گرفته بودند و شواهد حاکی از آن است که ایران در همین حدود درآمد نفتی داشت. البته این درآمد در شرایطی بود که مشتریان عمده نفت ایران از تحریرهای آمریکا معاف شده بودند، اما آمریکا معافیت‌ها را تمدید نکرده و می‌گوید می‌خواهد صادرات نفت ایران را به صفر برساند. افت شدید صادرات نفتی ایران می‌تواند سهم فلزات را از کل صادرات افزایش دهد، به ویژه که صادرات

به سلامت از بحران عبور می‌کنیم



دکتر محمد جواد صالحی اصفهانی |

دکتر جواد صالحی اصفهانی یکی از اقتصاددانان نامدار ایرانی است که چندین دهه است در آمریکا به تدریس اقتصاد اشتغال دارد. او حالا از جمله افراد نامدار ایرانی به حساب می‌آید که دانش و ارتباطات گسترده‌اش موجب شده اطلاعات و تحلیل‌هایش با اقبال کارشناسان و فعالان و حتی مدیران سیاسی قرار گیرد. صالحی اصفهانی برخلاف برخی اقتصاددانان که به ناامیدی رسیده و باورشان این است که عبور دادن اقتصاد ایران از گرداب تحریم‌ها هر روز با احتمال کمتری مواجه می‌گردد باور دارد که این اتفاق می‌افتد. دکتر صالحی اصفهانی به تازگی مقاله‌ای نوشته و دلایل خود را برای اینکه ایران توانایی عبور دادن اقتصادش از تحریم‌های آمریکایی دارد را تشریح کرده است. این مقاله دکتر اصفهانی در اندیشکده بروکینگز در آمریکا که یکی از مراکز معتبر و تأثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا به حساب می‌آید منتشر شده است.



پروفسور جواد صالحی اصفهانی، استاد اقتصاد دانشگاه ویرجینیا تک و عضو ارشد اندیشکده بروکینگز، طی یادداشتی تأکید کرده است که اقتصاد ایران می‌تواند در صورت اتخاذ سیاست‌های مناسب، حتی با همین سطح از درآمدهای نفتی نیز کنار بیاید. تشدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران طی هفته‌های اخیر موج تازه‌ای از گمانه‌زنی‌ها را در مورد پیامدهای شوم این تحریم‌ها برای اقتصاد ایران به راه انداخته است. آمریکا که در ماه نوامبر (آبان ۹۷) برخی مشتریان نفت ایران را به مدت شش ماه از اجرای تحریم‌ها معاف کرده بود، اخیراً تصمیم گرفت که این معافیت را تمدید نکند؛ تصمیمی که مطمئناً اوضاع اقتصاد آسیب‌پذیر ایران را بدتر خواهد کرد اما در عین حال باید گفت پیش‌بینی‌هایی که در مورد سقوط اقتصاد ایران مطرح می‌شوند، به شدت اغراق‌آمیز هستند. اگر پیش‌بینی به‌تازگی تعدیل‌شده صندوق بین‌المللی پول در مورد اقتصاد ایران (رشد اقتصادی منفی ۶ درصد) را قبول کنیم، آن‌گاه برخلاف برخی ادعاهای بدبینانه و هشداردهنده باید بگوییم که تأثیر تحریم‌های آمریکا بر اقتصاد ایران چندان هم شدید نیست. در واقع میزان کاهش تولید ناخالص داخلی ایران در یک یا دو سال آینده کمتر از آن چیزی است که برخی کشورها اروپایی مانند یونان، اسپانیا و ایتالیا در سال‌های بعد از بحران جهانی ۲۰۰۸ شاهدش بودند. بنابراین بهتر است برای توصیف چشم‌انداز اقتصاد ایران در یک یا دو سال آینده، از واژه‌هایی همچون «رکود عمیق» به جای «سقوط اقتصادی» استفاده کنیم.

اگرچه نفت کمتر از ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی ایران را تشکیل می‌دهد اما اقتصاد ایران وابستگی شدیدی به نفت دارد. در نبود یک برنامه مناسب برای تغییر ساختار اقتصاد و کاهش وابستگی آن به نفت، از

وابسته به واردات انجامیده و احتمالاً همین مسأله باعث شده بود که مصرف‌کنندگان ایرانی بخش بیشتری از درآمد خود را صرف خرید خدمات کنند.

نکته دومی که باید به آن اشاره کنیم این است که ایران بدهی خارجی زیادی ندارد و به همین تحت فشار وام‌دهندگان خارجی نیست. اگر مردم احساس کنند که اصلاحات ساختاری در راستای تأمین منافع وام‌دهندگان خارجی انجام می‌شود، آن‌گاه انجام اصلاحات بسیار دشوارتر خواهد بود.

مورد دیگری که کمتر به آن توجه شده این است که اقتصاد ایران یک اقتصاد نسبتاً متنوع است. ایران محصولات دیگری به‌جز نفت را تولید و صادر می‌کند. این کشور برای تولید محصولات مختلف، از فولاد و خودرو گرفته تا کالاهای سبک، زیرساخت‌های تولیدی قابل توجهی دارد. با استفاده از محرک‌های اقتصادی مناسب می‌توان این زیرساخت‌های را به‌گونه‌ای اصلاح کرد که اشتغال و تولید از بخش‌های به‌شدت نیازمند واردات به بخش‌هایی که بیشتر متکی به نهاده‌های داخلی هستند، منتقل شود. البته بر خورداری از این مزایا بدین معنا نیست که سازگاری با شوک تحریم‌ها کار آسانی خواهد بود. درست است که ایران برای انجام اصلاحات ساختاری در اقتصاد خود با سیاست‌های دیکته شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و وام‌دهندگان خارجی مواجه نیست، اما در عین حال همین مسأله باعث می‌شود که یافتن برنامه مناسب برای اصلاحات و متعهد بودن به اجرای آنها دشوارتر باشد.

اگر دولتمردان ایران می‌خواهند با موفقیت در برابر خواسته‌های آمریکای مقاومت کنند، باید کاری فراتر از یافتن راهکارهایی برای غلبه بر تحریم‌ها انجام دهند. توانایی آنها در تدوین و اجرای برنامه‌ای که وابستگی اقتصاد ایران به نفت را کاهش دهد و در عین حال بار اصلاحات ساختاری را به‌گونه‌ای منصفانه بین گروه‌های مختلف جامعه تقسیم کند، نقش مهمی در پیمودن موفقیت‌آمیز این مسیر ایفا خواهد کرد.

دست رفتن درآمدهای نفتی می‌تواند اثراتی شدیدتر از آنچه سهم نفت از تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد، بر جای بگذارد.

نفت حدود نیمی از صادرات ایران و ۴۰ درصد از درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد. در ۱۰ سال اخیر ایران سالانه به‌طور متوسط ۶۷ میلیارد دلار از محل صادرات نفت درآمد کسب کرده است؛ اما اکنون صادرات نفت ایران به یک‌سوم گذشته تقلیل یافته و انتظار می‌رود درآمد حاصل از آن در سال جاری به کمتر از ۳۰ میلیارد دلار برسد. در عین حال دست‌کم ۳ دلیل وجود دارد که نشان می‌دهد اقتصاد ایران می‌تواند در صورت اتخاذ سیاست‌های مناسب، با همین سطح از درآمدهای نفتی نیز به حیات خود - ولو با کاهش استانداردهای زندگی - ادامه داده و حتی در بلندمدت از این طریق وابستگی خود را به نفت کاهش دهد تا [به‌طور ناخواسته] به خود لطف کرده باشد.

اولاً باید خاطر‌نشان کنیم که ایران قبلاً نیز در سال ۲۰۱۲ چنین شرایطی را تجربه کرده است. در آن زمان باراک اوباما تحریم‌های آمریکا علیه ایران را شدت بخشید و در نتیجه صادرات نفت ایران ۲۷٫۵ درصد کاهش یافت و تولید ناخالص داخلی ایران نیز ۲٫۲ درصد افت کرد. در سال ۲۰۱۵ اثرگذاری هم‌زمان تحریم‌ها و کاهش قیمت نفت حتی صادرات نفت ایران را به ۳۲ میلیارد دلار کاهش داد که کمترین میزان آن در یک دهه منتهی به آن سال محسوب می‌شود؛ تولید ناخالص داخلی ایران این بار ۱٫۶ درصد کاهش یافت. تأثیر اندک تحریم‌ها بر رشد اقتصادی ایران به دلیل است که بخش‌های بزرگ اقتصاد ایران مانند خدمات و کشاورزی که مجموعاً دو سوم تولید ناخالص داخلی ایران را تشکیل می‌دهند، کمتر به تجارت خارجی وابسته‌اند و به همین دلیل مصونیت بیشتری در برابر تحریم‌ها دارند. در سال ۲۰۱۲ زمانی که تولیدات صنعتی ایران ۶٫۳ درصد کاهش یافت، بخش خدمات این کشور در واقع یک درصد رشد کرد. در آن زمان کاهش ارزش ریال به افزایش قیمت کالاهای وارداتی و کالاهای

رشد های متاسف کننده اقتصاد ایران



◆ افزایش تورم

صندوق بین‌المللی پول به موازات انتشار آمار مربوط به نرخ رشد اقتصادی، نگاهی دارد به نرخ تورم ایران و کشورهای منطقه. بر اساس این آمار، نرخ تورم در ایران در سال جاری میلادی به بیش از ۳۷ درصد خواهد رسید. این بیشترین میزان تورم در ایران پس از سال ۱۹۹۵ است. در سال ۱۹۹۵ تورم در ایران از مرز ۴۰ درصد نیز گذشته بود. این در حالی است که نرخ تورم در ایران در سال ۲۰۱۷ و پس از رفع تحریم‌ها کمتر از ۱۰ درصد اعلام شده بود. بنابراین می‌توان گفت که با آغاز تحریم‌ها علیه ایران، نرخ تورم در این کشور افزایش چشمگیری یافته است. در سال ۲۰۱۸ نیز نرخ تورم در ایران از مرز ۳۰ درصد گذشته بود. لازم به یادآوری است که نرخ تورم در دیگر کشورهای منطقه تک رقمی است و از این منظر، ایران تنها کشوری است که نرخ تورم آن دورقمی اعلام شده است. ارزیابی صندوق بین‌المللی پول حکایت از آن دارد که نرخ تورم در ایران در سال ۲۰۲۰ نیز بیش از ۳۰ درصد خواهد بود.

◆ افزایش بیکاری

ارزیابی تحلیل‌گران اقتصادی صندوق بین‌المللی پول از افزایش نرخ بیکاری در ایران در سال ۲۰۱۹ حکایت دارد. بر اساس آمار منتشر شده از سوی این نهاد، نرخ بیکاری در ایران در سال جاری به بیش از ۱۵ درصد خواهد رسید. همین گزارش میزان بیکاری در ایران را در سال آینده میلادی بالغ بر ۱۶ درصد اعلام کرده است. به این ترتیب نرخ بیکاری در ایران در قیاس با کشورهای صادرکننده نفت منطقه بیش از سایر کشورها است. پس از ایران، عراق با ۱۲٫۶ درصد بیشترین میزان بیکاری را در منطقه دارد. خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران، «پرنان» نیز با انتشار گزارش مشابهی درباره چالش‌های اقتصادی پیش‌روی ایران علت افزایش نرخ بیکاری در ایران را تحریم‌ها و عدم سرمایه‌گذاری در صنایع و همچنین اختلال در روند انتقال تکنولوژی به ایران اعلام کرده است.

۲۰۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید. این در حالی است که آمریکا اعلام کرده است سیاست کاهش صادرات ایران به زیر یک میلیون بشکه در روز را دنبال می‌کند. افزون بر آن، نرخ تورم در ایران نیز در سال جاری میلادی بار دیگر در سایه کاهش ارزش واحد پول این کشور افزایش خواهد یافت.

◆ نرخ رشد اقتصادی ایران

یکی از گزارش‌هایی که پیرامون اوضاع اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۹ منتشر شده است، گزارشی است که از سوی صندوق بین‌المللی پول در اختیار رسانه‌ها قرار گرفته است. صندوق بین‌المللی پول در ماه آوریل سال جاری اقدام به انتشار گزارش سالانه خود تحت عنوان «چشم‌انداز اقتصادی جهان» نموده است. این گزارش در ۲۱۶ صفحه تنظیم شده و حاوی جداول و آمار بسیاری درباره کشورهای مختلف و از جمله جمهوری اسلامی ایران است. بر اساس آمار منتشر شده از سوی این نهاد مالی بین‌المللی، نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۹ به منهای شش درصد خواهد رسید. به این ترتیب، سیر نزولی رشد اقتصادی ایران برای دومین سال ادامه خواهد یافت. این در حالی است که نرخ رشد اقتصادی ایران در سال گذشته میلادی حدود منهای چهار درصد بوده است. درک میزان کاهش شدید نرخ رشد اقتصادی ایران در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ زمانی ممکن است که رشد ۱۲ درصدی اقتصاد ایران پس از رفع تحریم‌ها در سال ۲۰۱۷ نیز در بررسی منظور گردد. ایران در قیاس با سایر کشورهای خاورمیانه تنها کشوری است که در سال ۲۰۱۹ از رشد منفی اقتصادی برخوردار است. بیشترین میزان رشد اقتصادی در کشورهای منطقه در سال جاری از آن عراق و امارات متحده عربی است. این دو کشور در سال جاری از رشدی معادل ۲٫۸ درصد برخوردار خواهند بود.

نرخ رشد اقتصادی ایران در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب ۷ درصد و ۲ درصد منفی شد و این منفی شدن پیامدهای دهشتناکی به اقتصاد خانواده‌ها و بنگاه‌ها داشت و برخی از این پیامدها هنوز ادامه دارد. در حالیکه انتظار می‌رفت نرخ رشد اقتصادی ایران پس از تحریم‌های دوره اوباما مثبت شده و ایرانیان از بن‌بست نجات پیدا کنند متأسفانه دوباره از سال ۱۳۹۷ تحریم‌ها برقرار و رشد اقتصاد ایران منفی شد. رشد منفی حدود ۴ درصدی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۷ و پیش‌بینی حتی تا منفی ۱۰ درصد در سال ۱۳۹۸ بیم‌ها و ناامیدی‌های فراوان ایجاد کرده است. اقتصاددانان می‌گویند نرخ رشد منفی اقتصاد قدرت خرید جامعه را باز هم کاهش می‌دهد و به رکود گسترده‌تر منجر خواهد شد و بنگاه‌ها را در شرایط تعطیل قرار می‌دهد و بیکاری را عمیق‌تر می‌کند. تحریم‌های جدید تحمیل شده بر اقتصاد ایران چگونه رشد اقتصاد ایران را به سوی منفی‌تر شدن حرکت می‌دهد. آنچه در زیر می‌خوانید نگاه نه‌چندان خوش‌بینانه به این موضوع دارد.

تحریم‌های اقتصادی و از جمله تحریم نفتی تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد ایران دارد. ارزیابی نهادهای مالی بین‌المللی حکایت از کاهش قابل‌ملاحظه آهنگ رشد اقتصادی ایران در سال جاری دارد. تورم و بیکاری نیز افزایش خواهند یافت. ارزیابی‌های صورت گرفته از اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۹ متکی بر تأثیرات احتمالی تحریم‌های این کشور صورت گرفته‌اند. این در حالی است که افزودن سپاه پاسداران به لیست گروه‌های تروریستی از سوی آمریکا می‌تواند بر دامنه تأثیرات منفی تحریم‌ها بر اقتصاد ایران بیفزاید. سپاه پاسداران یکی از بازیگران اصلی اقتصاد ایران به شمار می‌آید. بر اساس پیش‌بینی کارشناسان، یک سوم تولید ناخالص اجتماعی ایران به طور مستقیم و غیرمستقیم وابسته به فعالیت‌های اقتصادی سپاه پاسداران است. این در حالی است که محاسبه دقیق نقش سپاه و به‌ویژه شرکت‌های زیر مجموعه آن در اقتصاد ایران ناممکن است. تصمیم دولت آمریکا مبنی بر افزودن سپاه پاسداران به لیست سازمان‌های تروریستی می‌تواند بر دامنه تأثیرات اقتصادی ناشی از تحریم‌های ایران از سوی آمریکا بیفزاید. بررسی دامنه این تأثیرات در شرایط کنونی، ممکن نیست. اما آنچه تا کنون از سوی صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان ملل متحد منتشر شده، حکایت از کاهش شدید نرخ رشد اقتصادی ایران در سال جاری دارد. صادرات نفت ایران نیز بر اساس این ارزیابی‌ها به کمتر از یک میلیون و

ضربه‌های چند سویه تحریم



مركزی ایران با تزریق ارز بیشتر توانست بازار را کمی کنترل کند و از اوج بحران، که دلار تا ۱۹ هزار تومان بالا رفت، پایینتر بیاورد. بحران ارزی ایران باعث شده که واردات برخی کالاهای اساسی و مواد اولیه هم به مشکل بخورد. مشکلاتی که در مقاطعی برای کالاهایی چون پوشک جنجالی شدند.

♦ خرج زندگی خیلی بالا رفته

حسن روحانی توانست پس از چند سال تورم را در ایران به زیر ۱۰ درصد برساند، اما بنا به برآوردها تورم در ایران در سال گذشته از ۳۰ درصد گذشت. سقوط ارزش ریال باعث شده که نه تنها کالاهای وارداتی، که محصولات تولید داخل هم گران شوند. در یک سال گذشته گوشت قرمز و مرغ ۵۷ درصد گران شدند، قیمت شیر، پنیر و تخم مرغ ۳۷ درصد بالا رفت، سبزیجات هم ۴۷ درصد گران شدند.

♦ قیمت‌ها نوسان زیادی داشته‌اند

در میانه گرانی‌ها، توزیع کالاهای با قیمت دولتی به صف‌های طولانی منجر شده است، که صف‌های گوشت خبرسازترین آن بودند. دولت برای کنترل قیمت‌ها صادرات دام زنده را ممنوع کرد و واردات دام را بالا برد. توزیع کوپن‌های الکترونیکی یکی از برنامه‌هایی است که قرار است برای کمک به مردم انجام شود.

♦ درآمدها پایین آمده

در این میان افزایش ۲۰ درصد هزینه مسکن و هزینه‌های درمانی هم گروه‌های درآمندی فقیرتر را تحت تأثیر قرار داده است.

تحریم‌ها معافیت گرفتند: چین، هند، ژاپن، کره جنوبی، تایوان، ترکیه، یونان و ایتالیا. در شش ماه معافیت، بانک‌های آنها می‌توانستند نقل و انتقالات مالی مرتبط با معامله نفت را با بانک مرکزی ایران یا هر بانک دیگری در ایران انجام دهند، بدون آن که خطر مجازات‌های آمریکا آنها را تهدید کند. به این ترتیب در مارس ۲۰۱۹، صادرات نفت ایران به ۱,۱ میلیون بشکه در روز رسید. تایوان، یونان و ایتالیا خرید نفت از ایران را کاملاً متوقف کردند و چین و هند، دو خریدار اصلی، خریدشان را به ترتیب ۳۹ درصد و ۴۷ درصد پایین آوردند. بنا به برآورد یک مقام آمریکا ایران نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار درآمد را از دست داد. دونالد ترامپ گفته می‌خواهد صادرات نفت ایران را به صفر برساند. البته روشن نیست که فروش نفت ایران در عمل تا کجا پایین خواهد آمد. چین تاکید دارد که تجارت با ایران کاملاً مشروع است و آمریکا صلاحیت مداخله در این مساله را ندارد. ترکیه هم می‌گوید نمی‌تواند روابط تجاری را با همسایه‌اش قطع کند. علاوه بر اینها ایران می‌تواند برای تامین نیازهای بشردوستانه نفت بفروشد و همچنین امکان صادرات مخفیانه نفت و دور زدن تحریم‌ها را هم دارد.

♦ سقوط ریال

حسن روحانی چهار سال توانست ارزش ریال را ثابت نگه دارد، اما ظرف یک سال ریال ۶۰ درصد ارزش خود را در برابر دلار از دست داد. نگرانی ایرانی‌ها از نابودی ارزش پس‌اندازهایشان و تلاش برای تبدیل ریال به دلار، یکی از عواملی است که برای سقوط ریال ذکر می‌شود. بانک

اقتصاد ایران به دلایل گوناگون در ۵ دهه اخیر نتوانست خود را به صف کشورهای توسعه‌یافته برساند و در مسیر کشورهای در حال توسعه و بافت و خیزهای متعدد مواجه شده است. علاوه بر این، شرایط سیاست خارجی ایران موجب شده است که اقتصاد ایران در کمتر از ۱۰ سال دوبار با تحریم‌های شدید غربی‌ها به دلیل زورگویی آمریکایی‌ها مواجه شود. درحالی‌که دولت آمریکا به هر دلیل راه توسعه اقتصاد ایران را ناهموار کرده است اما در سال ۱۳۹۷ تحریم‌های گسترده‌ای را نیز در دستور کار قرار داده و معتقد است این تحریم‌ها سخت‌ترین تا امروز بوده و ممکن است باز هم گسترش یافته و تعمیق شود. اما تحریم‌ها بر اقتصاد ایران آثار و پیامدهای کلان داشته و خانوارهای ایرانی را نیز در موقعیت دشواری قرار داده است. کاهش قدرت خرید ایرانیان به دلیل از دست قدرت ارزش ریال یکی از بدترین پیامدها بوده و هست. گزارش حاضر آثار تحریم‌ها بر برخی شاخص‌های اقتصادی را تشریح کرده است.



با خروج آمریکا از برجام، دونالد ترامپ تحریم‌های ایران را برگردانده و خواهان تغییر سیاست‌های ایران شده. اما مقام‌های ایرانی همچنان بر موضع‌های قبلی خود اصرار دارند. تحریم‌ها تا همین جا هم تأثیر عمده‌ای بر ایران گذاشته‌اند. بعد از تحریم‌های بین‌المللی که بر سر برنامه هسته‌ای علیه ایران اعمال شد، دولت حسن روحانی در مذاکراتی با آمریکا و پنج قدرت دیگر جهانی پذیرفت تا در مقابل رفع تحریم‌ها، برنامه هسته‌ای را محدود کند. سال بعد، با افزایش صادرات نفت و گاز، رشد اقتصادی به ایران بازگشت. اما دیری نگذشت که نارضایتی از وضعیت اقتصادی به اعتراضاتی گسترده و کم‌سابقه در شهرهای مختلف ایران منجر شد. با بازگشت تحریم‌های آمریکا هم سرمایه‌گذاران و مشتریان خارجی از بازار ایران عقب بکشند.

♦ نصف شدن صادرات نفت

تولید نفت ایران در آغاز سال گذشته میلادی به ۳,۸ میلیون بشکه در روز رسیده بود. ایران در این دوره حدود ۲,۳ میلیون بشکه در روز صادر می‌کرد. هشت مشتری عمده نفت ایران، پس از بازگشت تحریم‌های آمریکا، از این

در مسیر کوبایی و کوپنی شدن؟



اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور حسن روحانی از طرفداران اقتصاد آزاد بوده است. او در سال‌هایی که وزیر صنایع و معادن ایران بود و در سال‌هایی که منتقد دولت‌های نهم و دهم بود بارها تأکید کرده بود اقتصاد ایران باید آزاد شود و از قید و بندهای دولتی شدن راحت شود. اما تشدید تحریم‌ها موجب شد که او در سال جدید موضوع ادامه اقتصاد با شرایط فعلی یا کوپنی کردن و دخالت گسترده‌تر دولت را به مثابه یک پرسش با ایرانیان علاقمند به اقتصاد سیاسی کشور در میان بگذارد. درحالی‌که شماری از اقتصاددانان مشهور به نهادگرا با این حرف جهانگیری مشکلی ندارند و ندیدیم که به‌طور علنی انتقاد کنند اما طرفداران اقتصاد آزاد این حرف‌های جهانگیری را به مثابه کوبایی کردن اقتصاد ایران می‌دانند. رادیو فارسی زبان فرانسه با استناد به برخی داوری‌ها گزارشی تهیه کرده است که در ادامه می‌خوانید:



اقتصاد ایران این روزها به مثابه جنگلی است که چند نقطه حیاتی آن دچار حریق شده و آتش‌نشان‌ها برای خاموش کردن آتش تلاش می‌کنند، اما قادر به خاموش کردن آن نیستند. هر حریقی که خاموش می‌شود، از دیگر نقاط این جنگل حریق‌های دیگری سر برمی‌آورد.

همان‌گونه که در آتش گرفتن جنگل عوامل بیرونی (اقلیمی) و درونی (انسانی و نحوه مراقبت و نگهداشت جنگل) نقش دارند، اقتصاد ایران نیز تحت عوامل بیرونی (از جمله، تحریم‌های گسترده آمریکا) و عوامل درونی و ساختاری مانند مدیریت ناکارآمد و سوءمدیریت ساختار معیوبی پیدا کرده و به حالت بحرانی رسیده است. محسن صفایی فراهانی اقتصاددان مقیم ایران در باره وضعیت کنونی اقتصاد کشوری می‌گوید: «ما میراث‌دار یک مدیریت غلط سیاسی بر اقتصاد کشور هستیم که با اعمال سیاست‌های خاص، اقتصاد کشور را صدمه‌پذیر کرده است. این حکومت نشان داده به ابعاد تصمیماتی که اقتصاد را به بحران رسانده، توجه ندارد.» او همچنین می‌گوید: «مشتی، کماکان مشغول غارت کشور هستند. آنان منابع کشور را به یغما برده‌اند و تنها نگرانی آنان نقل و انتقال پول‌ها و دارایی‌های است که از این کشور غارت کرده‌اند. اقتصاد زیر زمینی در حال فلج کردن ایران است.» در چنین شرایطی است که حکومت اسلامی برای حفظ و بقای خود، طرح سهمیه‌بندی کالاهای اساسی و بازگشت کوپن به اقتصاد را به‌طور جدی در دستور کار خود قرار داده است.

◆ سیاست ارز ترجیحی شکست خورد است

تازه‌ترین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در باره بررسی تبعات سیاست ارز ترجیحی نشان می‌دهد که سیاست مذکور به رغم تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی نه تنها نتوانسته ثبات قیمت کالاهای اساسی را رقم بزند، بلکه موجب یک تورم نقطه به نقطه بیش از ۵۰ درصدی در قیمت کالاهای اساسی طی یک‌سال گذشته شده است. روزنامه دنیای اقتصاد در باره گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس می‌نویسد: «به فهرست معایب سیاست ارز ترجیحی، باید زمینه ایجاد رانت، فساد و تضعیف تولید داخلی را نیز افزود. علاوه بر این، آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد در یک سال و یک ماه گذشته، ۲۸،۷ میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی و ۹،۸ میلیارد دلار ارز نیمایی پرداخت شده

محاسباتی، بخش عمده‌ای از ذخایر ارزی و طلای خود را که در دوران جنگ و تحریم می‌تواند نقش چادر اکسیژن را ایفا کند، به ثمن بخش فروخته است، چگونه می‌تواند خود را در مسیر اقتصاد آزاد جا بزند؛ درحالی که ترامپ با وضع تحریم‌های بی‌سابقه نفتی، حتی صادرات بخش‌های معدنی و فلزی را نشانه رفته است، عده‌ای از مسئولان نیز صادرات رب گوجه فرنگی، سیب زمینی، پیاز و خرما را به منظور مسدود کردن راه‌های تنفس اقتصاد ایران هدف گرفته‌اند. سیاستی که حتی در دوران تحریم نفتی عراق، صدام نیز به آن متوسل نشد و در آن دوران یکی از منابع مهم درآمد ارزی این کشور بود. کالاهایی هم که صادرات آن آزاد است، با انواع و اقسام ترافیک‌های بخشنامه‌ای روبه‌رو هستند و مجبورند ارز خود را به قیمتی بسیار پایین‌تر از بازار بفروشند و همین عامل باعث شده است مقدار کمی از ارز صادراتی

دکتر علی فرحبخش، اقتصاددان مقیم ایران یکی از منتقدان سرسخت سیستم کوپنی در اقتصاد است. او می‌گوید: اخیراً معاون اول محترم رئیس‌جمهور از کارشناسان و اصحاب رسانه درخواست کرده‌اند که راهکارهای خود را برای خروج از بحران فعلی و از جمله یکی از سناریوهای محتمل در خصوص ارائه کالا بزرگ کالاهای اساسی ارائه دهند. همان‌گونه که یک پزشک حافظی برای تشخیص بیماری و ارائه نسخه پیشنهادی، ابتدا باید شرح حال دقیقی از بیمار و سبک زندگی وی داشته باشد. در اقتصاد نیز بدون پاسخ به سوال «چه شده است؟» و «چرا این‌گونه شده است؟» نمی‌توان پاسخ دقیقی برای پرسش «چه باید کرد؟» تدارک دید. جالب آنکه عده‌ای مغرضانه یا جاهلانه طرفداران اقتصاد بازار را متهم ردیف یک مشکلات فعلی قلمداد کرده و خواستار دوربرگردان سیاستی در اولین

است. مقایسه آمارهای ارز رسمی و نیمایی با نرخ ارز بازار نشان می‌دهد که طی بازه مورد بررسی، رقم شگفت‌آور ۲۱۷ هزار میلیارد تومان یارانه پنهان ارزی اعطا شده است؛ رقمی که معادل نیمی از منابع بودجه عمومی، یک و نیم برابر درآمدهای نفتی و پنج برابر یارانه نقدی در سال ۹۸ است.»

♦ با تصویب مجلس، کوپن به اقتصاد کشور باز می‌گردد

در چنین شرایطی است که اسفندماه سال گذشته نمایندگان مجلس در مورد اختصاص ارز یارانه‌ای به واردات که منجر به توزیع رانت برای عده‌ای خاص شده، شدیداً انتقاد کردند و در پی آن کمیسیون تلفیق بودجه پیشنهاد کوپنی شدن کالاهای اساسی در کشور را تصویب کرد. به گفته نایب‌رئیس کمیسیون تلفیق بودجه، کالا بزرگ الکترونیکی برای تأمین کالاهای اساسی به مردم داده می‌شود و دولت مکلف است در سال ۱۳۹۸ مابه‌التفاوت ریالی ۱۴ میلیارد دلار از منابع حاصل از صدور نفت سهم خود را به شیوه زیر صرف حمایت از معیشت مردم و حمایت از تولید کند.

♦ دولت هنوز تردید دارد

به رغم تصمیم کمیسیون تلفیق بودجه، دولت هنوز تصمیم نهایی خود را در خصوص اجرای سیستم کوپنی نگرفته است، هر چند چاره‌ای هم غیر از آن نمی‌بیند. در همین خصوص، اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهوری هفته گذشته گفت: «در شرایط جدید اقتصادی که کشور با آن روبه‌روست، دو نظریه وجود دارد: یکی اینکه حالا که به سمت محدودیت‌های بیشتر می‌رویم، باید نقش دولت پررنگ‌تر شود و حتی شاید ناچار شویم در برخی کالاها به سمت سهمیه‌بندی و توزیع کوپنی کالاها حرکت کنیم که پیش‌نیاز این طرح این است که دولت دوباره خود عهده‌دار وظایف و برنامه‌های توزیع کالا شود.»

اسحاق جهانگیری همچنین عنوان کرده است: «عده زیادی از فعالان و صاحب‌نظران اقتصادی با این نظریه مخالف هستند. این افراد معتقدند در چنین شرایط سخت اقتصادی، باید به سمت آزاد کردن اقتصاد پیش‌رویم و حتی محدودیت‌ها و قید و بندهایی که قبلاً داشته‌ایم، هم برطرف کنیم و به جای توزیع از طریق سهمیه‌بندی و کمک به قشرهای ضعیف جامعه، اقتصاد را آزاد کنیم و یارانه‌های پنهان را نقدی در اختیار مردم قرار دهیم و مردم از دولت یارانه دریافت کنند تا هزینه افزایش قیمت‌ها جبران شود. دولت باید به زودی در خصوص این دو نظریه تصمیم‌گیری کند.»



به کشور بازگردد. آیا این طرح‌ها هم ریشه در تفکرات اقتصاد لیبرال دارد؟
آیا در شرایط کنونی، نظام سهمیه‌بندی و کوپنی شدن کالاهای اساسی، می‌تواند افزایش قیمت اینگونه کالاها را مهار کند؟
آیا دولت می‌تواند این رویکرد را به نحو مطلوبی سازماندهی کند که دست واسطه‌ها و سودجویان در این رابطه کوتاه شود و ایم موضوع موجب گسترش اقتصاد موازی و یا زیرزمینی در کشور نشود؟
کدام‌یک از دو نظریه، سهمیه‌بندی و کوپنی کردن کالاهای اساسی و یا آزادی بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند در شرایط کنونی برای تمشیت امور مردم و اقتصاد در ایران بهتر باشد و در برابر تحریم‌های گسترده آمریکا مناسب‌تر باشد؟

خروجی ممکن شده‌اند. سخنانی که بی‌اختیار مرا به یاد «نورخوجه» دیکتاتور آلبانی می‌اندازد که علت مشکلات اقتصادی شوروی را پیروی از مشی کاپیتالیستی توسط استالین ارزیابی می‌کرد. اگر مشکلات سیاست خارجی کشور را مفروض دانسته و سیاستگذاران کشور هم قادر یا مایل به تن دادن به اصول بنیادین علم اقتصاد نباشند، مجموعه فضای ممکن برای ارائه راهکارهای پیشنهادی تهی است و همچون دستگاه معادلاتی که «دترمینان» آن صفر است، هیچ پاسخی برای آن نمی‌توان یافت. مگر آنکه بخواهیم با پرداخت نقدی یارانه یا ارائه کالا بزرگ کالاهای اساسی، تا مدتی سر اقتصاد ایران را در بالای آب نگه داریم و در انتظار یک دست نامرئی برای از میان بردن محدودیت‌های موجود باشیم. دولتی که در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن با یک خطای

حالا پتروشیمی در تیررس آمریکایی‌ها



♦ واکنش احتمالی سایر ایرانی‌ها

هنری رام، تحلیلگر «گروه اوراسیا» نیز گفته است که انتظار می‌رود جمهوری اسلامی به فروش «قاچاقی» نفت ادامه دهد و برای این منظور از امکاناتی در افغانستان، پاکستان، عراق و دیگر کشورها استفاده کند. رام همچنین گفته است که امکان فروش ۲۰۰ هزار بشکه در روز «از طریق کشتی به کشتی» یا با کمک کشورهای که می‌توانند رصد مسیر و موضع کشتی‌ها را پنهان کنند، وجود دارد. این کارشناس معتقد است که جمهوری اسلامی در برابر اقدامات آمریکا واکنش تهاجمی نخواهد داشت بلکه به دنبال مذاکره با واشنگتن خواهد بود یا اینکه به پایان دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ امید می‌بندد. رام افزوده است که اگر تحلیل او اشتباه از آب درآید و تهران تصمیم به اقداماتی بگیرد، بیش از هر چیز به حمله سایبری روی خواهد آورد و ممکن است که در وهله نخست یک پالایشگاه نفت عربستان سعودی یا بانکی در خاورمیانه را هدف قرار دهد. ایالات متحده چندی پیش معافیت هشت کشور از تحریم‌ها برای خرید نفت ایران را تمدید نکرد و از دوم ماه آنها نیز ناچارند تصمیم بگیرند که آیا به معاملات خود با ایران ادامه می‌دهند یا اینکه برای جلوگیری از مجازات از جانب آمریکا، از خرید نفت ایران خودداری می‌کنند. پس از اقدامات اخیر ایالات متحده بهای نفت در بازارهای جهانی افزایش یافت اما پس از آنکه معلوم شد که کشورهای دیگر صادرکننده برای تامین کمبود احتمالی نفت در بازار آماده هستند و تولید نفت آمریکا افزایش یافته است، بهای آن به تدریج کاهش یافت.

شرکت‌های کوچک خارجی، به‌ویژه در چین هنوز در این زمینه با ایران معامله می‌کنند. مقام‌های آمریکایی گفته‌اند واشنگتن علاوه بر این، تحریم بیشتر در حوزه بانکی را بررسی می‌کند و در این راستا شبکه‌های مالی در امارات متحده عربی، ارمستان، سنگاپور و مالزی را هدف قرار می‌دهد.

♦ صادرات نفت ایران به صفر می‌رسد؟

همچنین شبکه خبری «سی‌ان‌ان» گزارش جامعی در باره جلوگیری از صادرات نفت ایران توسط ایالات متحده منتشر کرد. در آغاز این گزارش ضمن بیان اینکه ایالات متحده از این پس با «دوست و دشمنی» که از ایران نفت وارد کنند برخورد خواهد کرد، آمده است که احتمال می‌رود، واشنگتن در رابطه با جلوگیری از صادرات نفت ایران با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شود. در این راستا دو کارشناس اقتصادی تاکید کرده‌اند که احتمال به صفر رساندن صادرات نفت ایران بسیار کم است. الیزابت روزنبرگ، مشاور ارشد پیشین وزارت خزانه‌داری آمریکا ضمن تاکید بر اینکه تلاش ایالات متحده باعث کاهش چشمگیر صادرات نفت ایران خواهد شد گفته است که فروش نفت ایران به صفر نخواهد رسید. خانم روزنبرگ در این راستا به شرکت‌های کوچک چینی اشاره کرده است که از نظر مالی به ایالات متحده وابسته نیستند. به اعتقاد او، پالایشگاه‌های بزرگ چین از تحریم‌های آمریکا پیروی خواهند کرد اما شرکت‌های کوچک این کشور به تجارت با ایران ادامه خواهند داد.

روزهایی بود که برخی منتقدان آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی اصرار او برای سرمایه‌گذاری در پتروشیمی را زیر سوال می‌بردند و می‌گفتند که این یک سرمایه‌گذاری ناسودآور است. اما سرمایه‌گذاری دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ شمسی ایران در پتروشیمی دست‌کم برای توسعه صادرات ایران یک ضرورت تمام‌عیار بود. این سرمایه‌گذاری‌ها راه را برای توسعه صادرات نزدیک به ۱۲ میلیارد دلار در سال برای پتروشیمی هموار کرده است. اگرچه ایران در این عرصه از کره جنوبی و آلمان بسیار عقب‌تر است اما به هر حال این رقم ۱۲ میلیارد دلار صادرات را نباید دست‌کم گرفت. وقتی که آمریکایی‌ها صادرات نفت خام ایران را زیر ضرب تحریم گرفته و توانستند میزان صادرات نفت خام را به اندازه‌ای کاهش دهند که وضعیت تامین درآمد ارزی برای گردش کار و فعالیت و حتی زندگی ایرانیان با خطر مواجه شود مدیران ارشد خبر دادند که پتروشیمی ایران می‌تواند تا اندازه‌ای از این کاهش صادرات نفت خام را جبران کند. اما حالا آمریکایی‌ها با آدرسی که از مدیران سیاسی گرفتند نگاهشان به توانایی‌های صادراتی پتروشیمی دوخته شده است. برخی زرمه‌ها در این باره شنیده می‌شود که آمریکا پس از تحریم نفت و فولاد حالا ممکن است به سوی تحریم پتروشیمی حرکت کند. نوشته زیر در این باره نکاتی را طرح کرده است که البته جای تحلیل دارد اما بخش قابل توجهی از این نوشته رنگ و بویی از واقعیت دارند.



ایالات متحده قصد دارد تحریم‌های خود علیه جمهوری اسلامی را به صنایع پتروشیمی بسط دهد. بر خلاف آنچه که انتظار می‌رفت، بهای نفت در بازارهای جهانی کاهش یافته است. روز جمعه، ۱۳ اردیبهشت (۳ مه) وبسایت نشریه «وال استریت ژورنال» گزارش داد دولت ایالات متحده برای گسترش تحریم‌های خود علیه ایران و تشدید کنترل بر فروش صنایع پتروشیمی تلاش می‌کند. براساس این گزارش، با وجود اینکه صنایع پتروشیمی ایران مشمول تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده است، برخی



در دنامه تولید کنندگان

و دولت و مخالفان اقتصاد آزاد دست در دست هم می‌خواهند همه تنگناهای کسب و کار و معیشت مردم را سودجویی و رانت‌خواری بخش خصوصی بچسبانند. این درحالی است که فساد و رانت‌جویی از فعالیت‌های دولت سرچشمه می‌گیرد. گروه مطالعات محیط کسب و کار در مرکز پژوهش‌های مجلس در سه نشست در روزهای ۱۱ آذر، ۱۲ آذر و ۲۷ آذر با نمایندگان بزرگترین تشکلهای تولیدی و صنفی ایران برگزار کرد. هدف از این جلسات ارزیابی بازارهای کشور در دو مقطع ۶ماهه اول سال ۱۳۹۷ و بعد از آن تاکنون، به خصوص بعد از اجرایی شدن تحریم‌های ظالمانه و یک طرفه آمریکا و تأثیرنوسان و افزایش نرخ ارز در کسب و کارهای مختلف است. می‌خواهیم بدانیم با گذشت چند ماه از اجرایی شدن تحریم‌ها و نوسانات مختلف نرخ ارز چه اتفاقی در کف بازارها افتاده است. بر همین اساس پاسخ دو سؤال ذیل ارائه شود:

- ۱- در یک سال اخیر، میزان صادرات، تولید و اشتغال، قیمت مواد اولیه و محصول نهایی و نیز مقررات ناظر بر کسب و کار شما چه تغییراتی کرده است؟
- ۲- برای عبور هر چه کم‌ضرتر اقتصاد ایران از شرایط موجود و نیز استفاده از فرصت‌های ایجاد شده برای اصلاحات اساسی اقتصاد ایران، چه پیشنهادهایی برای مجلس شورای اسلامی دارید؟

صاحبان بنگاه‌های صنعتی ایران از زمستان سال ۱۳۹۶ دیدند و شنیدند که رئیس‌جمهور تازه آمریکا می‌خواهد درباره ایران روش تازه‌ای مبنی بر بازگشت تحریم‌ها را در دستور کار قرار دهد. آن حرف‌های ترامپ تازه به کاخ سفید رفته نخستین علامت‌هایش در بازار ایران دیده شد و موجب عدم تعادل در بازار ارز از زمستان ۱۳۹۶ شد. با شروع سال ۱۳۹۷ اما بازار ارز از دست مقام‌های بانک مرکز و دولت خارج شد و تا مردادماه ۱۳۹۷ هر دلار آمریکا از حداکثر ۴ هزار تومان روزهای نخست فروردین ماه پارسال به ۱۱ هزار تومان در نیمه اول رسید. این تلاطم عجیب ارزی برای مدیرانی که شاهد اتفاق این رویداد در سال‌های نخست دهه حاضر بودند انگار مایه عبرت نشده بود. آثار و پیامدهای بازار ارز به مرور به سیاستگذاری‌های اقتصادی در ایران رسید و دولت آقای روحانی همان راهی را رفت که دولت قبلی رفته بود. این راه سخت‌گیری بر بنگاه‌های صنعتی با هدف کاهش یا تثبیت نرخ کالاها، تثبیت و حفظ کارگران در اندازه‌های موجود و پرداخت ارز حاصل از صادرات به دولت بود که موجی از ناراحتی ایجاد کرد. آنچه در ادامه می‌خوانید پاسخ شماری از تولیدکنندگان به پرسش‌های یاد شده است. بخش خصوصی ایران امروز زیر آوار سیاستگذاری دخالت‌گرایانه دولت قرار دارد

جمشید نفر دبیرکل کنفدراسیون صادرات



تشکل‌های عضو کنفدراسیون صادرات هر کدام مشکلات خاص خود را دارند. بنابراین نسخه واحدی برای آنها نمی‌توان بیان کرد. لازم است ابتدا مجلس و دولت، محیط مناسب کسب و کار را ایجاد کنند. بخش خصوصی واقعی ایران تنها ۴ تا ۵ درصد سهم از کل اقتصاد را دارند. این بخش یک شبه صادرکننده نشده، بلکه صادرات که نقطه آخر تولید است باید کیفیت پیدا کند و رقابت پذیر شود و حداقل ۱۰ سال تجربه نیاز دارد صادرکننده موفق بشود. حال ۳۸ تشکل ذیل ما که هر کدام اگر ۱۰۰ عضو داشته باشند، برای ۱۰ سال می‌شود ۳۸۰۰۰ سال تجربه، خوب طی این سال‌ها هیچ استفاده‌ای و نتیجه‌ای از این همه تجربه گرفته نشده است. در اصل ابهامی وجود دارد و آن اینکه ارگانی که ما را دعوت می‌کند قدرت تصمیم‌گیری صحیح دارد یا نه؟ و اگر تصمیمی لازم باشد که برای مملکت گرفته شود یا گرفته می‌شود یا نمی‌شود؟ یا قدرت جایی هست که مشخص نیست؟ از نظر بنده این بزرگترین دغدغه بخش خصوصی واقعی است. ما الان با وجود سابقه ابتدای انقلاب و جنگ تحمیلی که بدون امکانات به بهترین نحو مدیریت کردیم، الان با مشکل تحریم‌های داخلی مواجه هستیم و آنقدر که از آن رنج می‌بریم از تحریم‌های خارجی رنج نمی‌بریم. مثل افزایش ناگهانی نرخ ارز که گویی دست‌هایی پشت پرده وجود دارد که به این سرعت افزایش پیدا می‌کند و عوامل اقتصادی کمتر در آن اثر گذاشته‌اند. در این دوره بهترین فرصت برای افزایش صادرات به بدترین شکل مدیریت شد، تنها دو جا تحریم نشد: یک نفت شمال و دیگری چاهبار، اگر قبل از رسمی شدن و آغاز تحریم‌ها خودمان را آماده می‌کردیم و با اقتصاد دنیا گره می‌خوردیم، هیچ کس امروز جرئت تحریم ما را نداشت. قبل از هر تصمیم‌گیری باید با متخصصان و فعالان آن بخش جلسه گذاشته شود، مثلاً پیمان‌سپاری و سامانه نیما که مثل نورافکنی شده که به تحریم‌کننده‌ها کمک می‌کند که آنهايي که در آنجا حضور دارند را بشناسد. علت خروج سرمایه چیست و خروج دلارها توسط چه بخش‌هایی با این حجم می‌تواند انجام شود. ما در چهار مقطع مشکلات ارزی داشته‌ایم: یکی سال ۱۳۷۴ بود، زمان آقای هاشمی رفسنجانی، دیگر سال ۱۳۷۹ زمان آقای خاتمی و بعد سال ۱۳۹۱ زمان آقای احمدی‌نژاد و سال ۱۳۹۷ زمان آقای روحانی. صادرکنندگان واقعی که این مقاطع را دیده‌اند چرا باید اینقدر در حقشان ظلم شود و دست و پایشان را ببندند.

مراد محمدزاده

نایب‌رئیس انجمن تولیدکنندگان جوجه یک روزه

ضمن تشکر از این جلسه باید عرض کنم وضعیت گونه‌ای شده که باید گفت چه کنیم که زنده بمانیم؟ بنده در چند روز گذشته در چند کشور اروپایی تردد داشتیم و هر کار کردم بتوانم مبالغی برای خریدهای مرتبط با کارم جایجا کنم اصلاً نتوانستم. وضعیت ما چون با شکم مردم سروکار دارد تولید و اشتغال‌مان ادامه دارد و تا الان چندان کم نشده، بلکه مشکل برای چند ماه آینده است. تحریم‌ها چندان در صنعت مرغداری اثر نگذاشته، آن چیزی که اثر مخرب داشته رفتارهای نادرست و تصمیم‌های عاجل و ناهماهنگی‌های ارزی و عدم هماهنگی بین گمرک و بانک مرکزی و سایر دستگاه‌هاست که همکاری نمی‌کنند تا واکسن‌هایی که خریده شده و تا آخر سال کفایت می‌کند ترخیص شوند. مشکل اول ما در عدم هماهنگی دولت و بانک مرکزی و گمرک و وزارت صمت است که در بحث تخصیص ارز دعوا درست کرده‌اند، بانک مرکزی می‌گوید اگر اجناس از گمرک ترخیص شود دیگر به ما ارز نمی‌دهد و اگر بخواهیم واکسن و مواد اولیه مورد نیاز را ترخیص کنیم آن وقت باید برویم ارز آزاد تهیه کنیم. بنده خواهش‌م این است که دولت و بانک مرکزی اجازه دهند به دلیل تحریم‌ها، با ارزهایی که قبلاً تخصیص داده‌اند و ما کالا وارد کرده‌ایم، کالاها ترخیص شوند (به دلیل عدم هماهنگی ما بین ایشان و دستورالعمل‌های متناقض و مختلف تا این لحظه اجازه ترخیص نداده‌اند) تا بتوانیم انتظارات توری مردم را کنترل کنیم، ما تولیدکننده‌ها از اعتبارات شخصی خودمان در بازارهای بین‌الملل استفاده می‌کنیم تا نگذاریم چرخه تولید متوقف شود. مشکل دوم ما با سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان است، چرا افسار صنعت من در اختیار افرادی است که اطلاعات کمی از این صنعت دارند و قیمت‌گذاری می‌کنند، باید کار را به دست اتحادیه بسپارند که کاردان است، نه چند نفر تازه‌کار و دیپلمه که دارند ما را دچار تحریم داخلی می‌کنند. یک سدهایی در مقابل تولیدکننده درست کرده‌اند و ما را در تحریم داخلی گذاشته‌اند. ما الان اصلاً در خصوص مواد اولیه هیچ مشکلی نداریم و برای مصرف تا آخر سال واکسن‌ها در سردخانه فرودگاه امام وجود دارد، ولی نمی‌گذارند ترخیص شود. مشکل بعدی ما مقررات حاکم بر صنعت و تولید است که یک دفعه صبح با تغییرات مقررات مواجه می‌شویم. سه مشکل اصلی داریم:

- ۱- فرآیند دریافت مالیات ارزش افزوده و گرفتن آن فقط یک‌بار و آن هم از مصرف‌کننده نهایی
- ۲- تأمین اجتماعی که نقش مخلی از نظر بنده در تولید پیدا کرده و بر اساس ماده ۳۸ که به بهانه‌های مختلف از تولیدکننده جریمه گرفته می‌شود.
- ۳- فساد و نرخ‌گذاری و ارز دولتی (منظور ارز ۴۲۰۰ تومان است).



محمد جعفری فشارکی مدیر عامل مجمع ملی خبرگان کشاورزی کشور

۱۵ درصد تولید کشور و ۶۰ هزار نفر جمعیت در اختیار مجمع خبرگان کشاورزی است. بالاترین مقام تولید گندم یعنی ۷،۱۳ تن در هکتار را کسب کرده‌ایم. تحریم هیچ کاری به تولید ما ندارد. این دولت است که با قیمت ضمنی نامناسب و اعلام زودتر آن مشکلات عظیمی برای ما به وجود آورده است. چرا کاری نمی‌کنند که کشاورز برود به سمت برداشت بیشتر از هر هکتار؟ برای ۶ ماهه دوم گفته شده که قیمت پایه گندم ۱۴۷۰ تومان برای گندم نان است یا گندم درجه دو یا برای ماکارونی؟ که مبهم بیان شده است. اگر قیمت، افزایش پیدا نکند کشاورز می‌رود به سمت تغییر کشت و دیگر گندم مناسب نمی‌کارد و قطعاً با کمبود مواجه می‌شویم. در پسته هم ما از هر هکتار، ۱۵ هزار تن برداشت داشته‌ایم. در زعفران میانگین کشور هکتاری سه و نیم کیلو بوده و برخی از اعضا که در انجمن عضو هستند توانسته‌اند تا ۱۲ کیلو برداشت داشته باشند. باید الگوهای کشت بهبود پیدا کند. کشاورز آنقدر حیا دارد که گندم خالص و بدون ناخالصی تحویل بدهد. باید به سمت پایداری منابع آب برویم. در خصوص گیاهان دارویی نیز هیچ مشکل و ارتباطی با تحریم نداریم، لیکن به دلیل نبود استاندارد برای آنها، صادرات خاصی نداریم و از درآمد آن محروم هستیم. کشاورزی باید خودش برای خود تصمیم بگیرد و دولت باید از بخش‌های مختلف، تولیدکننده و صادرکننده و کشاورز و زنجیره‌های تولیدی دعوت کند و سپس تصمیمات مرتبط با هر بخش را با کمک ذینفعان و ذیربطان آن بخش بگیرد. پیشنهاد می‌کنم مناطق آزاد کشاورزی ایجاد کنیم تا ترانزیت مواد و محصولات کشاورزی را در تمام ۱۲ ماه برای تنظیم بازار داخل به راحتی داشته باشیم.



سیدرضا نورانی رئیس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی ایران



مشکل ما این است که هنوز در فکر واردات هستیم و اینکه از کجا و چگونه می‌توانیم بیشتر واردات کنیم و به پتانسیل داخلی اهمیت نمی‌دهیم. چرا از ۱۶ میلیون هکتار زمین که ظرفیت تولید ۱۲۰ میلیون تن محصول را دارد استفاده درست نمی‌کنیم. قیمت خرید از کشاورزان واقعاً ارزان است به خصوص گندم که ۱۴۷۰ تومان می‌باشد. تصمیم‌های یک‌شبه باعث هوشیاری دشمنان و سنگ‌اندازی جلوی صادرات شده است. چرا صادرات را گدا بار آورده‌ایم. همیشه باید یارانه بدهیم که صادرات بشود، برای چه؟ برای خوش به حال شدن واردات. یک شب تصمیم می‌گیرند پیمان‌سپاری کنند، یک شب تصمیم می‌گیرند ممنوع کنند، تصمیم می‌گیرند گوجه‌فرنگی صادر نشود، ولی نمی‌بینند چرا گران شد، چون امسال کاهش تولید داشته‌ایم. چرا از ظرفیت فکری و تجربه تشکل‌ها استفاده نمی‌شود؟ چرا گمرک بوشهر از سال ۱۳۹۱ تعطیل شده است؟ حالا مسیر ۱۶ ساعته (کویت ۸ ساعت، قطر ۷ ساعت، بحرین ۱۲ ساعت) الان برای تخلیه و بارگیری باید برود کشور ثالث و مسیر شده ۱۶ روزه، این درد نیست؟ سال گذشته میوه و تره‌بار برای هر کشتی باید ۴۵۰ دلار می‌داد و امسال بر اثر تحریم کرایه شده ۲۵۰۰ دلار، مگر می‌شود کالایشان را بیآورند و ۴ تا ۵ درصد بگیریم و آن وقت از کالای ما ۶۰ درصد بگیرند، خب وزارت امور خارجه چرا وارد نمی‌شود؟ چرا پروتکل‌های ما یک طرفه است؟ با این وضعیت قطعاً صادرات را تعطیل می‌کنیم، چرا باید با این سختی‌ها صادرات داشته باشیم و آخرش هم ضرر کنیم. قبلاً دو تا نرخ ارز داشتیم حالا شده نیما، سنا، ثانویه، نرخ آزاد، نرخ ۴۲۰۰ و... اینک نشد روش تصمیم‌گیری که مثلاً با سامانه‌ای شدن آمار موبرگی ما را هم به دشمن بدهند. درخواست ما این است که به تشکل‌ها به عنوان سرمایه نگاه شود و بیشتر از ظرفیت آنها بهره گرفته شود.

محمدعلی وحدتی، نماینده سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق



اما پرداخت‌ها تعهدات ارزی است و این اتفاقات به حجم بدهی‌ها دامن زده است. در پایان باید این نکته را عرض کنم که در حال حاضر این صنعت با توان داخلی امکان گذر از تحریم‌ها را دارد.

الان بالغ بر ۶۰ درصد برق مصرفی کشور توسط شرکت‌های غیردولتی تأمین می‌شود و ۴۰ درصد مابقی توسط بخش دولتی اعم از نیروگاه‌های برق آبی و حرارتی و اتمی است. به دلیل اعمال قیمت‌های تکلیفی برق و عدم پرداخت مطالبات بخش خصوصی عملاً انگیزه‌ای برای ورود بخش غیردولتی به صنعت برق وجود ندارد و همان‌طور که در نامه‌ای که از طرف وزارت اقتصاد برای ریاست جمهوری رفت ۱۸ نیروگاه برای عرضه وجود دارد و هیچ‌کس آماده خرید و سرمایه‌گذاری در آنها نشده است. در حال حاضر فقط برای حفظ وضع موجود نیازمند ۳۰ هزار میلیارد تومان هستیم. نکته جالب اینکه در بحث تهاوت بدهی‌ها در دولت آیین‌نامه‌ای نوشته شده است که طبق آن تهاوت بدهی‌ها مشمول بدهی‌هایی که منشأ صندوق توسعه ملی دارند، نمی‌شود. حال آنکه نیروگاه‌ها از وام‌های ۲۵۰ و ۳۰۰ میلیون یورویی صندوق استفاده کرده‌اند، اما اینها را از تهاوت محروم کرده‌اند. یعنی طلب‌ها ریالی است،

امیر حسین وصالی نماینده انجمن صادرکنندگان کالاهای صنعتی



ما با دو سری از مشکلات سروکار داریم: یکسری از مشکلات بر اثر تحریم‌هاست که سال‌هاست با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنیم و سری دیگر تحریم‌های داخلی است که در وضعیت فعلی ظاهراً این مشکلات داخلی خود را تحت لوای تحریم‌های خارجی پوشش داده‌اند در صورتیکه تحریم‌های داخلی و مشکلات ناشی از ناهماهنگی‌های داخلی بیشتر به ما آسیب می‌زنند. بزرگترین دغدغه ما عدم نظرخواهی و مشارکت بخش خصوصی واقعی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با وضع تولید و تجارت است. نتیجه این رویه کار فقط تشکیل جلسات مختلف با افراد گوناگون دولتی و غیردولتی در مکان‌های گوناگون و دور هم جمع شدن و خندیدن به مشکلات است و فقط مسئولان شاید چند چیزی بشنوند و بعد از جلسات انگار نه انگار. سیستم به جای آنکه بخش خصوصی را مشارکت دهد و کمک بخواند و کمک کند که چگونه با کمک همدیگر از این دوران سخت عبور کنیم، دائم به دنبال ضربه زدن و خارج کردن ما از میدان است. به زحمت طی چند سال راهمان را به بازارهای کشورهای گوناگون باز کردیم، حالا در شرایط فعلی به جای سهل کردن کار توسط وزارتخانه‌ها و دولت، انواع مجوز از ما می‌خواهند، در صدور مجوز تأخیر می‌اندازند و تازه بعد از صدور آن دیگر نمی‌توانیم پول جابجا کنیم، یعنی حتی نمی‌توانیم پول صادرات خودمان را از کویت، ترکیه، قطر، مالزی و... به داخل کشور بیاوریم. با وجود صحبت‌های آقایان که جابه‌جایی مشکلی ندارد، نه خیر آقا ما الان نمی‌توانیم انتقال پول دهیم، چه کسی پاسخگو است؟ باید بتوانیم رابطه‌مان را با کشورهایی که می‌توانیم پول جابجا کنیم بیشتر کنیم، اما زمان بر است و نیاز به حمایت داریم. درخواست اصلی ما صادرکنندگان عمده و مشخص و معتبر و ریشه‌دار این است که ارز حاصل از صادرات را بدون انتقال ارز به داخل بتوانیم در خارج یا جای دیگری کالا خرید و فروش کنیم و تجارت را توسعه دهیم. الان با بخشنامه ارزی جدید که باید تا دو ماه ارز را برگردانیم و بالای یک میلیون یورو باید پیمان‌سپاری کنیم و چه مقررات جدیدی که معلوم نیست تصمیم‌گیران از ما صادرکنندگان معتبر چه می‌خواهند.

علیرضا اسدی نماینده سندیکای صنعت برق ایران



دو بخش اصلی در برق داریم: یکی زنجیره تولید برق و بخش دیگر زنجیره تأمین برق شامل سازندگان و پیمانکاران و مراحل انتقال. عمده‌ترین مسأله ما بحث اختلاف قیمت فروش برق با بهای تمام‌شده آن است که سالیانه کسری بودجه سیستماتیکی را به صنعت برق تحمیل می‌کند. با برآورد ما بیش از ۲ هزار میلیارد تومان کسری بودجه داریم که این کسری منجر به بدهی به بخش خصوصی از جمله: سازندگان و پیمانکاران شده و سرریز آن به تولیدکنندگان برق فشار می‌آورد. البته کاهش اتلاف برق یا باید از طریق تغییر الگوی مصرف برق و شیوه مصرف آن اتفاق بیفتد که سیگنال اصلی‌اش قیمت برای خانوارهاست یا از طریق فناوری‌ها و تجهیزات مصرف برق در شبکه توزیع و انتقال و در اصل کاهش هزینه تمام‌شده برق است که نیازمند سرمایه‌گذاری بالایی است. در زنجیره تأمین کنندگان، سازندگان تجهیزات سیم و کابل و تابلو و ترانس و... نیازمند مواد اولیه‌ای هستند که با توجه به تغییرات نرخ ارز برای کالاهای وارداتی مورد نیاز و آمار بانک مرکزی و شاخص بهای تولیدات پایه، مهرماه ۱۳۹۷ نسبت به مهرماه ۱۳۹۶ در مس و آلومینیم ۸۹ درصد افزایش قیمت، در فرآورده‌های شیمیایی ۲۵۷ درصد افزایش قیمت (که بخش زیادی از تجهیزات مورد نیاز تولیدکنندگان است) به طور متوسط ۲۰ درصد افزایش قیمت داشته‌ایم. با توجه به اینکه قراردادهای این صنعت حداقل یک ساله است و طبق آن قراردادهای سقف تعدیل قیمت‌ها ۲۵ درصد است، عملاً با سازوکار تعدیل قیمت‌ها بسیاری از قراردادهای عملیاتی نشده‌اند. طبق آمار ما حدود ۵۰۰ پروژه به ارزش تقریبی ۳ هزار میلیارد تومان، متوقف شده و با تعدیل نیروی انسانی حداقل به میزان ۳۰ درصد مواجه شده‌ایم. نکته اساسی اینکه چون این صنعت دانش‌بنیان است، لذا نیروی انسانی موجود در آن بیشتر نیروهای متخصص و البته با سابقه هستند و این برای آینده بسیار خطرناک است که به سمت تعدیل نیروهای با سابقه و تجربه در حرکت کنیم. برای هر سال اگر بخواهیم تعادل تراز برق داشته باشیم باید سالیانه ۵ هزار مگاوات به ظرفیت تولید و نیروگاه‌ها اضافه کنیم که متأسفانه متوسط پنج سال گذشته تنها هزار مگاوات بوده است. به همین دلیل در سال گذشته به علت عدم تناسب عرضه و تقاضای برق خاموشی داشته‌ایم که با این روند قطعاً سال آینده با آن مواجه خواهیم بود. امسال علاوه بر افزایش شدید قیمت نهاده‌های تولید، با طلب بزرگ پیمانکاران مواجه هستیم که به دلیل عدم تخصیص مناسب بودجه، بدهی به آنها پرداخت نشده است. لازم است بیان شود که نرخ تنزیل اوراق تسویه در بازار با آنچه روی کاغذ ذکر می‌شود، بسیار متفاوت است و در کل فشار عدم وجود نقدینگی لازم برای این صنعت، پروژه‌ها را متوقف کرده و اثرش را در سال آینده نشان خواهد داد. در صنعت برق در سال ۱۳۹۶ بالغ بر ۱,۲ میلیارد دلار و در سال‌های قبل تر بالغ بر ۷۰۰ میلیون دلار واردات تجهیزات مورد نیاز داشته‌ایم.

رضا باکری، دبیر انجمن صنایع فرآورده‌های لبنی ایران



خام است، حدود ۷۰ درصد تولیدات کشور توسط واحدهای بزرگ صنعتی خریداری می‌شود؛ از طرفی نرخ در فروردین امسال ۱۴۰۰ تومان تحویل درب کارخانه بوده است.

بررسی کرده‌ایم که هزینه تمام شده تا الان پله پله افزایش یافته است، اما قیمت خرید تغییر نکرده؛ برای خردادماه به عدد ۱۵۵۰ تومان، در شهریور به ۲۰۰۰ تومان، الان به ۲۱۵۰ تومان رسیده، ۸۰ تومان هزینه حمل از گاوداری به کارخانه و اضافه پاداش و میکروبی و غیره هم ۶۰ تا ۷۰ تومان که به نرخ قیمت مطلوب ۲۳۰۰ تومان درب کارخانه می‌رسیم که تا این لحظه تغییر نکرده است و لازم است تا شرایط حمایتی سریع انجام شود. بحث دیگر افزایش قیمت مواد بسته‌بندی است که بسته به نوع مصرف آنها از ۱۱ تا ۲۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند. حالا با توجه به اینکه محصولات لبنی به عنوان کالای تحویل درب کارخانه به ۲۰۰۰ تومان تغییر یافته است که این مصوبه و اعلام آن بعد از برگزاری این جلسات اساسی نامیده شده و این کالای اساسی چون با امنیت غذایی مردم سروکار دارد باید تأمین شود، به موقع ارائه شود، با قیمت مناسب در اختیار قرار بگیرد، لذا پیشنهاد اصلی ما که به صورت مکتوب به نهادهای مرتبط داده‌ایم این است که به میزان ۲ میلیون تَن فرآورده حمایتی برای اقشار کم‌درآمد در سازوکار مشخصی با بهای تمام شده درب کارخانه بدون انحصار وصول در شبکه معینی توزیع شود که بتواند لاقل جمعیتی حدود ۲۵ میلیون نفر را پوشش دهد. در ۶ ماهه اول امسال ۱۸ درصد کاهش صادرات داشته‌ایم و از مهر تاکنون به حدود ۳۲ درصد کاهش در میزان صادرات رسیده‌ایم. پیشنهاد ما این است که لاقل دولت ورود مواد اولیه بسته‌بندی را صرفاً برای صادرات محصولات دیگر آزاد بگذارد. از مجلس می‌خواهیم همانند دولت تعلل نکند و بحث اصلاح مالیات ارزش افزوده را سریع‌تر اصلاح کند.

در بخش تولید و اشتغال در صنعت لبنیات ۲۰ درصد کاهش تولید را از تیرماه تا الان داشته‌ایم. یعنی کاهش ۲۰ درصد در دریافت شیر خام و کاهش ۲۰ درصد در فرآورده‌های تولید لبنی؛ هرچند وزارت جهاد این آمار را قبول ندارد، اما خوب مگر می‌شود شیر یک دفعه گم شده باشد. علت چیست من دقیقاً نمی‌دانم. بررسی کرده‌ایم که آیا گاوها رفته‌اند کشتارگاه، آمار سازمان کشتار را بررسی کردند گفتند نسبت به سال گذشته تغییری نداشته‌اند؛ بحث شیر خشک را بررسی کرده‌ایم که آیا شیر رفته در واحدهای تولید شیر خشک، دیدیم که نه؛ ممنوعیت صادرات شیر خشک را دولت از شهریورماه گذاشته است در صورتیکه ممنوعیت صادرات هیچ اثری در بازار نگذاشته، گفتیم قاچاق شده بررسی کردند گفتند به راحتی امکان ندارد، آمدیم تقاضا کردیم که سازمان نظارت، واحد بازرسی خود را در کارخانجات شیر خشک مستقر و آمار دقیق را اعلام کند، بعد فهمیدیم تازه ورود شیر خام به این واحدها هم ۵۰ درصد کاهش یافته، چرا، چون در سال ۱۳۹۶ حدود ۷۰ هزار تَن مصرف شیر خشک داشته‌ایم و حدود ۳۴ هزار تن نیز صادرات در سال ۱۳۹۵ نیز علاوه بر تأمین مصرف داخل حدود ۲۴ هزار تن نیز صادرات، یعنی نه تنها مصرف داخل را کامل جواب می‌داد، صادرات هم داشته‌ایم. بررسی شد که تولید شیر این مجتمع‌ها روزانه حدود ۲۵۰۰ تَن بوده، یعنی نصف سال قبل، پس نتیجه گرفته‌ایم که مشکل در همان فرآیند اولیه تولید شیر است، یعنی باید از هر گاو روزانه ۵۰ تا ۶۰ کیلو شیر دریافت شود چون الگوی تغذیه آنها تغییر کرده شده روزی ۳۰ کیلو شیر. به عبارتی مدیریت‌های غلط و تغییر الگوی تغذیه باعث شده رژیم غذایی حیوان تغییر کند و این موضوع قطعاً در زمان به ساختار بیولوژیک آن آسیب می‌رساند. اثر این اتفاق تا الان کاهش حدود ۵۰ درصدی نیروی انسانی و تعطیلی برنامه‌های توسعه‌ای واحدها بوده است که در طول زمان تعدیل نیروها به سمت نیروهای با سابقه بالا خواهد رفت. مشکل از آنجاست که با تغییر مقررات و تعرفه‌ها و مشکلات ارزی در بخش واردات تغذیه دامها که شروع این زنجیره تولید است به مشکلات اساسی برخورد کرده‌ایم. دامدار باید ۴۰ تا ۶۰ روز بار ذرتش در گمرک بخواهد، با بعد از آن مشکل اعتصاب در حمل و نقل را داشته‌ایم و بارنامه ۲/۵ میلیون تومانی شده ۵ میلیون تومان. به عبارتی چون دولت قادر نیست سیاست‌های هماهنگ در طول زنجیره دینفعان عمل کند و تضاد منافع ایجاد می‌کند، مابین واردکننده نهادهای دامی و مصرف‌کننده آن نهادهای شرکت‌های حمل و نقل کشور و ایضاً بین دامدار و تولیدکننده فرآورده‌های لبنی تا به دست مصرف‌کننده نهایی برسد در نهایت باعث ضرر و زیان مالی و حاصلش کاهش تولید شده است. مسأله دیگر بحث قیمت خرید شیر

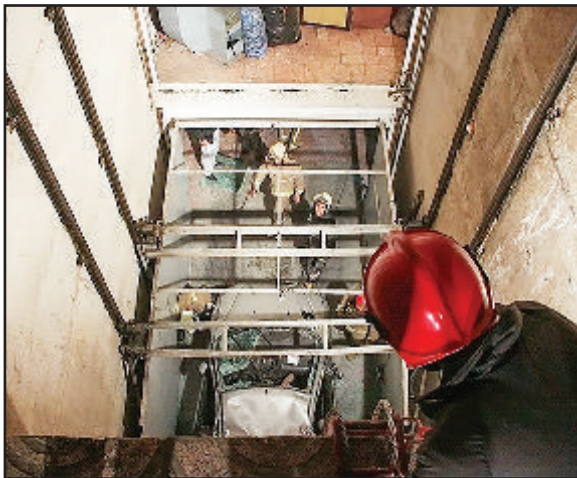
پرویز غیاث‌الدین، نماینده سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق



هستند که غالباً انسان‌های مستضعف و متوسط رو به پایین هستند؛ لذا افزایش قیمت برق هیچ تأثیری بر کاهش آن نخواهد داشت.

در انتقال و توزیع، همه تجهیزات ما داخلی است، مشروط بر اینکه تمام شرکت‌های سازنده را حفظ کنیم، اما در تولید وابستگی خارجی داریم، با توجه به عدم افزایش قیمت مواد اولیه ما که عمده آن سوخت می‌باشد، انگیزه‌ای برای افزایش راندمان در تولید برای واحدهای تولیدی دولتی وجود ندارد. حجم سرمایه‌گذاری شرکت‌های تولیدکننده برق غیردولتی بالغ بر ۲۲ میلیارد یورو است. در تولید برق یک دوره پرمصرف در تابستان داریم. که بالغ بر ۶۰ هزار مگاوات مصرف و یک دوره کم مصرف در زمستان داریم که بالغ بر ۳۵ هزار مگاوات مصرف داریم؛ لذا فصل زمستان و الان زمان تعمیرات نیروگاه‌هاست. قرار شده حدود ۵۰۰ میلیون دلار دولت به مینا بدهد که بخشی یوان و بخشی دینار عراق است تا به نیروگاه‌ها برای تعمیرات ضروری آنها داده شود. در خصوص سیاست‌های کنترل پرمصرف‌ها باید دقت شود که عمده پرمصرف‌ها در استان‌های گرمسیری و مرکز کشور

عباس ابریشمی نماینده سندیکای صنایع آسانسور و پله برقی ایران



در سال ۱۳۹۲ تولید ما ۷۵ هزار دستگاه بود. در سال ۱۳۹۶ تولید به ۲۵ هزار دستگاه و برای ۱۳۹۷ پیش‌بینی می‌کنیم حداکثر به ۲۰ هزار دستگاه برسد، نیروی کار ما برای تولید حدود ۸۰ هزار دستگاه است، پس مسلماً با کاهش تولید بر اثر رکود ساختمان‌سازی باید تعدیل صورت گیرد. در اصل این شرکت‌های بزرگ هستند که آسیب می‌بینند.

تعرفه واردات قطعات ۲۵ درصد است، اما تعرفه واردات آسانسور کامل ۳۲ درصد و وضع به گونه‌ای شده که در سال ۱۳۹۲ از ۱۷۰ میلیون دلار واردات بخش ما تنها ۷ میلیون دلار پکیج کامل بوده، اما در سال گذشته از ۷۸ میلیون دلار واردات، ۱۸ میلیون دلار آسانسور آماده بی‌کیفیت خصوصاً از چین وارد شده است.

باید تعرفه واردات آسانسور کامل ۱۰۰ درصد بشود. ظاهراً برای واردات قطعات دست‌های آلوده به فساد در کار است که فقط مجوز واردات برخی قطعات را به برخی شرکت‌ها می‌دهند که باعث ایجاد انحصار و فساد شده است.

پیشنهاد ما این است که قانون استاندارد آسانسور وضع شود تا فقط شرکت‌هایی که تعهد خدمات پس از فروش می‌دهند، بتوانند کالا تولید یا وارد کنند.

سیامک طبیبی نماینده انجمن‌های صنایع غذایی ایران

صحبت‌های اصلی را پیشکسوتان فرمودند، اعلام گروه‌بندی‌های دولت از همان ابتدا برای تأمین مواد اولیه و مورد نیاز برای این صنعت ناهماهنگی‌هایی ایجاد کرده است. افزایش هزینه‌های بسته بندی تا حدود ۳۰ درصد، هزینه قطعات ماشین‌آلات تولیدی و تعمیرات آنها که همه باید از ارز آزاد استفاده کنند، به شدت دچار افزایش قیمت شده‌اند. عمده مشکلات ما این است:

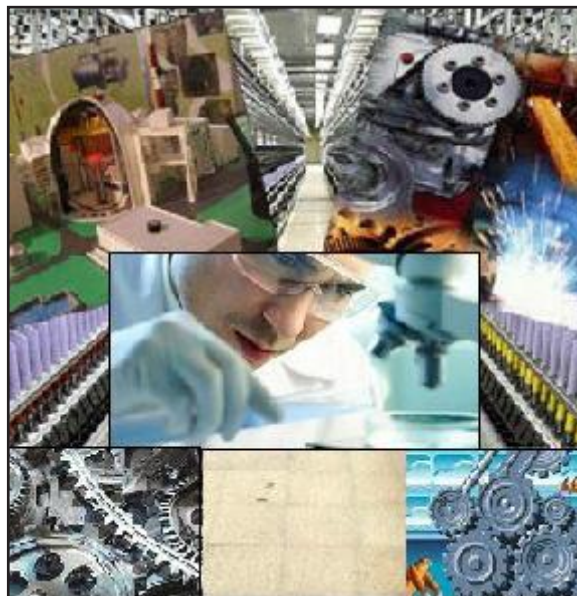
۱- صنایع ما به شدت به واردات وابسته‌اند، لذا افزایش قیمت ارز منجر به بالا رفتن زیاد قیمت تمام شده می‌شود.

۲- بخش اصلی تصمیم‌گیری دولت است که بدون مشورت از بخش خصوصی واقعی و تشکیلات ذیربط آن اقدامات غافلگیرکننده انجام می‌دهد. دولت به اقتضای صنایع و زمان، تسهیلات ویژه و سرمایه در

علی مهاجری

دبیر انجمن صادرکنندگان صنعتی، معدنی و خدمات مهندسی

آماري که از صادرات بیان می‌شود با آماری که گمرک ارائه می‌دهد بسیار تفاوت دارد. با آمارهای واقعی، یعنی نرخ‌های ارزی جدید میزان پیمان‌سپاری‌ها بسیار بالاتر از میزان واقعی صادرات ماست. چرا؟ مثلاً رزین آرتیپ که تا ۶ ماه پیش صادر می‌کردیم تئوری ۲۲۰۰ دلار الان شده ۱۱۰۰ دلار و حتی تا ۸۰۰ دلار هم کم شده، اما گمرک این را قبول ندارد و بر اساس آمار قدیمی عمل می‌کند. یعنی آمار صادرات واقعی ما بسیار کمتر از آماری است که رسماً اعلام می‌شود. حالا شروع شده به اصلاح نرخ‌های صادراتی، ولی خیلی کند پیش می‌رود درحالی‌که در زمان تحریم باید تیم‌های متخصص شبانه‌روز کار کنند و سریع اصلاحات اعمال شود. الان باید بر اساس همان نرخ قدیمی پیمان‌سپاری ارزی بشود، یعنی بر اساس نرخي که ما با نصف آن صادر می‌کنیم درحالی‌که در وضعیت فعلی، الان باید دو برابر صادرات پیمان‌سپاری ارزی کنیم.



کجای دنیا با تولیدکننده و صادرکننده این گونه رفتار می‌کنند. نرخ واقعی صادرات با آن چیزی که اعلام می‌شود ۳۰ تا ۴۰ درصد تفاوت دارد. ببینید صادرکنندگان دچار ابهام هستند، عملاً به دلیل سردرگمی که بانک مرکزی ایجاد کرده دوستان برایشان شفاف نیست که با چه مکانیسمی باید کار کنند و نمی‌دانند باید به چه کسی، دارایی، گمرک و... چه چیزی را پاسخ بدهند، درست است که در سامانه گمرک تنها تیک تعهد پیمان‌سپاری ارزی می‌خورد و سه ماه هم زمان منطقی برگشت ارز شده، اما چه کسی توانسته تا الان ارز خود را انتقال بدهد؟ باید تعهداتی که درخواست می‌کنند صادرکنندگان بدهند مبنای حقوقی و قانونی و قابلیت اجرایی داشته باشد، نه صوری و به گونه‌ای باشد که در آینده انواع مشکلات جدیدی را برای ما ایجاد کند. تعدد بخشنامه‌های ارزی از جمله تناقضات آنها، مثلاً معافیتی که برای صادرکنندگان به عراق و افغانستان به صورت ربالی بوده حالا گفتند لغو شده و باید از ۶ ماه قبل بیاییم پرداخت کنیم، این مگر شدنی است.

سهراب قصاعی نماینده انجمن صنایع چینی ایران

ما صنعتگران همواره در تحریم بوده‌ایم و توانسته‌ایم آنها را رد کنیم، اما الان شرایط سخت‌تر و مشکل‌تر شده و به نظر باید بحث FATF و CFT هر چه زودتر در نهادهای مربوطه تعیین تکلیف و تصویب شود که در صورت عدم این اتفاق مشکلات سخت‌تری در انتظارمان خواهد بود. عدم ارتباط با خارج باعث شده که تسویه مالی توسط صراف‌ها؛ آن هم با نرخ‌های نامعلوم، هزینه‌های ما را به شدت افزایش داده است. تعداد زیاد بخشنامه‌ها و عدم هماهنگی بین گمرک و بانک مرکزی و وزارت صمت به نوعی تحریم داخلی است که باعث شده دریافت مجوزهای لازم ۶ ماه طول بکشد. بحث دیگر مسأله تسویه وام‌ها و وثیقه‌هایی است که بابت پیمان‌ها گرفته شده، یک سردرگمی و پیچیدگی و ناهماهنگی بین گمرک و بانک‌ها وجود دارد که معلوم نیست با چه نرخ‌ی باید تعیین تکلیف کنند. به عبارتی بابت سپرده‌هایی که گذاشته‌ایم هنوز نمی‌دانند که پیمان‌هایی که با ارز ترجیحی داده‌اند با چه نرخ‌ی باید تسویه کنیم و بانک هم پول را بلوکه کرده و نگه داشته و ما دوباره نمی‌توانیم مواد اولیه جدید مورد نیاز را بخریم.



بحث آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های متعدد باعث بلاتکلیفی هم گمرک و هم واردکننده و تولیدکننده شده است. بروکراسی تخصیص ارز نیمایی که در وزارت صمت ۳ ماه و بانک مرکزی ۴ ماه و تازه با ۶ ماه تأخیر شاید تصویب‌نامه‌اش می‌آید. از یک طرف تشویق صادرات می‌شود و جایزه صادراتی و از طرف دیگر پیمان‌سپاری ارزی طلب می‌کنند که اینها در تناقض است. الان اگر بالای یک میلیون یورو صادرات کنیم باید بریم به سیستم نیما. خوب این سیستم چه خدمت مازادی به ما می‌دهد، ما احتیاج به واردات مواد اولیه داریم و این سیستم جواب درست نمی‌دهد. ظرفیت تولید ما حدود ۲۰ درصد کاهش یافته است و برای سال آینده هم ۲۰ درصد تولید و هم ۲۰ درصد اشتغال‌مان افت خواهد داشت. طرح‌های توسعه را متوقف کرده‌ایم و در حل پیچیدگی‌های واردات مواد اولیه گیر کرده‌ایم. برخی از واحدهای چینی تا ۶۰ درصد به واردات وابستگی دارند. قیمت EPS که ماده اولیه بسته‌بندی است و پتروشیمی در بورس ارائه می‌دهد از اردیبهشت‌ماه تا الان ۳۵٪ برابر شده است. اکسید آلومینیوم که ماده اولیه مورد نیاز است توسط یک انحصار شرکت خصوصی ۳۵ تا ۴۵ درصد گران شده است. ما هم چندان نمی‌توانیم محصول‌مان را گران کنیم، چراکه بازارها و توان مردم و دستمزد آنها افزایش خاصی پیدا نکرده است.

محمود احساسی

نماینده انجمن صنایع شوینده، بهداشتی و آرایشی ایران



در مقطع بعد از نوسانات ارزی، قیمت مواد اولیه و اقلام بسته‌بندی حدود سه تا سه‌ونیم برابر افزایش پیدا کرده است. مهر ۱۳۹۷ نسبت به اردیبهشت ۱۳۹۷ قیمت اسید سولفوریک که به عنوان ماده اصلی پودر شوینده و مایعات ظرفشویی است از چهارصد هزار تومان به یک میلیون و سیصد هزار تومان رسیده است؛ هگزا که ماده اصلی شامپو و مایعات دستشویی است از ۴۸۰۰ به ۱۲۰۰۰ رسیده است و مقوا برای بسته‌بندی محصولات از ۳۲۰۰ به ۹۵۰۰ رسیده و پت از ۶۰۰۰ به ۲۷۰۰۰ تومان رسیده است، لکن با برداشته شدن سقف بورس و کوتاه شدن دلال‌ها به ۱۳۰۰۰ تومان رسیده است. به عبارتی نشان می‌دهد که افزایش قیمت محصولات پلیمری چهار تا پنج برابر شده که قیمت محصولات را از ۱۵۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش داده است. اما با توجه به تفاهمنامه‌ای که با سازمان حمایت بسته‌ایم ما در این مقطع از ۴۴ تا ۶۰ درصد روی قیمت محصولات نهایی کشیده‌ایم. لکن کاهش واردات محصولات مشابه و بالا رفتن هزینه قاچاق باعث شده تولیدکنندگان ما کاهش نیرو نداشته باشند و تولید را ادامه دهند. در خصوص مواد آرایشی بر اساس گزارش ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز بالغ بر ۶۳ درصد بازار محصولات آرایشی توسط قاچاقچیان تأمین می‌شود و تولیدکنندگان داخلی نیز تنها با ۲۵ درصد ظرفیت تولید کار می‌کنند، در حالیکه می‌توانند بالغ بر ۹۰ درصد نیاز بازار را پوشش دهند.



گردش در اختیار بنگاه‌های کوچک قرار دهد و مشکلات مالیاتی و بیمه تأمین اجتماعی را زودتر حل نماید.

اسماعیل بازاری نماینده انجمن صنفی لوازم خانگی ایران



بالغ بر ۱۰۰۰ واحد تولیدکننده لوازم خانگی داریم که در حال حاضر فقط ۸۰۰ واحد در حال فعالیت هستند و با همین روند اگر حمایتی از آنها نشود، سال آینده شاید ۳۰۰ واحد بیشتر باقی نمانده باشد و بقیه جمع می‌کنند. تولید بنگاه‌های کوچک ما حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد از واحدها را شامل می‌شود. در یخچال و فریزر ۱۴۰ واحد تولیدی با ظرفیت ۳,۲ میلیون دستگاه در سال ۱۳۹۶ حدود ۱,۱ میلیون دستگاه تولید کرده‌اند، در حالیکه این آمار در همین ۶ ماهه ۱۳۹۷ حدود ۴۶۲ هزار دستگاه بوده، یعنی ۵۰ درصد کسر تولید. در ماشین لباسشویی ۱۲۳ واحد تولیدی با ظرفیت ۱,۹ میلیون دستگاه در سال ۱۳۹۶ حدود ۸۷۰ هزار دستگاه تولید کرده‌اند. در حالیکه این آمار در همین ۶ ماهه ۱۳۹۷ حدود ۲۴۷ هزار دستگاه بوده، یعنی افت شدید تولید. نکته اینجاست که با افزایش ارزش و قیمت کالای وارداتی قاعدتاً باید تمایل به سمت کالای داخلی و فروش آنها نیز زیاد شود، اما آمار تا الان این را نشان نمی‌دهد.

کارخانه سینجر که ۶۰۰ کارگر داشته الان با حدود ۳۵۰ کارگر کار می‌کند و بقیه نیز حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد نیرو کم کرده‌اند که با همین روند به سمت تعدیل نیروی ماهر و واقعی می‌روند، به دلیل آنکه باید نقدی بخرند و کالای خود را نسیه بفروشند، یعنی جریان نقدینگی آنها مختل شده است. دلیل دیگر آنکه بهره بانکی را که گرفته‌اند نمی‌توانند پاسخ دهند، دلیل دیگر طولانی شدن ثبت سفارش تجهیزات مورد نیاز و خرید و ترخیص، تا رسیدن به مرحله تولید که قبل از این اتفاقات حدود ۲ تا ۳ ماه بوده و الان به بیش از ۶ ماه شده است، مسأله دیگر وابستگی‌های ارزی این صنعت و هزینه‌های جانبی و مالیات بر ارزش افزوده است که مجموعاً هزینه‌های تولید را به شدت افزایش داده است. فولاد مبارک که قیمت محصولات را تا ۷۰ درصد و صنایع پتروشیمی تا ۱۲۰ درصد بالا برده‌اند. به عبارتی عمده‌ترین مشکل صنایع لوازم خانگی الان تأمین نقدینگی مورد نیاز است. ما دنبال راه اندازی پژوهش‌کننده لوازم خانگی هستیم، برخی از تولیدات ما قابل رقابت با محصولات ایتالیا و کره و ترکیه است، لکن تقاضا داریم که صداوسیما و نهادهای مربوطه بر مصرف لوازم خانگی ایرانی بیشتر تبلیغات کنند.

سحر رکنی نماینده خانه معدن ایران



بخش معدن چون تولیدکننده‌ای است که ماده اولیه و اصلی را در اختیار دارد، لذا مشکلی از بابت افزایش قیمت مواد اولیه و ارزش نخواهد داشت، اما مشکل عمده ما کهنه بودن ماشین‌آلات و عدم امکان ورود تجهیزات برای نوسازی این ماشین‌هاست. قیمت تجهیزات ۲/۵ تا ۳ برابر شده و قیمت لاستیک لیفتراک از ۷۰ میلیون تومان به ۱۸۰ میلیون تومان رسیده است. به عبارتی تأمین لجستیک بخش معدن با مشکل مواجه شده خصوصاً بحث پیمان‌سپاری اخیر که واقعاً نوعی تحریم داخلی است. به عبارتی اگر بخواهیم برای سال ۱۴۰۲ به تولید ۷۰۰ میلیون تن برسیم نیازمند زیرساخت‌های حمل و نقل و راه آهن و بنادر هستیم که دورنمای کار متأسفانه روشن نیست. مسأله دیگر برخی از قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار و عملیاتی شدن پنجره واحد است که بر زمین مانده است.

عرفان نوری نماینده انجمن صنفی لوازم خانگی ایران



ما در لوازم خانگی با بحث قاچاق و عدم حمایت‌های لازم با تولیدکننده داخلی مواجهیم. البته کیفیت بسیاری از محصولات ما قابل قبول است، لکن فرهنگ‌سازی نشده تا کالای ایرانی در اولویت مصرف قرار بگیرد. بحث دیگر فساد در قسمت‌های گوناگون از جمله در تعیین اولویت‌های واردات و ثبت سفارش‌های خاص است. بنده قول می‌دهم اگر با همین منوال جلو برویم و اصلاحات انجام نگیرد تا دو سال آینده در حوزه لوازم خانگی از بیش از نیمی از برندها اثری نباشد. باید شرایطی ایجاد شود که قوانین و مقررات نظارتی خصوصاً در قسمت گمرک حاکم شود. باید مطالعاتی در خصوص تغییر فرهنگ الگوی مصرف انجام پذیرد.



مصیبت یارانه‌های ناپیدا

با توجه به نقشی که دولت‌ها در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورها دارند، سیاست‌های حمایتی همواره برای پشتیبانی از گروه‌های خاص اتخاذ و اجرا شده‌اند. دولت‌ها به منظور فقرزدایی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و با هدف تأمین عدالت اجتماعی، توزیع مجدد درآمدها، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و حمایت از تولید داخلی در قالب پرداخت‌های انتقالی به سیاست‌های حمایتی روی آورده‌اند. زیرا به‌رغم آنکه رفاه اجتماعی و بهبود شرایط زندگی مردم به وضعیت اقتصادی و نرخ رشد آن بستگی دارد و در حقیقت برای ارتقای سطح کیفیت زندگی در جامعه، افزایش تولید و حرکت منظم چرخ‌های اقتصاد کشور ضروری است، لیکن همواره گروهی از گردونه رشد جا می‌مانند و نیازمند حمایت‌های دولت‌اند. ابعاد حمایت دولت عموماً در شرایط نامساعد اقتصادی دامنه وسیع‌تری می‌یابد و پوشش بیشتری می‌طلبد. در مورد تولید نیز حمایت از تولیدات داخلی و واحدهای تولیدی نوزاد در برنامه سیاست‌های حمایتی دولت‌ها قرار می‌گیرد.

دو وظیفه عمده دولت‌ها ارائه کالای عمومی و اجرای سیاست‌های باز توزیعی جهت حمایت از اقشار هدف است. تأمین زمینه‌های لازم برای حصول عدالت اجتماعی و توزیع مجدد ثروت به نفع طبقات کم‌برخوردار از وظایف اصلی دولت‌ها به‌شمار می‌آید. در این راستا، یارانه‌ها از ابزارهای مهم اقتصادی جهت حمایت از اقشار آسیب‌پذیر است. با این حال، پرداخت یارانه تا هنگامی که هدفمند نباشد، نمی‌تواند سیاستگذاران را به مقصود برساند. در واقع، هدفمند کردن یارانه و اختصاص آن به گروه‌های هدف، با حصول عدالت اجتماعی، از اتلاف منابع ممانعت می‌کند. در مقابل، پرداخت عمومی به لحاظ عدم شناسایی دقیق اقشار آسیب‌پذیر، منجر به فزونی هزینه سیستم در مقایسه با منافع تعلق گرفته به گروه‌های هدف، انتفاع بیشتر برخورداران نسبت به فقرا، گسترش فساد در سیستم‌های توزیع یارانه، محرومیت طیف وسیعی از خانوارهای فقیر (به‌ویژه در مناطق روستایی) از یارانه‌ها می‌شود.

اقتصاد ایران طی دهه اخیر با افزایش سطح یارانه‌های پنهان و اختلال در کارکرد قیمت‌های نسبی مواجه بوده است. ابعاد اثرگذاری معیشتی و تولیدی این موضوع در کنار محدودیت‌های درآمدی دولت در شرایط تحریم، سبب شده توجه به منابعی که در قالب یارانه‌های پنهان، فرابودجی‌های و بودجی‌های تخصیص می‌یابند و لزوماً به هدف اصابت نمی‌کنند بیشتر شود. در این راستا، هدفمندسازی یارانه‌ها و اصلاح قیمت‌های نسبی از راهکارهای خروج از وضعیت موجود و یکی از ارکان اصلی اصلاحات ساختاری اقتصاد ایران به شمار می‌رود.

♦ انواع یارانه‌ها

بررسی رفتارهای حمایتی دولت نشان می‌دهد منابع از سه طریق برای پوشش معیشت و تولید

استفاده شده‌اند: بخشی در قالب ردیف‌های بودجی‌های احصای می‌شوند و با توجه به عملکرد بودجه در هر سال تحقق می‌یابد. بخشی با این وجود که در قالب رابطه مالی دولت و سایر فعالان اقتصادی طرح می‌شوند، اما لزوماً در بودجه سالانه ردیف مشخص ندارند و در نهایت، بخشی از منابع با قیمتی زیر قیمت جایگزینی در اختیار آحاد اقتصادی قرار می‌گیرند. این سه مورد در ادامه تعریف و ارقام تقریبی آنها تخمین زده شده است.

♦ یارانه بودجی‌های

به منظور بررسی هزینه‌های عمومی با ماهیت یارانه‌ای، ابتدا تصویر کلان هزینه‌های عمومی بیان می‌شود. بر اساس لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ اعتبارات هزینه‌ای در سال ۱۳۹۸ معادل ۳۲۰ هزار میلیارد تومان

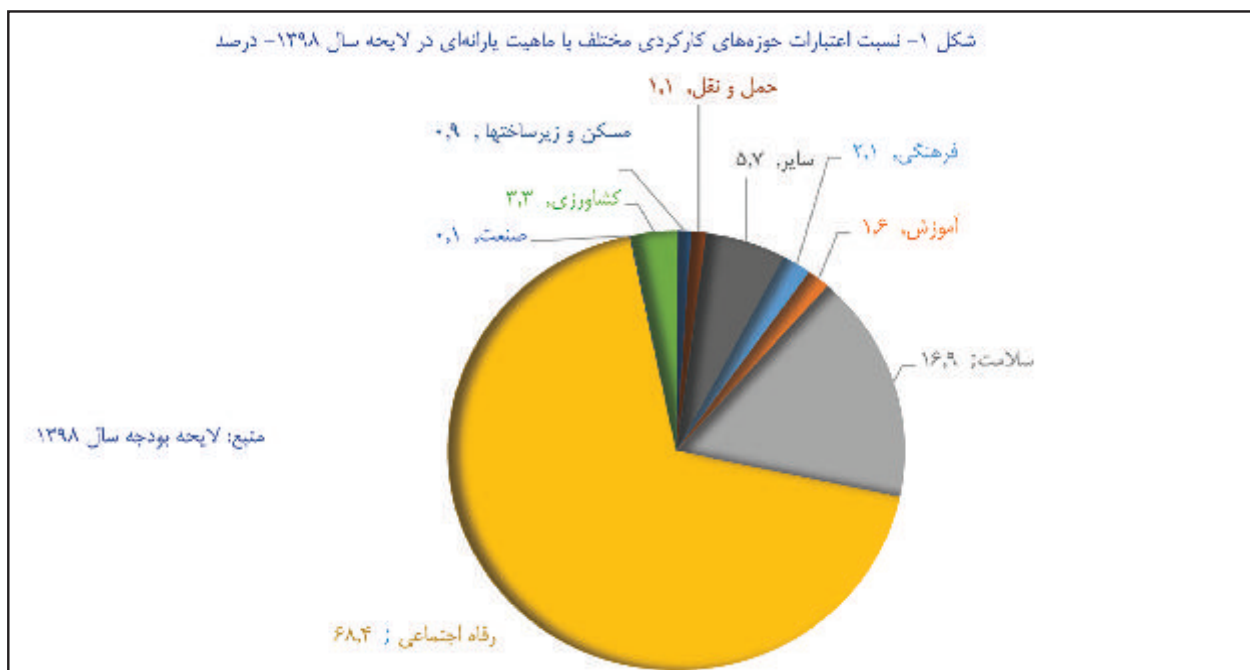
برآورد شده که نسبت به مصوب سال ۱۳۹۷ در حدود ۹،۱ درصد رشد داشته است. این امر از تبعیت از سیاست کنترل و کاهش هزینه‌ها و عدم پیروی از تورم پیش‌بینی شده برای سال آتی حکایت می‌کند. ترکیب اعتبارات هزینه‌ای ذیل طبقه‌بندی اقتصادی هزینه‌ها حاکی از آن است که در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ سهم فصل چهارم که بخشی از یارانه‌های اعطایی دولت به بنگاه‌های اقتصادی ذیل آن طبقه‌بندی شده‌اند، ۲۴ درصد افزایش یافته است. با توجه به اینکه یارانه‌های حمایتی دولت به اقشار غیرکارکن دولت نیز طبق تعریف ارائه شده در این گزارش، یارانه تلقی می‌شود بخشی از فصول کمک‌های بلاعوض و رفاه اجتماعی نیز ماهیت یارانه‌ای دارند و باید به کمک ردیف‌های برنامه‌ای استخراج شده و میزان اعتبارات مندرج در آنها مورد توجه قرار گیرد.

جدول ۱: فصول هزینه‌های عمومی - میلیارد تومان - درصد

عنوان	مصوب ۱۳۹۷	سهم	لایحه ۱۳۹۸	سهم	رشد
فصل اول: جبران خدمات کارکنان	۷۳،۷۲۵	۲۵،۰۰۸	۹۵،۲۲۹	۲۹،۷	۲۹،۲
فصل دوم: کالا و خدمات	۲۶،۴۷۳	۹	۲۲،۲۷۶	۷،۲	-۱۱،۷
فصل سوم: اموال و دارایی	۱۲۷	۰،۰۰۵	۱۹	۰،۰	-۸۶،۱
فصل چهارم: یارانه	۹،۳۸۷	۳،۱۹	۱۱،۶۳۷	۳،۶	۲۴،۰
فصل پنجم: کمک بلاعوض	۷،۶۷۵	۲،۶۱	۶،۴۷۰	۲،۰	-۱۵،۷
فصل ششم: رفاه اجتماعی	۱۰۲،۱۸۷	۳۴،۷۶	۱۲۲،۵۸۷	۳۸،۲	۲۰،۰
فصل هفتم: سایر هزینه‌ها	۷۴،۴۱۰	۲۵،۳۱	۶۱،۲۷۳	۱۹،۱	-۱۷،۵
جمع	۲۹۳،۹۹۵	۱۰۰	۳۲۰،۶۹۱	۱۰۰،۰	۹،۱

منبع: قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور و لایحه بودجه سال ۱۳۹۸

بررسی سهم اعتبارات یارانه‌ای در حوزه‌های مختلف کارکردی دولت نشان می‌دهد حوزه‌های رفاه اجتماعی و سلامت به ترتیب با ۶۸/۴ و ۱۶/۹ درصد بیشترین سهم را از کل اعتبارات با ماهیت یارانه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند.



عرضه می‌شود. این نهادها موظفند، منابع مورد نیاز اجرای این طرح‌ها را از دولت دریافت کنند. ممکن است تعهدات دولت در یک سال مالی به این نهادها به صورت نقدی یا غیرنقدی پرداخت شود، یا به علت کمبود منابع در اختیار دولت بدهی دولت به این نهادها افزایش یابد اما پرداختی در آن سال مالی صورت نگیرد. با توجه به اینکه در نهایت دولت بدهی خود به این نهادها را بازپراخت خواهد کرد این یارانه‌ها را باید در ردیف یارانه‌های اعطایی دولت طبقه‌بندی نمود. مهم‌ترین یارانه‌های پرداختی از طریق نهادهای عمومی غیردولتی عبارتند از:

۱- یارانه‌های اعطایی از طریق صندوق تأمین اجتماعی شامل: ۳ درصد حق بیمه سهم دولت بابت کلیه شاغلین، معافیت کارفرما از پرداخت حق بیمه شاغلین در کارگاه‌های دارای تا ۵ کارکن، ۲ درصد حق بیمه حرف و مشاغل، سهم دولت بابت حق بیمه دوران سربازی، حق بیمه ایام اسارت آزادگان و محکومین سیاسی، سهم دولت بابت حق بیمه رانندگان، خدمین، باربران و بند ب ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷ قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، بر خورداری فرزندان شهدا از کلیه امتیازات مقرر جانبازان ۵۰ درصد و بالاتر، تأمین ۱۰۰ درصد هزینه درمانی ایثارگران، قوانین جانبازان، افزایش مدت مرخصی ایام بارداری، تعهد دولت بابت اقشار خاص، بند «الف» ماده ۴۹ قانون برنامه سوم توسعه تنفیذ شده در ماده ۱۰۳ قانون برنامه چهارم، پنجاه درصد حق بیمه تا بازنشستگی ماده ۱۰ نوسازی صنایع و مستمری سنوات ارفاکی ماده ۱۰ قانون نوسازی صنایع، همسان‌سازی حقوق مستمری‌بگیران (بند ۳۹ قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور)، احتساب ایام بیکاری به عنوان سابقه اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور.

۲- یارانه‌های اعطایی از طریق شهرداری‌ها شامل: اوراق مشارکت و فاینانس قطارهای شهری، یارانه حمل و نقل شهری، تسهیلات و منابع مورد نیاز برای احیای بافت فرسوده.

♦ یارانه‌های اعطایی از طریق شرکت‌های دولتی

شرکت‌های دولتی مباشر در نتیجه مداخله دولت در قیمت‌گذاری کالا و خدمات در سال مالی ممکن است با کسری منابع روبه‌رو شوند و این کمبود را از طریق دریافت تسهیلات بانکی در تضمین دولت، انتشار اوراق مالی اسلامی در تضمین دولت یا مجوزهای برداشت از سایر منابع در اختیار دولت مانند صندوق توسعه ملی

منابع نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی، ۱۴۰ هزار میلیارد تومان تخمین زده می‌شود. همچنین مجموع تسهیلات تکلیفی و تحت تضمین دولت از شبکه بانکی در سال ۱۳۹۸ بالغ بر ۷۲ هزار میلیارد تومان تخمین زده می‌شود. با توجه به اینکه دولت منابع پایدار و نقد برای تأمین این هزینه‌ها در اختیار ندارد، در نهایت تمام این اعتبارات از منابع ناپایدار تأمین می‌شود و در میانمدت می‌تواند بودجه دولت را ناپایدار کند. در ادامه انواع مختلف یارانه فرابودجه‌ای احصا می‌شود.

♦ صندوق‌های فرابودجه‌ای

صندوق‌های فرابودجه‌ای صندوق‌هایی هستند که در سقف بودجه سالانه دولت منظور نمی‌شوند اما مالکیت آنها با دولت است و منابع موجود در آنها از درآمدهای مالیاتی، درآمدهای نفتی یا سایر منابع در اختیار دولت تأمین می‌شود. بنابراین کلیه یارانه‌هایی که این صندوق‌ها اعطا می‌کنند باید به عنوان یارانه‌های اعطایی دولت شناسایی و طبقه‌بندی شوند. صندوق توسعه ملی، حساب هدفمندی یارانه‌ها و صندوق نوآوری و شکوفایی را می‌توان نمونه‌هایی از این صندوق‌ها به حساب آورد. این صندوق‌ها از لحاظ قانونی معمولاً بنگاه عمومی مستقل هستند اما از لحاظ اقتصادی، دولتی هستند زیرا دولت یا وزارتخانه مربوط می‌تواند در صورت لزوم با تغییر قانون داری‌های آن را واگذار کرده یا در مورد اعضای تصمیم‌گیرنده در این صندوق‌ها تصمیم بگیرد. مهم‌ترین یارانه‌های اعطایی از طریق صندوق‌های فرابودجه‌ای عبارتند از:

۱- یارانه‌های اعطایی از محل حساب هدفمندی یارانه‌ها از محل تبصره ۱۴ شامل: پرداخت نقدی و غیرنقدی به خانوار، کاهش فقر مطلق، یارانه سلامت، خرید تضمینی گندم
۲- یارانه سود تسهیلات پرداختی از محل صندوق توسعه ملی
۳- یارانه سود تسهیلات اعطایی از محل صندوق نوآوری و شکوفایی
۴- یارانه سود تسهیلات اعطایی از محل صندوق رفاه دانشجویی

♦ یارانه‌های اعطایی

از طریق نهادهای عمومی غیردولتی

بخشی از یارانه‌های اعطا شده توسط دولت از طریق سایر نهادهای بخش عمومی مانند تأمین اجتماعی و شهرداری‌ها به صورت نقدی یا غیرنقدی در قالب طرح‌های مختلف به مردم

مجموع ۱۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه بودجه‌ای احصا شده بر اساس لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ کشور در این گزارش شامل ۱۱ هزار میلیارد تومان ذیل جدول ۱-۷ با عنوان اعتبارات فصل چهارم یارانه به دستگاه‌های اجرایی، ۱۰ هزار میلیارد تومان اعتبارات یارانه‌ای در ردیف‌های متفرقه ۵۲۰۰۰۰ در جدول ۹، حدود ۳۱۹ میلیارد تومان اعتبارات جدول ۷-۲ و استانی و ۷۸ هزار میلیارد تومان اعتبارات با ماهیت یارانه‌ای است که از جداول مصارف دستگاه‌های اجرایی بر حسب برنامه و فعالیت استخراج شده که در ادامه اجزای ردیف‌های مختلف ارائه شده است.

با توجه به اینکه اعتبارات هزینه‌ای با ماهیت یارانه‌ای سهم قابل توجهی از بودجه عمومی کشور را به خود اختصاص داده است و در راستای اجرای سیاست‌های حمایتی برای آحاد جامعه، عملیاتی گردیده، لازم است نحوه هزینه‌کرد آن با رویکرد حداکثر نمودن کارایی و اثربخشی منابع بودجه‌ای بازنگری شود تا نقش موثرتری در ارتقای شاخص‌های رفاهی و اقتصادی داشته باشد. بنابراین لازم است با بازتعریف سیاست‌های حمایتی دولت و به‌کارگیری سیستم‌های نظارتی کارآمد در کلیه مراحل اجرای بودجه به تخصیص کاراتر این منابع اهتمام ورزید.

♦ یارانه فرابودجه‌ای

بسیار مالی یارانه‌های فرابودجه‌ای در سقف قانون بودجه دیده نشده، اما دولت به اتکال منابع موجود در بخش عمومی مانند منابع صندوق‌های فعال در بخش عمومی (صندوق توسعه ملی، صندوق نوآوری و شکوفایی، حساب هدفمندی یارانه‌ها و...) یا منابع نهاد‌های عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی اقدام به اعطای این نوع از یارانه می‌کند. با توجه به کمبود منابع نقدی در دسترس دولت برای بازپرداخت تعهداتش، در نهایت این یارانه‌ها در ترازنامه نهادهای مالی (مانند بانک‌ها، صندوق‌ها و...) به عنوان بدهی دولت انباشت می‌شود. این عملیات از یکسو موجب ایجاد ناترازی در ترازنامه نهادهای مالی شده و آنها را با مشکل زیان انباشته یا کمبود منابع نقد روبه‌رو می‌سازد و از سوی دیگر، ناپایداری مالی دولت را تشدید می‌کند. مبنای قانونی این یارانه‌ها، مجموعه قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و مصوبات هیات وزیران است. طبق برآورد انجام شده مجموع یارانه‌های فرابودجه‌ای از محل صندوق‌های فرابودجه‌ای،

♦ ضرورت اصلاح نظام یارانه‌ای

برآورد انجام شده در این گزارش نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۸، مجموع یارانه آشکار و پنهان برابر ۸۹۰ هزار میلیارد تومان است که این رقم معادل ۱۰۹ میلیون تومان یارانه اعطایی به ازای هر فرد و تقریباً ۲۰۲ برابر بودجه سالانه کشور است. نتیجه نظام فعلی توزیع یارانه به کمک شاخص‌های رفاهی قابل سنجش است. براین اساس به نظر می‌رسد سازوکار توزیع یارانه‌ها که باید منجر به بهبود این شاخص‌ها شود، کارایی مناسبی ندارد و اصابت آن به اقشار هدف اندک است، به‌طوری‌که منابعی که با هزینه فراوان و در بعضی موارد به بهای ایجاد ناپایداری در نهادهای مالی کشور تأمین می‌شوند در نهایت اثر متناسبی بر افزایش رفاه اقشار آسیب‌پذیر که عموماً هدف طرح هستند، ندارند. بنابراین، در چارچوب اصلاحات ساختاری لازم است نظام فعلی یارانه‌ای کشور بازنگری شود. برخی از راهبردهای بلندمدت اصلاح در ادامه می‌آیند، تعریف وضعیت مطلوب، طراحی دوران گذار و رسیدن از وضعیت فعلی به وضعیت مطلوب در این مطالعه پوشش داده نشده و نیازمند بررسی‌های بیشتر است.

حاصل نظام فعلی توزیع و تخصیص یارانه را باید به کمک شاخص‌های رفاهی سنجید. به نظر می‌رسد سیاست‌های بازتوزیعی که باید منجر به بهبود شاخص‌های رفاهی شوند، کارایی زیادی نداشته‌اند. اصلی‌ترین دلیل آن را باید در سازوکار توزیع یارانه جست‌وجو کرد. سازوکارهای فعلی تخصیص یارانه سبب شده یارانه لزوماً به اقشار هدف طرح یعنی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نهایی نرسد و بخشی از آن در اختیار گروه‌های دیگر زنجیره توزیع قرار بگیرد یا در طول زنجیره به هدر برود. بنابراین در این شرایط به‌رغم تلاش‌های دولت برای دستیابی به عدالت اجتماعی و فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای همه اقشار جامعه، ضریب اصابت کاهش و اختلاف طبقاتی و نابرابری افزایش می‌یابد.

♦ اهم اصلاحات مورد نیاز در نظام یارانه‌ای

اهم اصلاحات مورد نیاز در نظام یارانه‌ای شامل تغییر در نحوه پرداخت یارانه، حذف یارانه اعطایی از منابع ناپایدار و بهبود فرآیند استحقاق سنجی است که در ادامه به اختصار تشریح می‌شود.

با شبکه بانکی یا فاینانس‌های خارجی تضمین‌نامه صادر می‌کند و بازپرداخت تسهیلات را در صورت نکول وام‌گیرنده تضمین می‌نماید. در این موارد نیز اگرچه بار مالی ناشی از صدور تمام تضامین در زمان اعطای ضمانت بر عهده دولت نیست اما ریسک اعتباری برخی از شرکت‌ها یا افراد حقیقی یا حقوقی دریافت‌کننده این تسهیلات به اندازه‌ای بالاست که لازم است دولت تحلیل هزینه‌فایده اعطای این تضامین را با توجه به هزینه‌های آتی آن انجام دهد. بدین منظور لازم است میزان اعطای این تضامین و بار مالی احتمالی ناشی از آن برای دولت در هر سال مالی کنترل شود. مهم‌ترین تسهیلات در تعهد یا تضمین دولت که معمولاً در هر سال به شبکه بانکی ابلاغ می‌شود، عبارتند از: تسهیلات تکلیفی حوادث غیرمترقبه، تسهیلات اعطایی به شرکت‌های مباشر دولتی جهت تأمین مالی خریدهای تضمینی و قیمت‌های تکلیفی، تسهیلات اشتغال پایدار از محل تبصره ۱۸، تسهیلات اشتغال روستایی، تسهیلات تکلیفی مسکن، فاینانس‌های خارجی تحت تضمین دولت: شامل فاینانس‌های بخش حمل و نقل و بخش بهداشت، تسهیلات اعطایی از سایر صندوق‌های فرابودجه‌ای شامل صندوق نوآوری و شکوفایی، صندوق رفاه دانشجویی و صندوق توسعه ملی.

♦ یارانه پنهان

این بخش از یارانه‌ها در واقع عدم‌النفع دولت به دلیل فروش کالاهای تولیدی در داخل کشور با قیمت پایین‌تر از قیمت قابل فروش در خارج از کشور است.

با اصلاح این شیوه پرداخت یارانه، این منابع در اختیار دولت قرار می‌گیرد و دولت می‌تواند درباره نحوه بازتوزیع آن تصمیم‌گیری کند. در نتیجه به پایداری بودجه دولت و قطع یارانه از محل‌های ناپایدارکننده سیاست مالی می‌انجامد. در اقتصاد ایران این نوع یارانه، به‌خصوص از زمانی که تفاوت زیادی بین نرخ ارز رسمی با قیمت بازاری آن ایجاد شد، ابعاد گسترده‌ای یافته است.

یارانه پنهان کالای اساسی و دارو بر مبنای ارز ۸۰۰۰ تومان و نرخ ارز کالای اساسی ۴۲۰۰ تومان، قیمت بنزین بر اساس فوب خلیج فارس و قیمت گاز طبیعی نسبت به قیمت صادراتی سنجیده شده است. همچنین متوسط میزان مصارف و قیمت تمام شده با استعلام از دفاتر سازمان برنامه و بودجه در نظر گرفته شده‌اند.

پوشش دهند. از آنجاکه در انتها این کسری در همان سال مالی یا نهایتاً با تاخیر از منابع در اختیار دولت تأمین مالی می‌شود یا بدهی دولت را به شبکه بانکی افزایش می‌دهد، لازم است جهت برآورد میزان یارانه‌های اعطایی به بخش‌های مختلف این موارد نیز احصا و به مجموع یارانه‌های اضافه شوند. مهم‌ترین شرکت‌های دولتی موضوع این بند عبارتند از: شرکت بازرگانی دولتی، شرکت شرکت توانیر، سازمان بیمه سلامت، شرکت پشتیبانی از امور دام کشور، شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، شرکت ملی گاز ایران، صندوق بیمه کشاورزی، سازمان مرکزی تعاون روستایی، شرکت عمران و بهسازی شهری، شرکت مادر تخصصی خدمات کشاورزی، شرکت تولید مواد اولیه و سوخت هسته‌ای، شرکت مدیریت منابع آب ایران، شرکت آب و فاضلاب کشور.

♦ تسهیلات و تضامین

دولت همه ساله به منظور اجرای سیاست‌های مالی از طریق قوانین بودجه یا مصوبات هیات وزیران، شبکه بانکی را مکلف به پرداخت تسهیلات به اقشار هدف می‌نماید. با توجه به اینکه دولت متعهد به پرداخت بخشی از سود این وام‌ها در قالب یارانه سود می‌شود، جذابیت این تسهیلات برای مخاطبین طرح افزایش می‌یابد. بنابراین برای احصای کامل منابعی که به نوعی صرف یارانه دادن می‌شوند لازم است این اقلام نیز استخراج شوند. از سوی دیگر، در روش بودجه‌ریزی نقدی (روش فعلی بودجه‌ریزی در ایران) در زمان تصویب این طرح‌ها، هزینه واقعی اعطای این تسهیلات که برابر ارزش حال مجموع هزینه‌های آتی این تسهیلات است مورد توجه تصمیم‌گیران قرار نمی‌گیرد، بنابراین امکان تحلیل هزینه-فایده این برنامه‌ها و مقایسه آن با سایر برنامه‌های رفاهی-یارانه‌ای را از دست می‌دهند. در نتیجه این امر، تکلیف اعطای تسهیلات به اقشار خاص علاوه بر محدود کردن فضای اجرای طرح‌های یارانه‌ای در سال جاری سبب ایجاد تعهد آتی برای دولت می‌شود و بخش بزرگی از منابع مالی آتی دولت را نیز درگیر بازپرداخت اصل، فرع و یارانه سود این تسهیلات می‌کند. بنابراین لازم است به منظور افزایش شفافیت در نحوه هزینه‌کرد آتی منابع در اختیار دولت میزان اعطای این تسهیلات در هر سال مالی و بار مالی مترتب بر آن مورد توجه سیاستگذار قرار گیرد.

از سوی دیگر دولت در برخی از قراردادهای

◆ تغییر نحوه پرداخت یارانه از غیر نقدی به نقدی

یارانه غیرنقدی شامل یارانه حامل‌های انرژی و کالای اساسی و دارو است. در این بخش یارانه پنهان کالای اساسی، دارو، بنزین، گاز طبیعی و برق که مستقیماً به

ذکر است، شناسایی بهره‌مندی خانوار از این اقلام نیازمند مطالعات و بررسی‌های بیشتر است. برای تخمین میزان اصابت یارانه پنهان مستقیم خانوارهای هر دهک از متغیرهای واسطه استفاده شده که در جدول ۷ به آنها اشاره شده است.

خانوار اصابت می‌کنند مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند و سایر یارانه‌های پنهان مانند نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره، گاز مایع و سوخت هوایی و سوخت جت به دلیل اینکه بیشتر از طریق بنگاه‌ها مصرف می‌شوند در محاسبات این بخش احصا نشده‌اند. لازم به

جدول ۷ شاخص تخمین اصابت یارانه پنهان به دهک‌ها

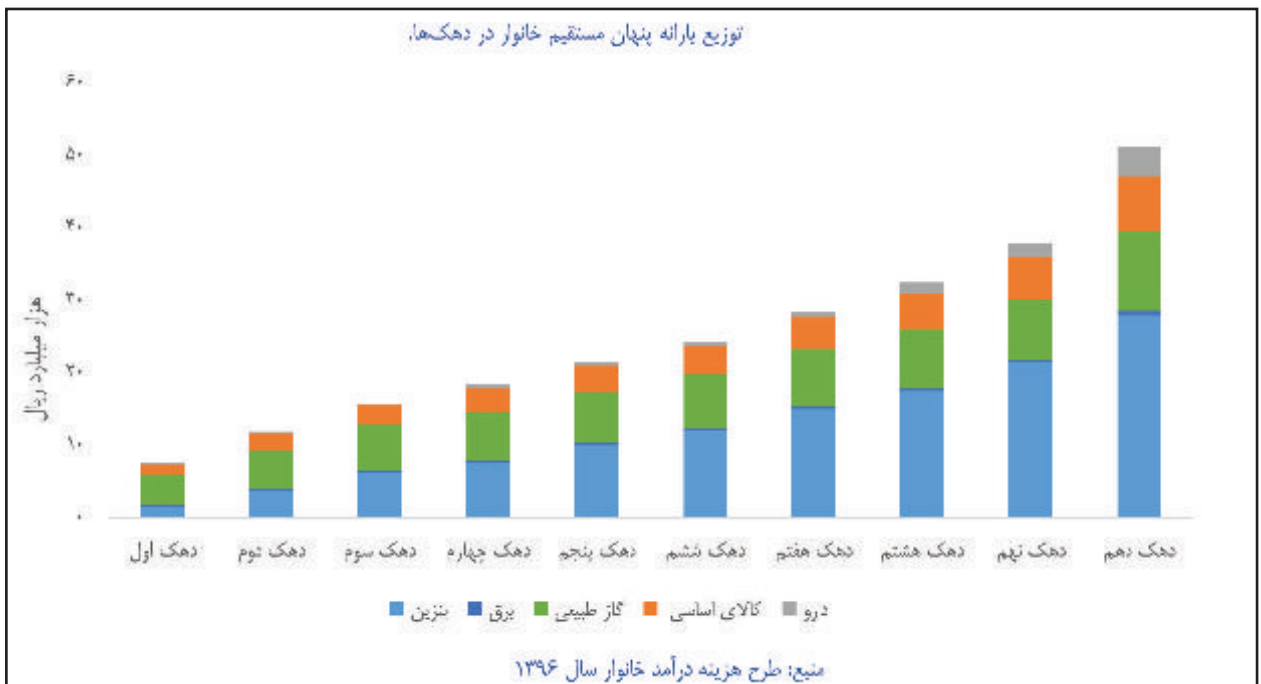
موضوع	شاخص	توضیح
بنزین	سه‌م هر دهک از مصرف خصوصی بنزین	سه‌م خصوصی بنزین از کل مصرف قابل توجه است
کالای اساسی	سه‌م هر دهک از مصرف خصوصی خوراکی‌ها	به دلیل نقش فراوان خوراکی‌ها در کالای اساسی
برق	سه‌م هر دهک از مصرف خصوصی برق	مصرف برق خانوار معادل ۳۴ درصد مصرف کل برق کشور است.
دارو	سه‌م هر دهک از مصرف خصوصی دارو	مصرف خصوصی داروها در بودجه خانوار مشخص شده است.
گاز طبیعی	سه‌م هر دهک از مصرف خصوصی گاز طبیعی	مصرف گاز طبیعی خانوار معادل ۲۶ درصد مصرف گاز طبیعی کل کشور است.

از این یارانه بیشتر بهره‌مند شوند. در ادامه ضریب اصابت یارانه کالای اساسی، دارو، بنزین، گاز طبیعی و برق که مستقیماً به خانوار اصابت می‌کند مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و سایر یارانه‌های پنهان مانند نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره، گاز مایع و سوخت هوایی و سوخت جت در نظر گرفته نشده‌اند. ضریب اصابت درصد بهره‌مندی هر دهک از مجموع یارانه برآوردی هر شاخص تعریف می‌شود.

خانوار دهک دهم سالانه به‌طور متوسط از ۲۱ میلیون تومان یارانه پنهان مستقیم خانوار بهره‌مند می‌شود در حالیکه هر خانوار دهک اول فقط از ۳ میلیون تومان از یارانه پنهان بهره‌مند می‌شود. این اعداد گواه توزیع ناعادلانه یارانه پنهان از جمله یارانه انرژی، کالای اساسی و دارو است که می‌توان به آسانی و به کمک یک نظام بازتوزیع کارآمد و عادلانه مکانیزم‌هایی طراحی کرد که دهک‌های پایین

در طرح هزینه درآمد خانوار، هزینه حامل‌های انرژی، هزینه خوراکی و هزینه دارویی خانوار گزارش می‌شود در نتیجه می‌توان گفت برآوردی کمتر از میزان واقعی مصرف این اقلام در جامعه است به این دلیل که مصرف بنگاه‌های اقتصادی در طرح هزینه درآمد خانوار گزارش نمی‌شود. متوسط دریافتی یارانه پنهان دهک دهم بیشتر از ۷ برابر متوسط دریافتی دهک اول است. هر

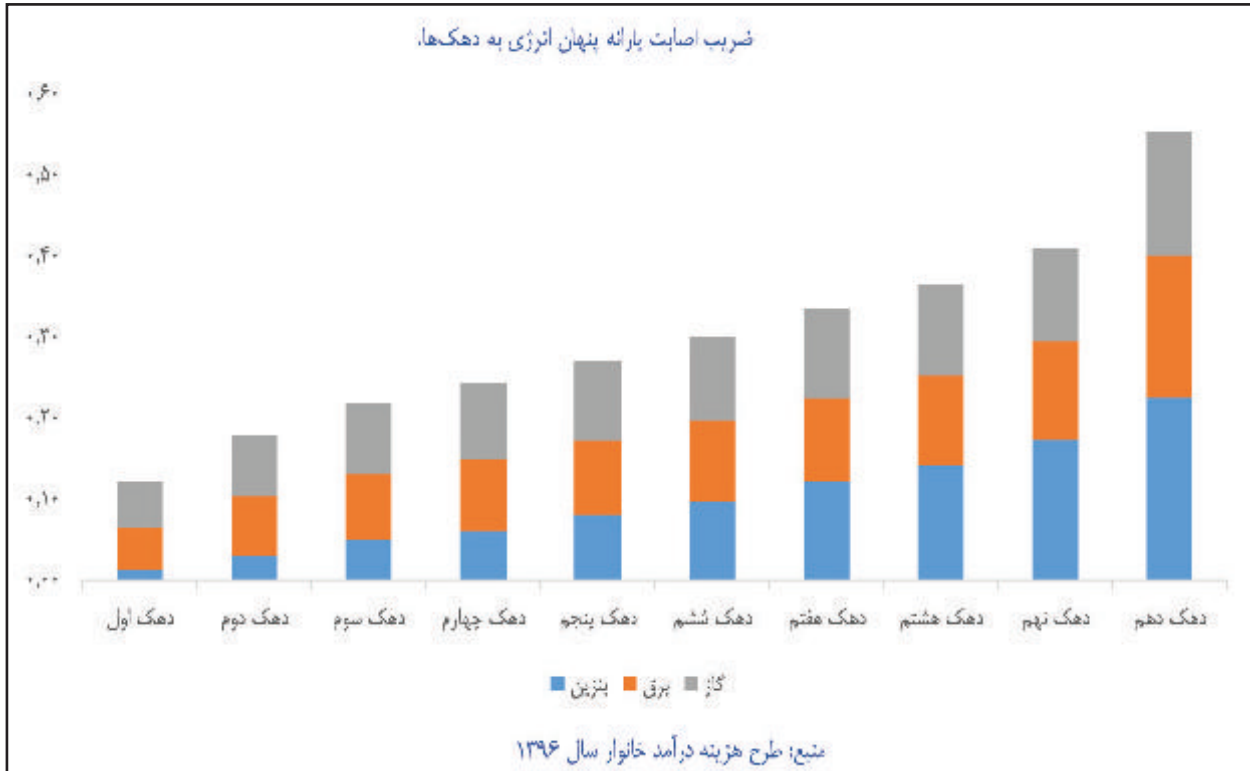
توزیع یارانه پنهان مستقیم خانوار در دهک‌ها



در نتیجه می‌توان گفت اهداف حمایتی دولت جهت افشار آسیب‌پذیر تحقق نیافته، زیرا در ظاهر امر بیشترین سهم از یارانه انرژی نصیب افراد با درآمدهای بالا شده است

دهک‌های بالای درآمدی ۲۳ برابر دهک‌های پایین است. ضریب اصابت برق برای دهک دهم برابر ۱۸ درصد و برای دهک اول برابر با ۵ درصد است.

◆ تغییر نحوه پرداخت یارانه از غیر نقدی به نقدی: حامل‌های انرژی (بنزین، برق و گاز) ضریب اصابت یارانه پنهان گاز، برق و بنزین نشان می‌دهد میزان بهره‌مندی

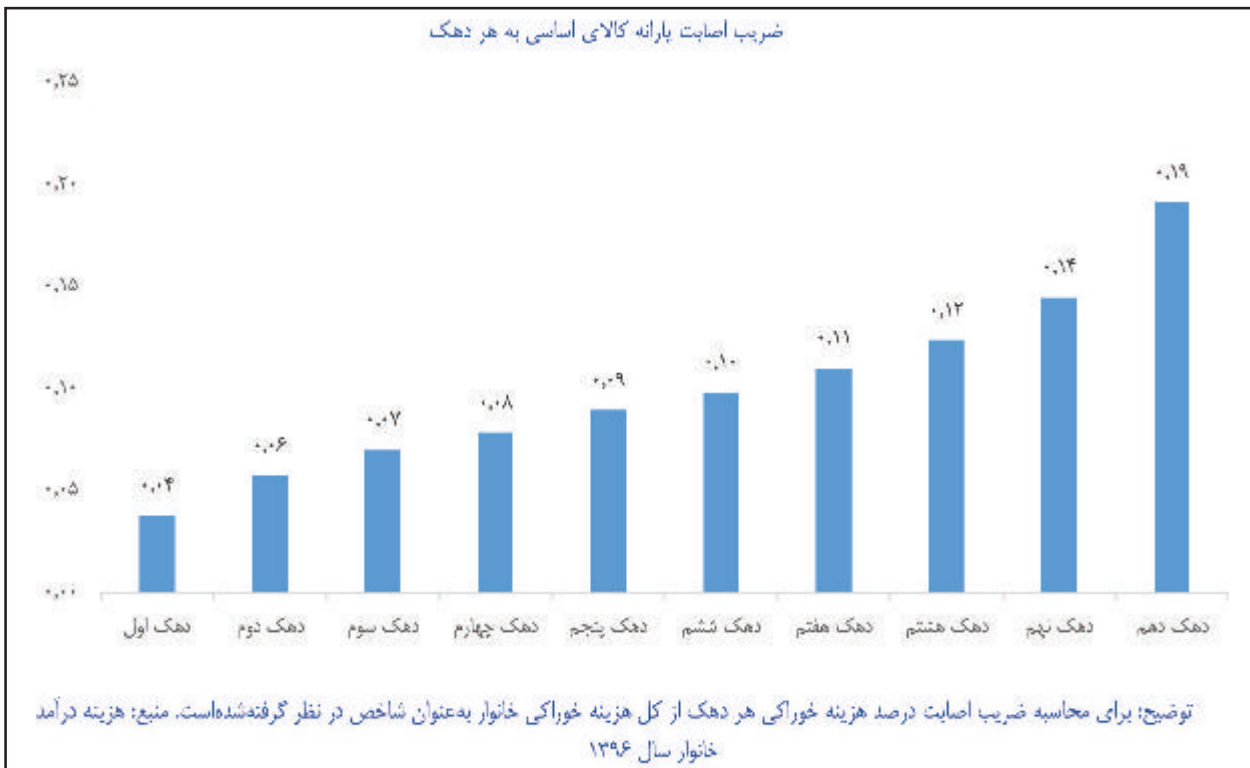


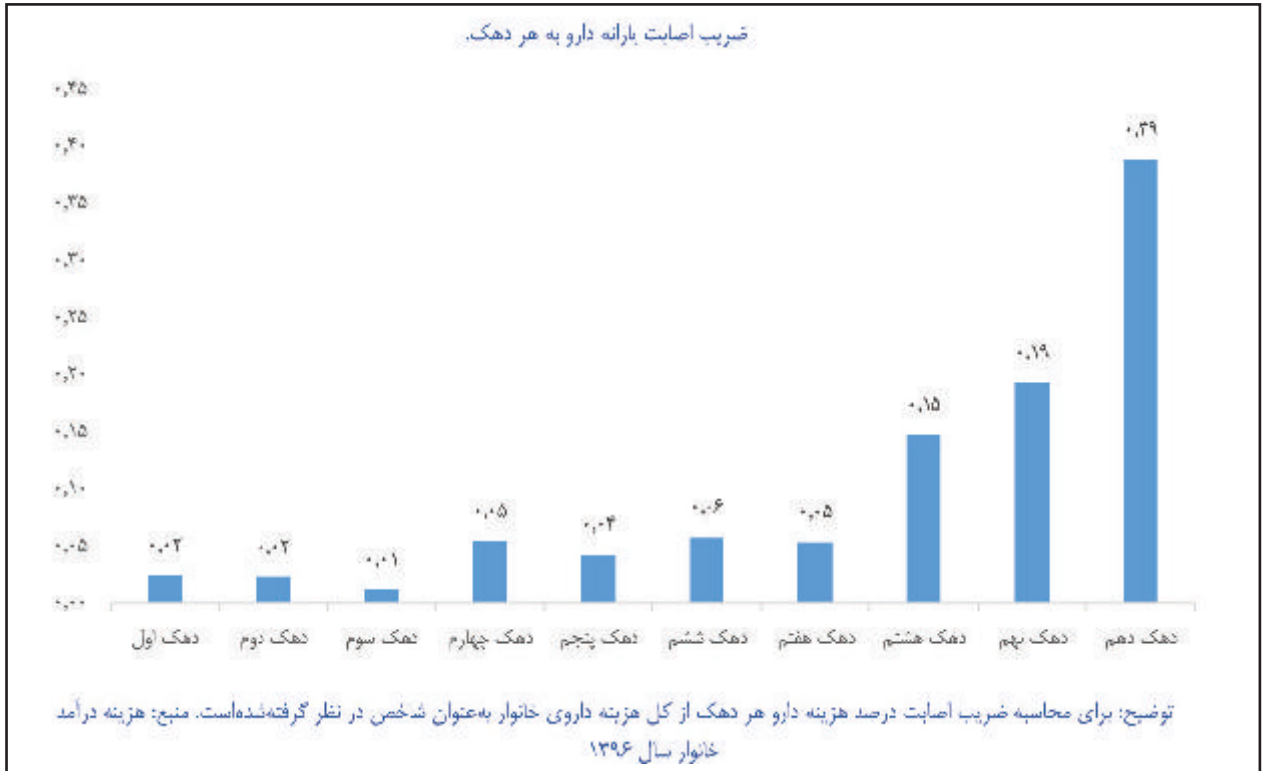
هستند که در میانه زنجیره تأمین قرار می‌گیرند و تأمین داخلی آنها نیازمند توسعه بخش تولیدی است. از آنجاکه یارانه تعلق گرفته به این دو نوع کالا، تولیدکننده و مصرف‌کننده نهایی را متاثر می‌کند، باید در طی زنجیره تأمین و توزیع قابل انتقال و ردیابی باشند و این فرآیند نیز از نظارت کافی برخوردار باشد.

یارانه هر گروه نیازمند شاخص‌ها و ابزارهای ویژه است. کالاهای اساسی اولیه مانند گندم و جو و انواع بذر کشاورزی، کالاهایی هستند که در اولین حلقه زنجیره تولید قرار می‌گیرند و تأمین داخلی آنها در صورت امکان، نیازمند ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز است. کالاهای اساسی واسطه مانند کنجاله سویا و ذرت، کالاهایی

◆ تغییر نحوه پرداخت یارانه از غیر نقدی به نقدی: کالای اساسی و دارو

کالاهای اساسی مشمول یارانه ارزی شامل سه نوع کالای اولیه، واسطه و نهایی هستند. هر کدام از این کالاها مسیری متفاوت را تا رسیدن به مصرف‌کننده نهایی طی می‌کنند. لذا بررسی میزان موفقیت در اهداف اعطای



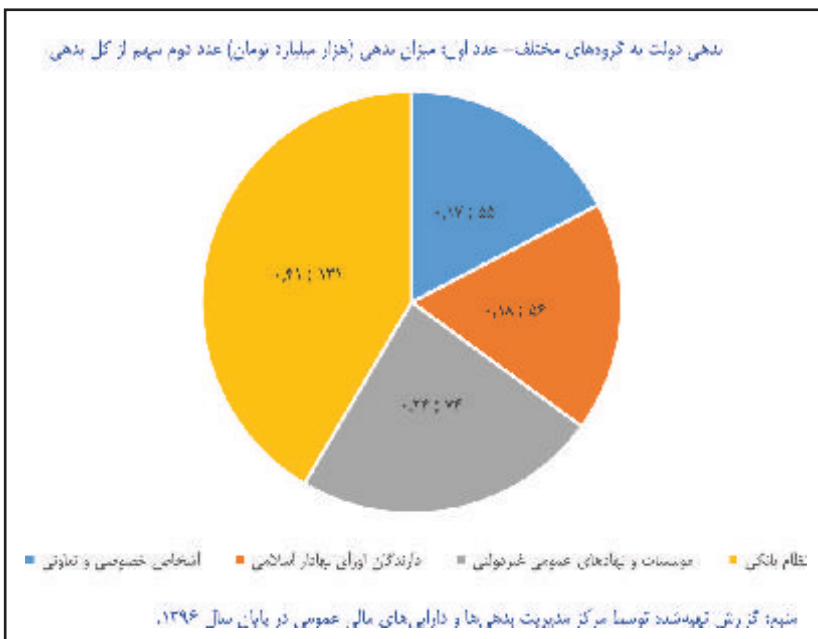


عملیات توزیع و تخصیص یارانه دولت در سال ۱۳۹۸ موجب خواهد شد در حدود ۱۴۰ هزار میلیارد تومان از منابع مالی نهادهای بخش عمومی مانند بانک‌های دولتی، صندوق‌های فرابودجه‌ای جهت ارائه یارانه استفاده شده و یا بدهی دولت به نهادهای عمومی مانند تأمین اجتماعی افزایش یابد. نتیجه استفاده از این سازوکار در سال‌های گذشته را می‌توان در اطلاعات بدهی انباشته شده دولت ملاحظه نمود (شکل ۲)

◆ حذف یارانه‌هایی که از منابع مالی ناپایدار تأمین مالی می‌شود

پایداری نظام تخصیص و توزیع یارانه در گرو پایداری منابع تأمین مالی یارانه‌ها است. بر این اساس لازم است میزان پرداخت یارانه در هر سال مالی به اندازه‌ای تعیین شود که منابع مالی پایدار برای آن وجود داشته باشد و دولت برای تأمین آن مجبور به استقراض (یا ایجاد بدهی) نشود. این در حالی است که بررسی سازوکارهای تخصیص یارانه‌های فرابودجه‌ای نشان می‌دهد

کالاهای اساسی نهایی مانند برنج خارجی و گوشت مرغ، کالاهایی هستند که ارزش افزوده‌ای در طول زنجیره تأمین به آنها تعلق نمی‌گیرد و به‌طور مستقیم در اختیار مصرف‌کننده نهایی قرار می‌گیرند. اگر چه به نظر می‌رسد نظارت و اطمینان از انتقال یارانه کالایی به مصرف‌کننده در این نوع کالا بیشتر از دونوع کالای دیگر است، اما شاخص‌های قیمت نشان می‌دهد یارانه ارزی اختصاص داده شده به کالاهای خوراکی (غالباً از نوع کالای اولیه و واسطه‌ای) تأثیر مثبت اندکی بر شاخص قیمت مصرف‌کننده داشته، این حقیقت نشان‌دهنده لزوم بازبینی و اصلاح این سیاست است؛ به عبارت دیگر، یکی از جنبه‌های حمایت از مصرف‌کننده به عنوان هدف یارانه غیرمستقیم (قیمت مناسب و ثابت) محقق نشده است. به نظر می‌رسد اولویت اول اصلاح یارانه‌ها با دسته اول کالاها است که سیاست‌های یارانه‌ای فعلی در آن یا کم‌اثر در قیمت است یا ارائه کالای نهایی ارزان، موجب تضعیف زنجیره تأمین و بیکاری کارگران شاغل در این رشته فعالیت‌ها می‌شود. پیشنهاد سیاستی در این بخش عدم تخصیص یارانه ارزی به این دسته از کالاها، حمایت نقدی از مصرف‌کننده نهایی کم‌برخوردار و تسهیل تأمین مالی سرمایه در گردش تولیدکنندگان است. اولویت اول پرداخت یارانه نقدی افراد فقیر و سه دهک پایین درآمدی هستند که با پایگاه‌های داده، از جمله پایگاه داده رفاه ایرانیان و اطلاعات بانکی خانوار با تقریب خوبی قابل شناسایی هستند.



♦ اصلاح فرآیند شناسایی در پرداخت یارانه‌های مستقیم

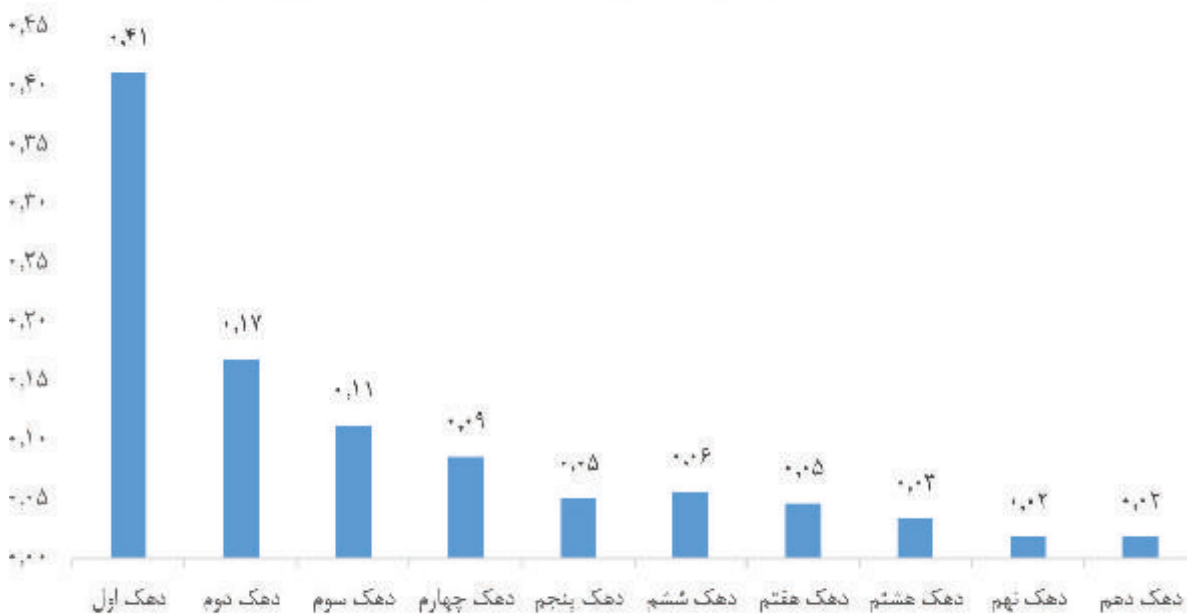
شناسایی و تحت پوشش قرار دادن نیازمندان در نهادهای حمایتی چون کمیته امداد و سازمان بهزیستی می‌تواند با دو نوع خطا همراه باشد. خطای نوع اول به معنی تحت پوشش قرار ندادن فرد، در صورتی که در واقعیت نیازمند است و خطای نوع دوم به معنی تحت پوشش قرار دادن فرد، در صورتی که واقعا نیازمند نیست. نتایج مطالعات نشان می‌دهد سازوکار فعلی شناسایی نیازمندان در کمیته امداد و بهزیستی از هر دو نوع خطا آسیب دیده است. به‌طور خلاصه بیش از ۶۰ درصد نیازمندان در دهک اول درآمدی مشمول طرح مستمری بگیری نیستند و نزدیک به ۲۲ درصد مستمری بگیران فعلی در ۶ دهک بالای درآمدی هستند و انتظار می‌رود که واقعا مستحق دریافت مستمری نباشند.

برآوردهای انجام شده نشان می‌دهد بدون اصلاحات در حامل‌های انرژی و افزایش منابع پایدار در اختیار جهت بازتوزیع، دولت تنها ۵۵ هزار میلیارد تومان امکان پرداخت یارانه از منابع پایدار دارد. این در حالی است که دولت در سال ۱۳۹۸ متعهد به پرداخت ۲۴۰ هزار میلیارد تومان یارانه آشکار (مجموع یارانه بودجه‌ای و فرابودجه‌ای) می‌شود. این عدم تطابق باعث افزایش بدهی دولت و حرکت به سمت ناپایداری بودجه و بدهی در میان‌مدت خواهد شد.

ادامه وضعیت موجود سبب خواهد شد نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی و نسبت تأمین مالی ناخالص مورد نیاز به تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۹ از آستانه بحران عبور کند.

گزارش تهیه شده توسط مرکز مدیریت بدهی‌ها و دارایی‌های مالی عمومی نشان می‌دهد در پایان سال ۱۳۹۶ شبکه بانکی و نهادهای عمومی غیردولتی (تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی) بزرگترین طلبکاران از دولت هستند، این پدیده نتیجه تخصیص حجم بالایی از یارانه بدون وجود منابع پایدار برای تأمین آن است. این شیوه تأمین اعتبار برای تخصیص یارانه سبب می‌شود از یک‌سو، با ایجاد ناترازی در ترازنامه شبکه بانکی و نهادهای عمومی غیردولتی این نهادها با مشکل کمبود جریان نقد و زیان مواجه شوند و از سوی دیگر دولت در معرض مواجهه با بحران بدهی‌ها و عبور نسبت‌های سنجش میزان پایداری بدهی از آستانه‌های هشدار و بحران در کمتر از پنج سال آتی قرار گیرد.

۵ درصد پوشش مستمری بهزیستی و کمیته امداد در دهک‌های درآمدی



منبع: طرح آماری از هزینه و درآمد خانوار سال ۱۳۹۶

۳۱ درصد آنها در سه دهک پایین هزینه‌های قرار دارند. بنابراین لازم است این افراد و ویژگی‌های آنها نظیر استان محل سکونت شناسایی شود و جهت افزایش دسترسی آنها به خدمات سلامت پروژه‌های طراحی و اجرایی گردد. به نظر می‌رسد شناسایی این افراد به کمک پایگاه‌های داده‌ای نظیر اطلاعات بانکی خانوار و همچنین پایگاه رفاه ایرانیان امکان‌پذیر باشد.

از ۸۳ درصد در سال ۸۹ به ۹۰ درصد جمعیت کشور در سال ۹۳ شد. این طرح در سال اول اجرا باعث شد ۴۳ درصد افراد فاقد بیمه تحت پوشش بیمه قرار گیرند، هر چند مشخص نیست چند درصد آنها از اقشار نیازمند بودند. طرح بیمه همگانی سلامت با وجود دستاوردها با یک مشکل اساسی روبه‌رو است. حدود ۱۰ درصد جمعیت کشور فاقد بیمه هستند که

♦ اصلاح فرآیند شناسایی در طرح‌های تأمین اجتماعی مانند بیمه همگانی

طرح بیمه همگانی سلامت از اردیبهشت سال ۱۳۹۳ به هدف ایجاد پوشش بیمه درمان برای هموطنان نیازمند فاقد بیمه در کشور اجرا شد. اجرای طرح در سال ۹۳ موجب شد ۶ میلیون نفر افراد فاقد بیمه سلامت، تحت پوشش بیمه قرار گیرند. در نتیجه باعث افزایش پوشش بیمه



ناخوشبختی رونق صنعت

هرگز تا این اندازه نبوده است، قیمت تمام شده خود را تثبیت کرده و نرخ‌های دولت خواسته را به فروش خود تحمیل کنند که این نیز یک ناخوشبختی برای تولید صنعتی به حساب می‌آید. این مدیران دولتی برای اینکه اراده خود را بر تولید تحمیل کنند از سازمان‌های نظارتی و از قانون‌ها و مقررات بازدارنده استفاده کرده و سرکوب قیمتی را بر تولید تحمیل کرده‌اند و این نیز یک ناخوشبختی است. تحولات نرخ ارز در ایران به ویژه در دهه ۱۳۹۰ و تصمیم‌های دولتی برای مدیریت این تحولات بدترین سیاست‌گذاری‌ها را بر صنعت تحمیل کرده است و آنها را با سرگیجه مواجه کرده و این نیز یک ناخوشبختی به حساب می‌آید. در پرونده حاضر رونق تولید و دشواری‌های آن از سوی کارشناسان بررسی شده است که می‌خوانید:

تولید در ایران سال ۱۳۹۸ در برزخ قرار دارد و اگر دیر بجنبید یا بد حرکت کند به جهنم می‌رسد. این را اکثریت کارشناسان می‌دانند و البته فعالان صنعتی و اقتصادی آن را از نزدیک لمس می‌کنند. تولید صنعتی به ویژه در دهه‌های اخیر در بدترین وضعیت به لحاظ ذهنیت تصمیم‌گیران اصلی و سیاست‌گذاری‌های ارزی، پولی و تجاری قرار گرفته است. ذهنیت مدیران ارشد اقتصادی در دولت‌های احمدی‌نژاد و حتی روحانی این است که این بخش از فعالیت‌های اقتصادی حتی در فقدان نوسازی تکنولوژیک که شکاف آن را با دنیای امروز به بیشترین میزان رسیده است باید با کالاهای مشابه خارجی رقابت کند که این آرزو هرگز برآورده نمی‌شود. از طرف دیگر مدیران دولت‌های ایران می‌خواهند که کارخانه‌ها با نرخ تورمی بالا که در کشورهای دیگر

الزام‌های سیاستگذاری پولی در مسیر رونق تولید

حسین درودیان |

سودمندی تزریق بیشتر پایه پولی منوط به آن است که کمیت رشد کل‌های پولی بر مبنای محدودیت‌های مقداری کنترل شده، و کیفیت اعتبارات بانکی از طریق هدایت آن به مقاصد رونق‌آفرین بهبود یابد.

رونق تولید عبارتی مترادف با رونق اقتصادی است به این علت واضح که اساس یک اقتصاد، تولید است. وضعیت رونق و رکود اقتصاد از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد که در این میان دولت‌ها می‌کوشند با سیاست‌های اقتصادی در صدد تأثیرگذاری مثبت بر آن برآیند. سیاست‌های مرسوم و متعارف اصلی در اختیار دولت برای تحقق هدف رونق اقتصادی، سیاست پولی و مالی است که می‌توان سیاست ارزی و تجاری را نیز به آن افزود.

سیاست پولی اثرگذاری وسیعی بر وضعیت اقتصاد از حیث رونق و رکود دارد. متغیرهای موضوع سیاست پولی که به‌طور متعارف شامل نرخ بهره و کمیت‌های پولی هستند، نه بر یک بخش یا یک فعالیت، بلکه بر کل اقتصاد اثر می‌گذارند. در اینکه سیاست پولی معطوف به رونق اقتصادی چه اجزایی دارد، چندان ابهام بزرگی وجود ندارد. نرخ‌های بهره ملایم و انعطاف در عرضه و دسترسی به پول برای بخش تولید، تدابیری است که به صورت متعارف برای یک سیاست پولی رونق‌محور قابل تجویز است. این اشاره دارد به نوعی گرایش انبساطی در عرضه پول پر قدرت توسط بانک مرکزی. تبعات منفی این رویکرد، که احتمالاً تقویت تقاضا و هزینه‌هایی از جنس

تورم است، ممکن است با شرایط فعلی اقتصاد کشور سازگاری قابل قبولی نداشته باشد.

تورم یک متغیر اسمی است و آنچه بیش از همه آن را مضموم می‌سازد، بی‌ثباتی و نوسانات جهشی آن است؛ وضعیتی که علاوه بر افزایش عدم‌اطمینان، فشاری سنگین به قدرت خرید عموم وارد می‌کند. این نوع تورم‌ها در ایران معمولاً تورم‌های فشار هزینه از منشأ جهش نرخ ارز هستند. تجربه سه دوره تورم شدید (۷۴-۷۳، ۹۲-۹۱ و ۹۷) که هر سه با شوک نرخ ارز و ظهور فشارهای تحریمی یا افت قیمت صادرات نفت همراه بود دلالت بر این دارد که سال ۱۳۹۸ استعداد تورم بالا از منشأ فشار هزینه ندارد. این در حالی است که تبعات رکودی تحریم، باوقفه در حال ظهور و تشدید است. از این رو اعطای وزن بیشتر به رونق اقتصادی در برابر تورم موجه به نظر می‌رسد. مسأله اصلی این است که در بستر کنونی اقتصاد ایران، سیاست‌هایی نظیر کاهش نرخ بهره که منتج از گرایش انبساطی در کل‌های پولی است، کاملاً مستعد آن است که اثربخشی ضعیفی به جا گذاشته، و عملاً توسط جریان‌ها و اهداف غیرمولد مصادره شود. این تصور که هر نوع انبساط پولی و کاهش نرخ بهره به سود اقتصاد خواهد بود، ادعایی گزاف است. سودمندی این ترتیبات برای اقتصاد کاملاً بستگی به «کیفیت» رشد نقدینگی از این محل و در درجه‌ای پایین‌تر، کمیت آن است.

ما دقیقاً نمی‌دانیم برای کاهش نرخ بهره بانکی به ارقام متناسب با رونق اقتصادی،

چه میزان پول پر قدرت باید تزریق شود. بیم جدی وجود دارد که این کار، انبساطی حجیم و خارج از کنترل را ایجاد کند. حتی اگر از این مانع بگذریم، نمی‌دانیم گشایش برای بانک‌ها - مترادف با عرضه فعالانه پایه پولی و کاهش نرخ بهره - موجب تجهیز پول ارزان و جذاب برای کدام بخش‌ها و فعالیت‌های اقتصاد خواهد شد و نسبت آن با رونق تولید چیست. بلکه حتی این شبهه وجود دارد که انبساط پولی بدون در نظر گرفتن کیفیت آن و بخش‌هایی که به این منابع دسترسی پیدا خواهند کرد، تنها به نفع وام‌گیرندگان کلانی باشد که کسب و کار آنها نسبتی با رونق و شکوفایی اقتصاد ندارد و ذینفعانی بزرگ در این شیوه از انبساط پولی به شمار می‌روند.

از این رو باید این قید را وارد دانست، که سودمندی گشایش برای نظام بانکی از طریق تزریق فعالانه‌تر و بیشتر پایه پولی منوط به آن است که کمیت رشد کل‌های پولی بر مبنای محدودیت‌های مقداری کنترل شده، و کیفیت اعتبارات بانکی از طریق هدایت آن به مقاصد رونق‌آفرین بهبود یابد. بدون تحقق این الزامات، گشایش و انبساط پولی به رشد و رونق اقتصادی منجر نخواهد شد.

کار بزرگ و سخت در اینجا، کنترل کمیت‌های پولی نه از طریق گرایش انقباضی و وضع نرخ‌های بهره بالا (که ضدرونق است) بلکه از طریق محدودیت‌های مستقیم مقداری است. کار بزرگ و سخت، تضمین رشد باکیفیت نقدینگی از طریق هدایت آن به مقاصد مولد است.

رونق تولید با مدیریت تغییر

سرمايه بر و در نهايت به كالاهاى مهارت‌بر، از ديگر ويژگي‌هاست. همچنين توليد و عرضه كالاهاى بادوام در محدوده بودجه از جمله ويژگي‌هاى توسعه صنعتي است.

تجربه نشان داده توسعه صنعتي در هر فضايي تحقق پيدا مي‌كند. فضاي مناسب براي توسعه صنعتي، فضايي است كه در آن سه نوع سرمايه‌گذاري به سهولت صورت مي‌گيرد. اولين سرمايه‌گذاري، سرمايه‌گذاري فزيكي و تشكيل سرمايه در ماشين‌آلات و

مي‌كنم و در صنعت ما كمتر به آنها توجه شده است. اولين ويژگي، کاربرد انديشه و نظر علمي در امور مختلف است. افزايش بهره‌وري توليد و بازده كار، عقب‌ماندگي‌هاى فني و اقتصادي و روابط عقب‌مانده اجتماعي، افزايش اشتغال و استخدام نيروي انساني بيشتر در فعاليت‌هاى صنعتي، افزايش مستمر درآمد سرانه و رفاه، تغيير توليدات جامعه و پشت سر گذاشتن مراحل مزيت نسبي از توليد كالاهاى وابسته به منابع به كالاهاى كاربر و سپس به كالاهاى

بازيد مردوخي



تحليلگر ارشد صنعت

من بيشتر به توسعه صنعتي مي‌پردازم و اينكه توليد در کشور ما تحت‌تأثير چه عواملی، به این روز افتاده و چه عواملی را باید اصلاح کرد. تغيير و تحولي كه توسعه صنعتي نام گرفته، فرآيندي است با ويژگي‌هاى كه مطرح

رونق تولید در گرو آزادسازی بخش خصوصی

حدود ۲ سال قبل با کمک دوستانی که در دبیرخانه اقتصاد مقاومتی بودند، طرحی را تهیه کردیم و به رئیس‌جمهور ارائه شد. در این طرح پیشنهاد شد شرکت‌های دولتی برای اینکه بازدهی داشته باشند، باید حاکمیت شرکتی بر آنها حاکم شود و دوم اینکه مدیران آنها توسط مدیران سیاسی انتخاب نشوند و توسط مدیران حرفه‌ای انتخاب شوند و بر مبنای سود و زیان باید باشند. در عین حال، یک سازمانی را هم پیشنهاد دادیم که بشود این کار را انجام داد و شرکت‌های دولتی زیر نظر صندوق بزرگی تحت عنوان هلدینگ قرار گیرند و زیر نظر دستگاه‌های اجرایی نباشند.

ما تا این مساله را حل نکنیم، نمی‌شود رونق تولید ایجاد کرد. بخش ۲۵ درصدی هم که کار تولیدی انجام می‌دهند، با تب کردن بخش دولتی، تب می‌کنند. زیرا یا مواد اولیه را از دولت می‌خرند یا محصول خود را به دولت می‌فروشند یا تحت اثر مجوزها و باید‌ها و نیاید‌های دولت هستند. در حال حاضر فروش نفت در شرایط حاد قرار دارد و ذخایر ارز محدود است. تنها راه جایگزینی درآمد ارزی نیز صادرات غیرنفتی است. صادرات در شرایط تحریم نیاز به چابکی، ریسک و مقابله با تحریم دارد که عموماً مدیران وابسته به دولت نمی‌توانند این کار را انجام دهند. برای این کار نیاز است که دولت برای صادرات غیرنفتی ستاد فرماندهی ویژه ایجاد کند و این ستاد بر اساس شاخص رشد صادرات و سود و زیان، مدیران را عزل و نصب کند. اگر این کار انجام شود، موفق خواهیم بود.

درصد بخش تولید و ثروت ملی در اختیار دولتی‌ها است. به عبارتی، ما یک حرفی تحت عنوان تولید ملی می‌زنیم، اما مدیران دولتی باید رونق تولید را انجام دهند. در بخش شبه‌دولتی نیز مدیران دولتی منصوب هستند. از سوی دیگر، بخش عمده‌ای از ثروت بخش خصوصی را بخش دولتی به گروگان گرفته است و با مدیریت دولتی می‌خواهیم رونق تولید ایجاد کنیم.

پیوسته‌های بودجه را که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که ترازشان زیان‌ده است. حالا ما چطور در یک نظام اقتصادی که بخش اعظم ثروت در اختیار دولت و شبه‌دولتی‌هاست، می‌خواهیم رونق ایجاد کنیم. تقریباً می‌توان گفت اکثر شرکت‌های بزرگ تولیدی که سهامی عام هستند، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم وابسته به دولت هستند و مدیران آنها را دولت یا سازمان‌های وابسته به دولت تعیین می‌کند. البته اگر ما در شرایط عادی بودیم و تحریم نبودیم، این شرکت‌ها وضعیت بحرانی داشتند. حالا الان که بهانه هم دارند که ارز نداریم و نقدینگی نداریم. بر این اساس، باید تکلیف شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی روشن شود؛ وگرنه الان هر چقدر هم در شرایط بحرانی بیاوریم منابع به این شرکت‌ها بدهیم، منابع را روی زبان‌های قبل انباشته می‌کنند؛ اتفاق دیگری نمی‌افتد. رونق تولید باید در یک فضای رقابتی و با فعالیت بخش خصوصی و نظارت دولت صورت گیرد. این فضا در حال حاضر اصلاً وجود ندارد. بنابراین من فکر می‌کنم که ما باید نحوه اداره بنگاه‌های دولتی را حل و فصل کنیم.

رضایسه

تحلیلگر ارشد صنعت



چالش‌های تولید و راهکار خروج از بحران واحدهای تولیدی، موضوعی بود که در نشست رونق تولید؛ باید‌ها و نیاید‌ها در مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور مورد بررسی قرار گرفت. در این نشست، ضمن بررسی وضعیت صنایع و تولید کشور، پیشنهادهای همچون تشکیل ستاد ویژه فرماندهی صادرات غیرنفتی و ایجاد برنامه مدیریت تغییر مطرح شد. رونق تولید، موضوع جدیدی نیست؛ موضوع مستمر و همیشگی بوده و جزء دغدغه‌های اصلی بحث اقتصاد مقاومتی است.

اما دو مساله حاد به تازگی به آن اضافه شده و آن نیز به دلیل تحریم‌ها است. یک مساله، ارز است که تمام بخش تولید را تحت تاثیر قرار داده است. موضوع دوم، نقدینگی است که با توجه به شرایط تورمی و تغییر نرخ ارز و مواد اولیه، سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، مساله اصلی امروز آنها شده است. در این میان، موضوع مهم این است که چند درصد سهم تولید مربوط به دولتی‌ها و چند درصد مربوط به شبه دولتی‌ها و چند درصد مربوط به خصوصی‌ها است؟!

آخرین آماري که با کمک سازمان برنامه و بودجه و وزارت اقتصاد طی سال‌های ۹۲ تا ۹۶ تهیه کردیم، نشان می‌دهد بیش از ۷۵

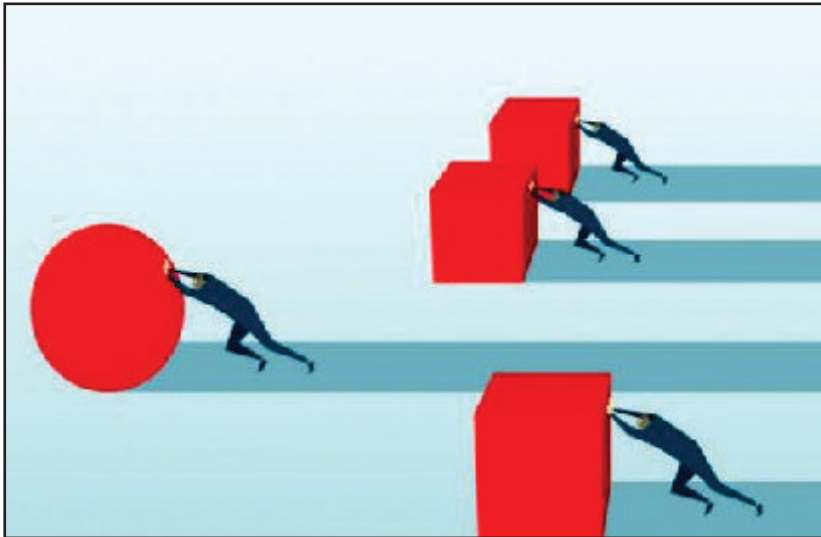
می‌توانیم به جایی برسیم؟ در حال حاضر اگر به واحدهای تولیدی دولتی ارز هم بدهیم، باز هم به جایی نخواهند رسید. فضای سیاستی صنعت ایران با وجود برخورداری اقتصاد کشور، فضای مناسب برای شکوفایی صنعتی نبوده است. به نظر می‌رسد دو عامل اصلی، بازدارنده توسعه صنعتی کشور بوده و خواهد بود. فقدان نظام تدبیر شایسته و غفلت سرمایه اجتماعی، این دو عامل هستند. بر این اساس، در سالی که رونق تولید در دستور کار همه قوا قرار گرفته، ما به برنامه مدیریت تغییر نیاز داریم.

واردات مورد نیاز بخش صنعت تأمین کنیم و چگونه نقدینگی برای گردش چرخ‌های صنعتی فراهم کنیم. بر این اساس، صحبت از استراتژی در حال حاضر شاید موضوعیت نداشته باشد. نظام صنعتی باید مورد توجه قرار گیرد. اگر قرار است ما رونق تولید داشته باشیم، باید به این موضوع توجه کنیم که صنعت یک بنگاه نیست که ما مدیر آن باشیم و به عنوان مدیر تصمیم بگیریم که چقدر سرمایه‌گذاری و تولید کنیم. آیا صرفاً ما با تکیه بر روی تعیین نرخ رشد، میزان نقدینگی مورد نیاز و ارز مورد نیاز

تجهیزات است. همچنین، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی است، یعنی آموزش، بهداشت و آزادی‌های انسانی.

به نظر می‌رسد اگر فقط با نگاه بنگاه یا یک سازمان به تولید نگاه کنیم، به جایی نمی‌رسیم. ما باید در مسائل جدی نظام تدبیر بخش صنعت، فکر کنیم و تمام نظاماتی که با صنعت و تولید سر و کار دارند، دستکاری کنیم تا تولید صنعتی صورت گیرد. استراتژی توسعه صنعتی هم اگر داشتیم، در شرایط فعلی دیگر صحبت از آن نمی‌شود. ما فقط نگران این هستیم که چگونه ارز را برای

تولید و نارسایی‌های ساختاری



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران روز دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه میزبان وزیر صنعت، معدن و تجارت و همچنین وزیر اقتصاد و رئیس کمیسیون اقتصاد مجلس و نمایندگان نهادهای حاضر در شورای گفت‌وگو بود. یکی از دستوره‌های جلسه این نشست موضوع تنگنای تولید بود. نوشته حاضر به صورت تیتروار، چالش‌ها و مشکلات تولید صنعتی را بررسی کرده است. بررسی حاضر از سوی معاونت اقتصادی اتاق انجام و در نشست شورای گفت‌وگو به بحث گذاشته شد. راهکارهای اتاق نیز در این نوشته آمده است که می‌خوانید:

◆ مشکلات ساختاری تولید

۱- عدم جذابیت تولید در مقایسه با بازارهای رقیب
* سودآوری بالای فعالیت‌های سودآوری در بازارهای رقیب تولید (مسکن، طلا، ارز و...) و عدم پرداخت مالیات.

* بالا بودن هزینه‌های سربار تولید
* عدم ثبات سیاسی و کاهش قابلیت پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد

* کسب رتبه ۱۱۷ کشور در ثبات اقتصاد کلان از میان ۱۴۰ کشور بر اساس شاخص رقابت‌پذیری ۲۰۱۸ (امارات، قطر و عربستان در جایگاه اول در این زیرشاخص قرار دارند)

* حجم قاچاق ورودی ۱۲ میلیارد دلار و حجم قاچاق خروجی ۹۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۹۶، برآورد شده است.

* بر اساس گزارش وزارت اقتصاد، حجم اقتصاد زیرزمینی در سال ۱۳۹۶ معادل ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد شده است و متوسط فرار مالیاتی طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۶۰ معادل ۳۵ درصد درآمدهای مالیاتی محاسبه شده است.

۲- تک‌محصولی بودن اقتصاد و تأثیرپذیری اقتصاد کشور

* وابستگی بالای اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از صادرات نفت (بخش نفت موتور محرک اقتصاد کشور): سهم ۷۰ درصدی صادرات نفتی از کل صادرات کشور طی دوره ده ساله ۱۳۸۸ الی سه ماهه ۱۳۹۷ * وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و تأثیرپذیری آن از متغییر برون‌زای قیمت نفت: سهم ۳۵,۵ درصدی نفت از کل درآمدهای تحقق یافته دولت طی سال‌های ۱۳۸۸ الی ۹ ماهه ۱۳۹۷

۳- عدم وجود سند استراتژی توسعه صنعتی. غیربرنامه‌ای و غیرهدفمند بودن حمایت‌های صورت گرفته و اتلاف منابع

بررسی مرکز پژوهش‌های مجلس حاکی از آن است که علی‌رغم تصویب انواع قوانین حمایتی در قالب آیین‌نامه‌ها و قوانین که با هدف تسهیل تولید و با نظرسنجی از بخش خصوصی تاکنون تدوین شده‌اند، عمده این قوانین ماهیت بخشی، منطقه‌ای و غیربرنامه داشته و هدف اصلی آنها سودآوری یا کاهش زیان‌دهی برخی فعالیت‌های اقتصادی بوده است.

۴- وابستگی ساختاری تولید کشور به واردات مواد اولیه، کارآهای واسطه‌ای و سرمایه‌های

* وابستگی بیش از ۷۷ درصدی تولید به واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌های طی سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۷

* ضربه‌پذیری واحدهای تولیدی در مقابل هر نوع شوک خارجی مانند تحریم‌ها و ایجاد محدودیت برای واردات کشور

۵- تعدد قوانین، عدم ثبات و پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد

* افزایش نامنی اقتصادی و ترجیح فعالان اقتصادی به ملاحظات کوتاه‌مدت در مقابل ملاحظات بلندمدت

* بر اساس گزارش رقابت‌پذیری ۲۰۱۸، ایران در شاخص دست‌وپاگیر بودن و بار مقررات دولتی در جایگاه ۰۷ از بین ۱۴۰ کشور قرار گرفته است.

۶- فساد گسترده

* از بین بردن فرصت رقابت عادلانه و افزایش شرایط نابرابری برای فعالان اقتصادی

- کسب رتبه ۱۳۰ از بین ۱۸۰ کشور در شاخص ادراک فساد در سال ۲۰۱۷

- بر اساس گزارش‌های پایش ملی محیط کسب و کار معاونت اقتصادی اتاق ایران، از تابستان ۹۷ تا انتهای سال گذشته، فساد به پنجمین مانع محیط

کسب و کار کشور مبدل گشته - توزیع ۵۰ هزار میلیارد تومان رانت در فاصله ماه‌های خرداد تا مرداد ۹۷ به دلیل وجود نظام نرخ ارز چندگانه (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس) ۷- ارتباط ضعیف نظام تامین مالی و بخش تولید

* رشد ۲۶ درصدی نقدینگی و متوسط رشد اقتصادی بدون نفت ۲,۲ در دوره ۱۰ ساله ۹۶-۸۷

* دشواری تامین مالی از بانک‌ها طی ۱۰ فصل منتهی به زمستان ۹۷ یکی از ۳ کشور اول محیط کسب و کار کشور

* مشکل تامین مالی علت تعطیلی قریب به ۷۰ درصد بنگاه‌های کوچک و متوسط طی دوره ۷۰ تا ۹۵ (سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران)

* سهم بخش‌های مولد کشاورزی، صنعت و معدن از تسهیلات اعطایی بانک‌ها در دوره زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ به طور متوسط کمتر از ۴۰ درصد

* کاهش سهم بخش کشاورزی از تسهیلات اعطایی نظام بانکی از ۸,۵۸ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۷,۵۶ درصد در سال ۱۳۹۷

* کاهش سهم بخش صنعت و معدن از ۳۱,۵۵ در سال ۱۳۹۰ به ۲۷ درصد در سال ۱۳۹۷

۸- فشار مالیاتی بر تولید

* سهم ۳۸ درصدی مالیات بر اشخاص حقوقی از کل درآمدهای مالیاتی تحقق یافته طی دوره ۱۳۸۸ الی ۹ ماهه ۱۳۹۷

* طی این دوره مالیات بر اشخاص حقوقی غیردولتی با متوسط سهم ۵۹ درصد، عمده‌ترین جزء مالیات بر اشخاص حقوقی است.

* در حالیکه به علت رکود حاکم بر اقتصاد کشور در طی شش سال اخیر این انتظار می‌رفت که

- مشروط ساختن تخصیص‌های بودجه‌ای به دستگاه‌ها، بر اساس میزان درآمدزایی و اثرگذاری آنها در اقتصاد (بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد)
- بازنگری در ساختار شرکت‌های دولتی
* گذر از اقتصاد نفتی به اقتصاد دانش‌بنیان از طریق:

- اصلاح محیط حقوقی، محیط آموزشی، محیط علمی و محیط فناوری و نوآوری کسب و کار
- اصلاح حقوق مالکیت معنوی
* تنوع بخشی به صادرات غیرنفتی از طریق:
- تنوع در کالاهای صادراتی صنعتی با ارزش افزوده
- نیازسنجی بازارهای هدف جدید (رویکرد متنوع‌سازی شرکای تجاری) در راستای تولید کالاهای صادراتی جدید

۳- تدوین سند استراتژی توسعه صنعتی

* تدوین استراتژی توسعه صنعتی تعیین اولویت‌های تولیدی با ملاحظات زیر:
- به دور از تصمیمات بی‌برنامه، کوتاه‌مدت و بعضاً متاثر از اقتصاد سیاسی رانتی با همکاری نخبگان دانشگاهی، استراتژیست‌ها و آینده‌پژوهان کشور
- گزینش صنایع پیشرو (مبتنی بر برنامه) برای ارتقای جایگاه کشور در تقسیم کار بین‌المللی
- شناسایی موانع فعالیت صنایع انتخابی
- حمایت‌ها باید هدفمند، مشروط، مدت‌دار و در طول زمان کاهش‌دهنده باشند.

- وجود سازوکار بارخورد، یادگیری و اصلاح در حمایت‌ها به صورت فرآیندی دائمی از طریق تعامل مستمر با فعالان بخش خصوصی صنعت مربوطه
- استراتژی خروج باید از ابتدا مشخص گردد تا از وابستگی دائمی صنایع به حمایت، جلوگیری شود.
- لزوم وجود اراده سیاسی در بالاترین سطوح در تدوین استراتژی توسعه و حمایت از نهادهای مجری در سطوح یادشده

* پرهیز از ارائه طرح با موضوع حمایت از تولید

۴- ثبات و پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد

* اقتصاد سیاست‌های ارزی ثبات‌ساز شامل:
- اتخاذ سیاست تک‌نرخی مبتنی بر سازوکارهای بازار و شفاف‌سازی سیاست ارزی کشور در بلندمدت از طریق حذف ارز دولتی با نرخ ترجیحی و حرکت به سوی حذف شکاف بین نرخ بازار نیما و بازار آزاد
- زمینه‌سازی در خصوص پوشش ریسک نوسانات نرخ ارز برای فعالین اقتصادی (اجرایی شدن تبصره ۳ ماده ۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر) تعدیل تدریجی نرخ ارز رسمی و جلوگیری از انتقال شوک‌ها و بی‌ثباتی جهانی به اقتصاد کشور
* اتخاذ سیاست‌های مالی ثبات‌ساز شامل:
- ایجاد انضباط مالی
- پایدارسازی منابع بودجه دولت
- کاهش هزینه‌های غیرضرور دولت

- شفاف کردن معاملات ارزی صرافی‌ها و بانک‌ها
- اخذ مالیات از درآمدهای پنهان و کسب‌وکارهای رقیب تولید از طریق نصب صندوق مکانیزه فروش و کارتخوان در همه مراکز کسب و کار، شناسنامه‌دار کردن همه تراکنش‌های بانکی و تلفیق بانک‌های اطلاعاتی موجود

- مشروط نمودن معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی اصناف به استفاده از صندوق‌های مکانیزه فروش
* کاهش هزینه‌های سربرای تولید از طریق:
- افزایش شفافیت و پاسخگویی دولت مانند کاهش تصمیمات خلق‌الساعه و تولیدکننده ناطمینانی برای بخش‌های تولیدی و صاحبان کسب و کار
* کاهش هزینه‌های مبادله و حذف ریسک‌های سیستماتیک از طریق:

- تنش‌زدایی در تعاملات بین‌المللی از طریق ارتقای دیپلماسی تجاری کشور و پرنرنگ‌تر شدن نقش حاکمیت در تعامل با کشورهای طرف تجاری با کشورهای منطقه، چین و هند در راستای بسترسازی برای فعالیت فعالان اقتصادی

- هماهنگی بین سیاست خارجی و داخلی و ارتقای هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی

* مقابله با قاچاق و کاهش سودآوری آن از طریق:
- مقابله با پول‌شویی و شفاف‌سازی حواله‌های ارزی از طریق مشمول کردن آنها در قانون مالیات بر ارزش افزوده هر چند با نرخ ترجیحی یا صفر
* اصلاح قوانین و مقررات در جهت کاهش موانع فعالیت‌های مولد مانند کاهش گریزگاه‌های مالیاتی، اصلاح ترانزنامه بانک‌ها

* اصلاح سیستم پاداش‌دهی و قاعده‌گذاری به نفع تولید از طریق مبارزه جدی با پدیده فساد، بهبود محیط کسب و کار، حفظ حقوق مالکیت و بهبود قوانین و مقررات در جهت منافع بخش‌های تولیدی
* ارجحیت منافع ملی و عمومی بر منافع بخشی و گروهی بر گروه‌های منفعت‌جوی خاص (بخش‌های غیرمولد و رانت‌جویان) در تصویب و اجرای نابرابر این قوانین و مقررات

* تاسیس کانون‌های بازاریابی تخصصی برای کشورهای هدف در راستای توسعه صادرات بخش خصوصی

۲- رهایی از تک‌محصولی بودن اقتصاد و تأثیرپذیری اقتصاد کشور از نوسانات ایجاد شده در قیمت نفت

* پیگیری برنامه‌های منظم و مشخص برای کاهش سهم درآمدهای نفتی در بودجه سالانه با اصلاح فرآیند بودجه‌ریزی از طریق:
- بازنگری در ساختار هزینه دولت و حذف کلیه بودجه‌های تخصیصی به امور غیرضروری
- به رسمیت شناختن دولت الکترونیک در راستای ارتقای شفافیت

در خصوص مالیات بخش‌های تولیدی - صنعتی بازنگری‌هایی صورت گیرد و در مقابل بخش‌هایی که به نوعی از پرداخت مالیات معاف هستند یا به دلیل شفاف نبودن سیستم درآمدزایی (همانند فعالیت‌های دلالی، سوداگری و...) در دایره شمول مالیات قرار نمی‌گرفتند، مورد هدف قرار گیرند.

۹- ضعف زیرساخت‌ها

* بر اساس گزارش رقابت‌پذیری ۲۰۱۸ جایگاه ۷۶ در میان ۱۴۰ کشور در شاخص زیرساخت‌ها، هم‌رده کشورهایی مثل ویتنام، ارمنستان، جمهوری دومینیکن، کاستاریکا و مولداوی
* خدمات حمل و نقل هوایی (جایگاه ۱۲۱)، انتقال برق (جایگاه ۹۵)، قابل اطمینان بودن تامین برق (جایگاه ۸۵)، نرخ برق‌رسانی (جایگاه ۷۹)، کارایی خدمات بندری (جایگاه ۷۵) و کیفیت جاده (جایگاه ۷۱)

۱۰- انحصار

* ساختار انحصاری صنایع بزرگ مبتنی بر منابع زیرزمینی و مزیت‌های انرژی (پتروشیمی، پالایشی، فولاد، مس و آلومینیوم)
* کسب جایگاه ۷۶ از میان ۱۴۰ کشور دنیا در شاخص میزان وجود بنگاه‌های مسلط بر بازار بر اساس گزارش رقابت‌پذیری ۲۰۱۸
* امارات، هند، عربستان، پاکستان و روسیه در این زمینه به ترتیب رتبه‌های ۱۸، ۲۱، ۲۶، ۵۳ و ۶۳ را کسب نموده‌اند.
* فولاد مبارکه در سال ۱۳۹۷ به تنهای انحصار تولید ۶۱٫۷ درصد از تولید محصولات فولادی را داشته است.

* فولاد خوزستان در سال ۱۳۹۷ انحصار تولید ۴۲٫۳ درصد از تولید فولاد خام را داشته است.

۱۱- کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم به سیاست‌گذاری‌های دولت

* کسب جایگاه ۶۶ در میان ۱۴۰ کشور در زیرشاخص سرمایه اجتماعی بر اساس گزارش رقابت‌پذیری در سال ۲۰۱۸ و امارات در جایگاه ۲۷ و قطر در جایگاه ۳۲

◆ راهکارهای رونق تولید

۱- جذابیت بخشی به تولید در مقایسه با بازارهای رقیب

* اصلاح ساختار نهادی ضد تولید اقتصاد و بالا بردن هزینه فعالیت‌های غیرمولد از طریق:
- اخذ مالیات بر عایدی سرمایه (معاملات مسکن، خودروی لوکس، ارز، سکه و طلا، سپرده‌های بانکی و اوراق بهادار)
- اجرایی نمودن سامانه اسکان املاک ایرانیان و اخذ مالیات از خانه‌های خالی در راستای افزایش عرضه و کلاشه تقاضای سرمایه‌گذاری مسکن

- فروش دارایی‌ها و اموال دولتی بلااستفاده و کم‌بازده
- کاستن از ابعاد تصدی‌گری بخش عمومی.
* پرهیز از تصویب قوانین و مقررات جدید و در عوض، تمرکز بر نظارت بر اجرای صحیح و درست قوانین موجود
* اتخاذ سیاست‌های پولی ثابت‌ساز شامل:
- کنترل رشد حجم نقدینگی و نرخ تورم
- ایجاد انضباط در سیستم بانکی
- کاستن از نرخ سود تسهیلات به طریق غیردستوری
* افزایش شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد از طریق:
- برقراری امنیت اقتصادی و سیاسی
- وضع قوانین ساده، صریح و غیرمتناقض
- شفافیت در توزیع و تخصیص ارز
- شفاف‌سازی نحوه توزیع منابع بانکی
- انتشار به موقع مقررات و رویه‌ها (اجرایی شده)
ماده ۲۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار)
- اعلام به موقع دولت در خصوص مناقصه‌ها و مزایده‌ها (اجرای ماده ۱۹ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار)
- شفاف‌سازی دلایل ترک تشریفات مناقصه در قراردادهای دولتی (اجرای ماده ۲۱ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار)
- انتشار به موقع آمار و اطلاعات اقتصادی
- شفاف‌سازی نحوه هزینه‌کرد بودجه از طریق کاهش ردیف‌های مترفرقه بودجه، بررسی دقیق بودجه شرکت‌های دولتی و...
۵- مبارزه با فساد
* افزایش استقلال و کارآمدی قوه قضاییه در راستای مبارزه با فساد
* افزایش هزینه‌های ارتکاب فساد
* اعمال نظارت بر قدرت سیاستمداران و نهادهای سیاسی از طریق نظام پیگرد قانونی سالم و مستقل (الزام آنها به پاسخگویی به مردم)
* کاهش بروکراسی ناکارآمد و پیچیده و حذف زمینه‌های پرداخت رشوه
* اجرایی نمودن ماده ۲۹ قانون برنامه ششم
* توسعه دولت الکترونیک در راستای الکترونیکی کردن فرآیندهای صدور مجوز
۶- نظام تامین مالی در خدمت تولید
* طراحی سازوکار تامین مالی توسعه‌ای
* اصلاح نظام بانکی هم‌راستا با تقویت بدنه و بخش مولد و بنگاه‌های کوچک و متوسط و انطباق قوانین سیستم بانکی با قوانین بین‌المللی بانکی
* نظارت بر نحوه تسهیلات‌دهی بانک‌ها
* سیاست‌گذاری در راستای افزایش انگیزه بنگاه‌ها برای استفاده از منابع بازار سرمایه به جای منابع بانکی (معرفی ابزارهای مالی جدید با توجه به نیازهای متفاوت بنگاه‌ها و گسترش بازارهای اولیه و ثانویه اوراق بهادار)

* به‌کارگیری جایگزین‌های سوئیفتم، رمز ارزها و دیگر روش‌های نوین دور زدن تحریم‌ها در راستای تسهیل مبادله پولی با شرکای اصلی تجاری
* تسهیل مقررات تامین مالی از بازار سرمایه شامل عرضه اولیه شرکت‌ها و نیز فروش اوراق توسط واحدهای تولیدی حتی کوچک
* حل مساله دارایی‌های سمی بانک‌ها
* برنامه‌ریزی برای بازپرداخت بدهی بخش دولتی به نظام بانکی

۷- کاستن فشار مالیاتی بر تولید

* اصلاح سیستم مالیات‌ستانی از طریق:
- بازتعریف و برقراری نظام مالیاتی انعطاف‌پذیر متناسب با چرخه‌های تجاری
- در نظر گرفتن مشوق برای بنگاه‌های اقتصادی فعال در شرایط رکودی (مشوق‌هایی نظیر اعطای معافیت‌های مالیاتی)
- تسریع در تصویب لایحه مالیات بر ارزش افزوده
- تسهیل در پرداخت مالیات‌ها به واسطه گسترش خدمات الکترونیک و ساده‌سازی پرداخت‌ها و ساده‌سازی و قابل فهم نمودن قوانین مالیاتی
- یکسان‌سازی بانک اطلاعات مینا و فرآیندها در رسیدگی به مالیات بر ارزش افزوده و مالیات مستقیم مودبان مالیاتی

- اجرای طرح جامع مالیاتی

- پیاده‌سازی نظام مالیات بر مجموع درآمد اشخاص
- اتخاذ رویه واحد در اخذ مالیات از بنگاه‌های خصوصی، شبه‌دولتی و نهادهای عمومی
- گسترش پایه‌های مالیاتی طراحی قوانین مالیاتی متناسب با بنگاه‌های کوچک و متوسط
- یکسان‌سازی بانک اطلاعات مینا و فرآیندها در

مالیات بر ارزش افزوده و مالیات مستقیم

* قبول ضمانت‌نامه مالیاتی از مودبان توسط سازمان امور مالیاتی بابت خرید و فروش‌های مدت‌دار و نسبه در راستای کاهش بحران سرمایه در گردش

۸- مقابله با انحصار

* حذف انحصار در صنایع بالادستی رقابت‌پذیر نمودن زنجیره ارزش صنایع از طریق:

- طراحی و ایجاد یک نهاد رگولاتوری (تنظیم‌گر بخشی) غیرمنتفع، مستقل از دین‌فغان (از جمله دولت) و قدرتمند و با ضمانت اجرای مناسب در حوزه تامین، قیمت‌گذاری و خوراک صنایع پتروشیمی و تنظیم مقررات بخشی، جهت تضمین منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و جذب سرمایه‌گذاری

- لغو معافیت مالیات بر درآمد صادرات مواد اولیه پتروشیمی، پالایشی و فلزات پایه در راستای تامین مواد اولیه صنایع پایین‌دستی و مکمل آنها
- توقف جزئی یا کلی استرداد مالیات ارزش افزوده در صادرات مواد اولیه (نفت، گاز، پالایشی، پتروشیمی، مس، فولاد و آلومینیوم) (نیازمند

تشکیل کارگروهی مشابه کارگروه ماده ۱۴۱ قانون مالیات‌های مستقیم به منظور بررسی و تصمیم‌گیری مورد به مورد)
- حذف سایر مشوق‌های صادراتی - از جمله جوایز صادراتی، انتخاب به عنوان صادرکننده نمونه و غیره - برای صنایع فوق‌الذکر و تخصیص منابع آن به تشویق صنایع مکمل (صنایع کوچک و متوسط)

- طراحی مشوق‌ها و الزاماتی در راستای نوآوری، تحقق و توسعه و سازگاری با محیط زیست برای صنایع بزرگ در راستای تجاری‌سازی فناوری‌ها و بهره‌وری بیشتر و حداقل‌سازی مخاطرات محیط‌زیستی (استفاده از ظرفیت ماه ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴)

- کاهش حداقل حقوق ورودی و سود بازرگانی مواد اولیه تولید داخل (محصولات صنایع بالادستی) به سطح صفر در راستای رقابتی نگه داشتن بازار مواد اولیه از طریق اصلاح قانون امور گمرکی
- توقف کلیه مداخلات دستوری دولت در قیمت‌گذاری، عرضه و تقاضای تولیدات این صنایع و واگذاری تنظیم‌گری مربوطه به رگولاتور پس از انجام اقدامات فوق‌الذکر

- اصلاح و ترویج ابزار بورس کالا و فعال‌سازی ابزارهای مالی بازار سرمایه مانند آتی‌ها، فورواردها و... جهت تسهیل ریسک تجاری در راستای سوق یافتن از معاملات فیزیکی در بورس کالا به سمت معاملات کاغذی

۹- بهبود وضعیت زیرساخت‌ها

* تامین و بهبود زیرساخت‌های پشتیبان تولید (تامین آب، برق، ارتباطات، بهداشت، حمل و نقل و...)
* تسریع در اتمام طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های مشارکت عمومی - خصوصی در اتمام طرح‌های عمرانی

۱۰- افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم به سیاست‌گذاری‌های دولت

* زمینه‌سازی برای جلب اعتماد عمومی و شکل‌گیری اجماع سیاسی در خصوص اصلاحات اقتصادی
* تدوین و پیاده‌سازی طرح جامع و مدون برای سنجش و پایش مداوم وضعیت سرمایه اجتماعی و شاخص‌های مرتبط

* فضا سازی جهت مشارکت فکری صاحب‌نظران حوزه علوم اجتماعی (اقتصاددانان و جامعه‌شناسی) در راستای تقویت سرمایه اجتماعی
* التزام به اجرای ماده ۲۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار در راستای بهبود اعتماد فعالین اقتصادی به دستگاه سیاستگذار

رونق تولید: زمینه، مسائل و لوازم



عبدالله قنبرلو

طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهبری نظام، مرجع اصلی تعیین سیاست‌های کلی و نظارت بر حسن اجرای آنهاست. انتخاب شعار برای سال یکی از سازوکار تعیین سیاست‌های کلی نظام است که طی دهه‌های اخیر توسط رهبر معظم انقلاب مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. انتخاب شعار واکنشی به مسائل اساسی و کمبودهای کلان کشور است که رسیدگی به آنها اولویت دارد. طی دهه اخیر، به سبب معضلات اقتصادی مداومی که در اقتصاد ایران وجود داشته و بعضاً حالت بحرانی پیدا کرده، اغلب شعارهای انتخاب شده نیز جهت‌گیری اقتصادی داشته‌اند. انتخاب شعار «رونق تولید» می‌تواند بدین معنی باشد که تولید و رشد در مقام موتور محرک اقتصاد کشور با تهدید جدی مواجه شده و بنابراین، نیازمند توجه ویژه فراگیر است.

بی‌تردید، صرف رسانه‌های کردن و تبلیغ شعار نمی‌تواند هدف شعار را برآورده کند. لازم است نهادهای و دستگاه‌های مختلف دولتی هر کدام به سهم خود در این زمینه برنامه‌ریزی کرده و در استفاده از منابع و ظرفیت‌های خویش اهتمام خاصی روی موضوع رونق تولید در کشور داشته باشند. به علاوه، از جامعه نیز انتظار می‌رود در تعامل با بازار و دولت، اهمیت راهبردی رونق تولید را مد نظر داشته باشد. در این صورت، می‌توان امیدوار بود آشفته‌گی‌های اقتصادی کشور تحت کنترل درآمده و اوضاع به تدریج به سمت عادی شدن سوق یابد. در عمل، تحقق چنین هدفی نیازمند پیش‌شرط‌ها و لوازمی است که بدون توجه و رسیدگی به آنها ممکن است موضوع ضرورت رونق تولید از مرحله ترویج رسانه‌ای و طرح نظرات کارشناسی چندان فراتر نرود. از این رو، در نوشتار حاضر تلاش می‌شود با بررسی واقعیت‌های عریبان مربوط به اقتصاد و تولید مالی، مسائل و لوازم رونق تولید مورد تحلیل قرار گیرد.

◆ برآوردها از اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۸

با توجه به شرایط پرتلاطمی که در سال ۱۳۹۷ بر اقتصاد ایران حاکم بود، بسیاری از فرآوردها در مورد چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۸ بدبینانه است. بر اساس برآوردی که صندوق بین‌المللی پول ارائه کرده، رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۹ حدود ۶ درصد کاهش خواهد داشت. این سازمان نرخ تورم و بیکاری را برای سال ۲۰۱۹ به ترتیب ۳۷٫۲ و ۱۵٫۴ درصد پیش‌بینی کرده است. البته صندوق این نکته را نیز مد نظر داشته که رویدادهای مثبت مثل گشایش در مساله تحریم‌ها سبب خواهد شد افت رشد کمتر

شده و هم نرخ تورم و بیکاری کمتر از برآورد مذکور باشد. پیش‌بینی بانک جهانی در مورد اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۹ کمی متفاوت است. کاهش رشدی که این سازمان تخمین زده، نزدیک ۴ درصد است. پیش‌بینی مراکز پژوهشی و محققان داخلی نیز کم و بیش بدبینانه است. طبق بررسی مرکز پژوهش‌های مجلس، در صورت ادامه وضع موجود، رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۸ در بهترین حالت منفی ۴٫۵٪ و در بدترین حالت منفی ۵٫۵٪ درصد خواهد بود. مهم‌ترین عاملی که سبب افت رشد خواهد شد، کاهش شدید صادرات نفت و در عین حال مشکلات دریافت ما به ازاء نقدی یا غیرنقدی صادرات است. البته اختلال در صدور نفت به معنی عادی بودن وضع سایر بخش‌ها نیست. تورم شدیدی که به دنبال جهش نرخ ارز رخ داده، باعث موج جدیدی از رکود خواهد شد. بنابراین اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۸ و شاید ۱۳۹۹ با یک رکود تورمی ملموسی درگیر خواهد بود. در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نیز این قید در نظر گرفته شده که حتی در صورت ادامه وضع موجود با اعمال به برنامه فعالانه ضد تحریم - که توسط این مرکز تدوین شده، ولی در دسترس عموم نیست - می‌شود تا حدی به کاهش وخامت اوضاع در سال‌های آتی کمک کرد.

در سال ۱۳۹۸، بخش‌های مختلف اقتصاد ایران با رکود مواجه خواهد شد. البته شدت و ضعف آن در حوزه‌های مختلف متفاوت است. طبق پیش‌بینی مرکز پژوهش‌های مجلس، بخش کشاورزی در سال آینده رشد بیشتری را تجربه خواهد کرد. از یک سو، وابستگی بخش کشاورزی به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به نسبت کمتر

است و از سوی دیگر، بهبود وضع بارندگی در سال زراعی جدید به کمک این بخش خواهد آمد. در صورتیکه دولت بتواند با مدیریت تحریم‌ها آسیب آنها به بخش‌های غیرنفتی را کاهش دهد، این امکان وجود دارد که رشد اقتصادی کشور بدون احتساب بخش نفت مثبت باشد. اما با توجه به وابستگی شدید اقتصاد کشور به نفت، عملکرد کلی اقتصاد منفی خواهد بود. برآوردهای کلی حاکی از آن است که نرخ دلار بین ۱۲ تا ۱۵ هزار دلار در نوسان باشد. البته در صورت کنترل بازار ارز این امکان وجود دارد که دلار در کانال ۱۲ هزار و حتی شاید کمی پایین‌تر باقی بماند که نتیجه آن ثبات نسبی خواهد بود اما در نرخ‌های بالا تلاطم بیشتری ایجاد خواهد کرد. چنانکه از نکات فوق فهم می‌شود، سال پیش رو در صورت تداوم وضع موجود سالی سخت برای اقتصاد ایران خواهد بود. حال، برای کنترل اوضاع دو راه پیش روی ایران قرار دارد: نخست، تلاش برای رفع تحریم‌ها و دوم، تلاش برای کاهش آثار منفی تحریم‌ها. نظام جمهوری اسلامی در شرایط کنونی مذاکره برای رفع تحریم‌ها را بی‌فایده می‌داند و روی گزینه دوم یعنی کاهش تبعات تحریم‌ها تاکید دارد. هر چند اغلب اقتصاددانان سختی شرایط در سال آینده را تایید می‌کنند، اما کم نیستند کسانی که فکر می‌کنند امکان برقراری ثبات با همین شرایط وجود دارد. در صورتیکه دولت بتواند اقتصاد کشور را از تلاطم‌های مخرب حفظ کرده و ثبات نسبی برقرار کند، می‌توان به بهبود تدریجی اوضاع در سال‌های بعد امیدوار بود. شعار رونق تولید در این راستا انتخاب شده است. اگر روی بخش‌های غیرنفتی مستعد کشور سرمایه‌گذاری شده و رشد کلی آنها مثبت باشد، عبور از دوره تحریم آسان‌تر و قابل تحمل‌تر خواهد بود.

داده، محدودیت‌ها بیشتر نیز شده است. بنابراین، اولویت‌بندی هوشمندانه در تامین مالی پروژه‌ها اهمیت پیدا می‌کند. برای مثال، پروژه‌هایی که در کار تولید کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای فعال خواهند شد، احتمالاً بیشتر از آنهایی که قرار است در تولید کالاهای مصرفی فعالیت کنند، اهمیت راهبردی دارند. البته این یک قاعده ۱۰۰ درصدی نیست و ممکن است بعضی تولید کالاهای مصرفی از اولویت حمایتی بالایی برخوردار باشد. این وظیفه سیاستگذار است که با بررسی پروژه‌های تولیدی از زوایای مختلف در مورد فوریت حمایت از آنها تصمیم‌گیری کند. در عین حال، می‌توان به این نکته اشاره کرد که پروژه‌هایی که در مراحل پایانی تکمیل بوده و فاصله کمتری با مرحله تولید دارند، از اولویت بیشتری برخوردار باشند. پروژه ناتمام چه در فازهای اولیه توقف کرده باشد یا پایانی، در هر صورت فاقد امکان تولید است. اما اگر تامین مالی واحدهایی که تا مرحله تولید فاصله و هزینه کمتری نیاز دارند، اولویت یابد، فرآیند تولید و رشد کشور سرعت بیشتری می‌گیرد. با این تدابیر، بهره‌وری منابع داخلی امکان افزایش خواهند داشت. این نکات به معنی تأیید حمایت از پروژه‌های ناکارآمد یا نادیده گرفتن مطالبات معوق بانک‌ها نیست. شعار رونق تولید نباید سبب شود پروژه‌های ناکارآمد یا آنهایی که با انگیزه رانت‌جویی تعریف شده‌اند، از حمایت برخوردار شوند.

◆ مقابله با فعالیت سفته‌بازانه

اصلاح محیط کسب و کار فقط با تشویق فعالیت‌های تولیدی حاصل نمی‌شود. لازم است در کنار آن، هزینه فعالیت‌های نامولد نیز افزایش یابد. یکی از معضلات بزرگ اقتصاد ایران این است که فعالیت‌های سوداگرانه در آن از سودآوری و جذابیت زیادی برخوردارند. در صورتیکه چشم‌انداز سود سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های سفته‌بازانه، بالاتر از فعالیت‌های تولیدی باشد، قطعاً سرمایه‌ها به سمت بازارهایی چون ارز، طلا، مسکن و سایر اقدامات سفته‌بازانه هدایت خواهند شد که نتیجه آن خصوصاً در بخش ارز و طلا بسیار مخرب است. حمایت سیاستگذار از تولید در صورتی نتیجه‌بخش خواهد بود که چشم‌انداز سودآوری در آن بالاتر از سایر فعالیت‌های اقتصادی موازی شود. البته سفته‌بازی مجموعه متنوعی از فعالیت‌ها را شامل می‌شود. بعضی مثل مسکن تبعات منفی کمتری دارند و حتی ممکن است به نحوی سیگنال تولید ایجاد کنند، اما فرآیند شدن سفته‌بازی و بالاخص سوق یافتن آن به سمت بازار ارز می‌تواند تبعات مخربی به دنبال داشته باشد. این وظیفه سیاستگذار است که با بررسی ابعاد مختلف فعالیت‌های سفته‌بازانه برای محدودسازی آنها چاره‌اندیشی کند. در غیر این صورت، تولید همچنان قربانی خواهد شد.



◆ پیش‌نیازهای رونق تولید

تحریک تولید و رشد در هر اقتصادی مستلزم تجهیز و استفاده درست از عوامل تولید است. سرمایه، نیروی کار، زمین، تکنولوژی و مدیریت مهم‌ترین عوامل تولید هستند که البته در میان آنها نقش دو عنصر سرمایه و نیروی کار بسیار اساسی است. مهم‌ترین کمبودهایی که اقتصاد ایران با آنها درگیر است، عبارتند از سرمایه و تکنولوژی. تحریم‌های بین‌المللی نیز این دو عامل را هدف قرار داده‌اند. هر چند تحریم‌ها در برابر ورود تکنولوژی و سرمایه خارجی مانع ایجاد کرده‌اند، اما باتکیه بر قابلیت‌های داخلی همچون توسعه زیرساخت‌های آموزشی - پژوهشی و اصلاح ساختارهای پولی و مالی کشور، تا حدی خلاها قابل جبران هستند.

در یک عبارت کلی، رونق تولید مستلزم تسهیل شرایط تولید است. اگر تحریم‌های خارجی شرایط تولید را سخت کرده، می‌توان با رفع موانع داخلی در فرآیند تولید گشایش ایجاد کرد. این نکته مهم را باید در نظر داشت که تحریم‌ها تنها عامل عقب افتاده اقتصاد ایران نیستند، بلکه عوامل داخلی بنیادینی وجود دارند که حتی در اقتصاد بدون تحریم نیز به صورت مانع شکوفایی و توسعه عمل می‌کنند. بنابراین، حال که فشارهای خارجی به حداکثر رسیده‌اند، رسیدگی به مسائل داخلی یک ضرورت به حساب می‌آید. تسهیل فرآیند تولید، ضمن اینکه نیازمند اقدامات سلبی است، لازم است با بعضی اقدامات سلبی دیگر همراه شود. در کنار تشویق فعالیت‌های مولد بایستی هزینه‌های فعالیت‌های غیرمولد یا ضد تولید را بالا برد. در این چارچوب، توجه به چند نکته زیر اهمیت اساسی دارد:

◆ اصلاح مقررات تولید

مقرراتی که مستقیم یا غیرمستقیم تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهند، متنوعند. فردی که درصدد احداث یک بنگاه برای تولید و احیانا صادرات است، در برابر مجموعه‌ای از مقررات قرار دارد که به نحای مختلف بر چشم‌انداز سودآوری شرکت اثرگذارند. لازم است این مقررات از شرایط مجوز تاسیس شرکت گرفته تا تسهیلات بانکی، مالیات و امور مربوط به نیروی کار به نحوی سامان یابند که چشم‌انداز سودآوری شرکت را تقویت کنند. در عین حال، لازم است شرکت‌های مولد دارای ارزش افزوده بالا تحت حمایت بیشتری قرار گیرند. شرکت‌هایی که در کار خام‌فروشی فعالند، با اینکه در خدمت رشد اقتصادی کشور قرار دارند، اما در مقایسه با شرکت‌های دارای ارزش افزوده بالا استفاده کم‌بهره‌تری از منابع موجود دارند. برای مثال، شرکت‌های پتروشیمی در قیاس با شرکت‌های نفتی ارزش افزوده بیشتری ایجاد می‌کنند. از این رو، لازم است قوانین و مقررات کشور مشوق‌های بیشتری برای این گونه شرکت‌ها در نظر بگیرد. واقعیت این است که فضای کسب و کار در ایران چندان مناسب نیست. در یکی از گزارش‌های اخیر بانک جهانی، در میان ۱۹۰ کشور بررسی شده از نظر فضای کسب و کار در سال ۲۰۱۸، رتبه ایران ۱۲۸ است. در سال ۲۰۱۷، رتبه ایران در این شاخص ۱۲۴ بود. این نشان می‌دهد اقتصاد ایران از موانع قانونی و نهادی زیادی رنج می‌برد.

◆ اولویت‌بندی هوشمندانه در حمایت از پروژه‌ها

در حال حاضر پروژه‌های تولید مختلفی در کشور به صورت نیمه‌تمام یا ناقص رها شده‌اند که برای تکمیل و بهره‌برداری نیازمند تامین مالی هستند. طبیعی است که سیستم بانکی و بازار سرمایه کشور توانایی کافی برای تامین مالی همه پروژه‌ها ندارد. به خصوص با توجه به تورمی که در سال اخیر رخ

متکی بر علم و پژوهش است؛ راهبردهایی که با تکیه بر فکر و تخصص نخبگان ذریبند تدوین می‌شوند. بنابراین، شایسته است ضمن پرهیز از تبلیغات و تشریفات پرهزینه و زاید، نظرات متخصصان مرتبط با تولید را جویا شد و بر مبنای آن تصمیم‌گیری کرد.

◆ نتیجه‌گیری

در شرایطی که فشارهای بین‌المللی حداکثری علیه اقتصاد ایران ادامه دارد و کارشناسان سال ۱۳۹۸ را سال سختی توأم با رکود تومی پیش‌بینی کرده‌اند، حرکت‌های مبتکرانه برای تقویت زیرساخت‌های تولیدی می‌تواند تا حدی از بار فشار بکاهد. این واقعیت را باید در نظر داشت که اقتصاد ایران با موانع ساختاری و مدیریتی بزرگی درگیر است. آثار این موانع به نحوی بوده که حتی در شرایط بدون تحریم هم برنامه‌های توسعه تولید با مشکل همراهند. حال، با اضافه شدن این حجم از تحریم‌ها واضح است که هدایت اقتصاد به مسیر رشد و توسعه کاری بسیار سخت خواهد بود. اهمیت شعار رونق تولید در این است که بار دیگر توجه تصمیم‌گیران کشور را به سمت اهمیت تولید و لوازم توسعه آن جلب می‌کند.

پیشبرد موفقیت‌آمیز شعار رونق تولید در گام نخست، مستلزم باور ارکان مختلف نظام سیاسی و جامعه به ضرورت آن و سپس تلاش برای تدوین و اجرای استراتژی‌های موثر تقویت تولید است. در صورتیکه هر یک از دستگاه‌ها و نهادهای کشور به سهم خود در این مسیر برنامه‌ریزی کرده و در اجرای آن جدیت داشته باشند، می‌توان به نتایج مثبتی رسید. چنانکه در محث لوازم تولید اشاره شد، تقویت زیرساخت‌های تولیدی کشور نیازمند همکاری در سطوح مختلف نظام سیاسی و جامعه است. محدود کردن مسئولیت‌های به دولت راهگشا نخواهد بود. نهادهای قانونگذاری موظف به اصلاح مقررات مربوط به تولید هستند. دستگاه قضایی با مبارزه موثر علیه فساد، رانت‌خواری و فساد می‌تواند نقش مهمی در اصلاح فضای کسب و کار بازی کند. دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی می‌توانند نیازهای علمی و کارشناسی مرتبط با موضوع تولید را برآورده کنند. وزارت امور خارجه و سایر ارگان‌های دخیل در سیاستگذاری خارجی می‌تواند در پیشبرد دیپلماسی اقتصادی کشور تکالیف خویش را انجام دهند. از همه نهادها و ارگان‌ها انتظار می‌رود در مورد ظرفیت‌هایشان برای کمک به بهبود روند تولید برنامه‌ریزی کنند. در صورتیکه چنین همکاری فراگیری در کلیت کشور جریان داشته باشد، امکان غلبه موثر بر موانع تولید جود خواهد داشت. در این صورت، نه تنها گذر از تحریم‌ها آسان خواهد بود، بلکه اساساً شرایط مناسب‌تری برای رشد و توسعه اقتصادی کشور در بلندمدت فراهم خواهد شد.

بر تقویت تولید اصرار دارد، چاره‌ای از اصلاح نظام مالیاتی به موازات ایجاد انضباط مالی ندارد. بانک مرکزی اخیراً تدابیری برای منضبط‌سازی سیستم بانکی اتخاذ کرده که مفید بوده و نیاز به توسعه دارد. در مورد نظام مالیاتی نیز دولت حرکت‌هایی را آغاز کرده، هر چند که هنوز به نتیجه مطلوب نرسیده است.

◆ آرامش اجتماعی و سیاسی

در یک فضای اجتماعی و سیاسی متلاطم، امکان ایجاد اقتصاد شکوفا وجود ندارد. سرمایه‌گذار به شدت از بی‌ثباتی‌های اجتماعی و تنش‌های سیاسی گریزان است. سرمایه‌گذار علاوه بر اینکه در شرایط حال نیازمند ثبات و آرامش است، در عین حال باید پیش‌بینی مثبتی از اوضاع و احوال آینده داشته باشد. زیرا استراتژی شرکت نه برای یک سال، بلکه برای چندین سال یا چندین دهه تنظیم می‌شود. از کلیه نهادهای دولتی و حاکمیتی انتظار می‌رود با انسجام و نگاه ملی به اختلافات فی‌مابین رسیدگی کرده و برای پیوند بیشتر بین جامعه و نظام سیاسی تلاش کنند. در عین حال، انتظار می‌رود در مناسبات بین‌المللی با دیپلماسی فعالانه‌ای برای بهبود روابط ایران با جهان خارج تلاش شود. فشار تحریم‌های خارجی نباید باعث شود سایر فرصت‌ها نادیده گرفته شود. تلاش‌های اخیر دولت برای توسعه همکاری با کشورهای همسایه، حرکت مفیدی است که نیاز به تداوم دارد. توسعه روابط با جهان خارج خصوصاً همسایگان، آسیا و اروپا پیش‌نیازی اساسی برای تقویت تولید است. به ویژه تولیدکنندگانی که به واردات کالاهای سرمایه‌ای - واسطه‌ای و بازارهای صادراتی خارجی وابستگی دارند، بیشتر نیازمند آرامش در روابط خارجی کشور هستند. فشار تحریم‌های بین‌المللی همچنین نباید موجب تقویت سناریوی بر خودر نظامی شود. سیاستمداران مختلفی در آمریکا و بعضی کشورهای منطقه مشتاق جنگ بین ایران و دشمنانش هستند. رفتارهای تحریک‌آمیز آنها نیز بیشتر با این هدف صورت می‌گیرد. شاید در شرایط کنونی بهترین گزینه در برابر این گونه رفتارها بی‌اعتنایی باشد.

◆ بهره‌گیری عملی از نظرات کارشناسان ذریبند

یکی از رویه‌های نادرستی که طی سال‌های اخیر در کشورمان باب شده، این است که شعارهای سال به بهانه‌ای برای هدایت بخشی از بودجه به سمت نشست‌ها، همایش‌ها، پروژه‌های پژوهشی، تبلیغات و امثالهم می‌شود. بدون اینکه نتایج عملی قابل توجهی از آنها حاصل شود. رونق تولید در ایران موانعی دارد که اغلب آنها همچون فساد، سوءمدیریت، قاچاق و ساختار معیوب برای اغلب تصمیم‌گیران محرز هستند. تحقق رونق تولید نیازمند تدوین راهبردهای

◆ مبارزه با فساد و رانت‌جویی

فساد و رانت‌جویی از مجاری مختلفی به تولید صدمه می‌زنند. در یک اقتصاد رانتی، تخصیص حمایت‌ها و مشوق‌ها بیشتر از اینکه بر مبنای شایستگی صورت گیرد. از طریق تبانی مستقیم یا غیرمستقیم میان صاحبان قدرت و سرمایه انجام می‌شود. سیاستگذار به جای اینکه به منافع کلان و بلندمدت کشور فکر کند، به منافع شخصی، خویشاوندی و حزبی خود ارجحیت می‌دهد. بسا پیوند کارگزاران دولت و رانت‌جویان گروه‌های هم‌سود شکل می‌گیرند که منافعشان در گروه همکاری پنهانکارانه فارغ از آثار ضدتولیدی آنهاست. فساد و رانت‌خواری سوای از تبعات سیاسی و اجتماعی - که نیازمند بحث‌های مستقل است - شدیداً برای فعالیت‌های تولیدی مخرب است. آلودگی سیستم اداری به فساد از یک سو باعث می‌شود در حمایت از فعالیت‌های تولیدی ضابطه‌مندی و جدیت لازم وجود نداشته باشد و از سوی دیگر، با صدمه زدن به اعتماد و احساس امنیت فعالان اقتصادی انگیزه تولید را از میان ببرد. بدیهی است هرچه شفافیت افزایش یافته و سازوکارهای نظارتی و قضایی قوی‌تر وجود داشته باشد، احتمال ایجاد این گونه پیوندهای مافیایی کاهش می‌یابد. در غیر این صورت، فساد و رانت‌خواری اجتناب‌ناپذیر خواهند بود.

◆ انضباط مالی و سخت‌گیری مالیاتی

اتکای کشور به درآمدهای نفتی، معمولاً مانع انضباط مالی و تخصیص کارای منابع بوده است. با موج اخیر فشارهای خارجی، اهمیت اصلاح و منضبط‌سازی ساختارهای مالی بیش از همیشه احساس می‌شود. مخاطبان انضباط مالی فراتر از سیستم بانکی است. نهادهای مختلفی از صندوق توسعه مالی تا صندوق‌های بانزنشستگی و کلیه سازمان‌های دولتی نیازمند انضباط مالی هستند. انضباط مالی از این جهت برای تولید مهم است که امکان مناسب‌ترین برای هدایت سرمایه‌های مالی به بخش تولید فراهم می‌کند. نظام مالیاتی کشور نیز به اصلاحات جدی نیاز دارد. از آنجا که در شرایط رکود، فشار مالیاتی بر تولیدکنندگان می‌تواند پیامدهای سوء به دنبال داشته باشد. اصلاح نظام مالیاتی به یک ضرورت فوری تبدیل شده است. هدف از اصلاح، این است که ضمن افزایش درآمدهای دولت، تخصیص منابع و امکانات کشور عادلانه و در عین حال مولد شود. در ایران، سازوکارهای مقابله با فرار مالیاتی ضعیف‌اند. درآمدهای مالیاتی بیشتر از طریق مالیات‌های سهل‌الوصول همچون مالیات بر حقوق تامین می‌شوند. به علاوه، معافیت‌های مالیاتی در ایران به نحوی پیش‌بینی شده‌اند که چندان در خدمت تولید قرار ندارند. این معافیت‌ها در مواردی جهت‌گیری رانت‌سازانه پیدا کرده و به فضای رقابتی اقتصاد کشور آسیب زده است. در صورتیکه سیاستگذار

ایران، نزدیک به یونان و دور از ایرلند



یونان کماکان در گیر بحران است و با آن دست و پنجه نرم می‌کند. پرسش اصلی این است که به‌رغم وجود بحران تقریباً مشترک و اتخاذ راهکارهای مشابه در این دو کشور، چرا آنها دارای نتایج مختلف و متفاوت در خصوص خروج بحران بوده‌اند؟ چه عواملی در این امر دخالت داشته است؟ در این مقاله ضمن پاسخ اجمالی به پرسش‌های مزبور، به تجزیه و تحلیل آموزه‌های راهبردی بحران‌های مطرحه برای جمهوری اسلامی ایران نیز پرداخته شده است.

◆ چارچوب مفهومی بحران

بحران عبارتست از برهم خوردن تعادل پدیده مورد نظر، به نحوی که حیات و موجودیت آن پدیده در معرض تهدید جدی و خطر قرار گیرد. به مراحل ماقبل از بحران، چالش گفته می‌شود. هرگاه نسبت به حل چالش‌های مربوطه اقدام شود، پدیده مورد مطالعه از بحران در امان خواهد بود. بحران از زوایای مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد که شامل «بعد» و «مراحل» می‌شود.

◆ مدیریت بحران اقتصادی در دو کشور یونان و ایرلند

کشورهای یونان و ایرلند ضعف‌های کارکردی در خصوص سیاست‌گذاری‌های مختلف اقتصادی داشتند. ناکارآمدی‌های مربوطه، به شکل‌گیری

ایرلند و یونان دو کشور شاخص‌اند که در ده سال اخیر با بحران اقتصادی مواجه شده و هر کدام راه خود را برای حل این بحران رفته‌اند. در تجربه دو کشور یاد شده کشور ایرلند به دلیل اینکه سرمایه اجتماعی قابل قبولی با سطح اعتماد بالاتر شهروندان به نهاد دولت مواجه بوده زودتر و کامیاب‌تر از دل بحران بیرون آمده و یونان هنوز با این بحران سروکار دارد، چون ضریب اعتماد شهروندان یونانی به نهاد دولت‌شان اندک و پرنوسان بوده است. اقتصاد ایران برای عبور از بحران البته مشابهت‌هایی با دو کشور یاد شده دارد، اما گزارش حاضر نشان می‌دهد که ایران به یونان نزدیک‌تر است تا ایرلند و این نشان‌دهنده اعتماد کمتر مردم به دولت و دولتمردان است. گزارش حاضر که خلاصه‌ای از یک گزارش مشروح است را در ادامه می‌خوانید:

◆ نقش سرمایه اجتماعی در مدیریت بحران اقتصادی

در این گزارش به بررسی اجمالی وضعیت دو کشور یونان و ایرلند که دارای «بحران مشترک اقتصادی» اما «نحوه خروج متفاوت از بحران» بودند، پرداخته شده است. بدین معنی که ایرلند بعد از گذشت چند سال از وقوع بحران، از خطر سقوط رها شده، ولی

اقتصاد ایران در دهه‌های تازه سپری شده روندهای عجیبی را تجربه کرده و ساختاری مختص به خود دارد که در اقتصاد کمتر کشوری دیده می‌شود. ساختار اقتصاد ایران بر پایه موارد اصول قانون اساسی و قانون‌ها و مقررات تدوین شدن از ماهیت قانون اساسی و همچنین اراده و خواست مدیران سیاسی و البته منافع گروهی مدیران دولتی شرکت‌های کوه‌پیکر و سازمان‌ها و نهادهای پرشمار دولتی شکل گرفته است. در ساختار فعلی دولت به مثابه یک قدرت سیاسی بسیار فراتر از نهادهای مدنی که البته در ذیل یک نظام سیاسی بالادستی فعالیت می‌کند قدرت بلامنازع اقتصاد ملی است. نهاد دولت در ایران حرف اول را می‌زند و بنگاه‌ها و خانواده‌ها تبعیت کامل از دولت را پذیرفته‌اند. کارکرد اقتصاد ایران با توجه به ساختاری با حاکمیت دولت اما در دهه‌های اخیر به دلیل تغییرات راهبردی دولت‌های مستقر و همچنین تأثیرپذیری از تحریم‌ها و محدودیت‌های اعمال شده بر متغیرهایی مثل صادرات، واردات، تقابل با دولت سلطه‌طلب آمریکا و... سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد با بحران‌هایی مواجه شده است. این بحران در ایران البته نمونه و مشابه خارجی دارد که

شد و اهداف مورد نظر تحقق پیدا نکرد. سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی می‌توانند در بستر زمان رو به کاهش روند و با باز تولید شوند که در ادامه مطالب به ابعادی از آنها پرداخته می‌شود.

◆ نحوه باز تولید اعتماد عمومی

در کشورهای جهان، باز تولید سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی، منوط به حسن کارکرد حاکمیت سیاسی است. حسن کارکرد حاکمیت سیاسی، موجب «اعتبار سیاستگذار» می‌گردد. بنابراین «اعتماد عمومی» وابسته به «اعتبار سیاستگذار» است. مولفه‌های گوناگون و مختلف در کسب اعتبار برای سیاستگذاران نقش دارند که نخبگان سیاسی با رعایت آنها می‌توانند در باز تولید اعتماد عمومی امیدوار باشند. رؤس عوامل موثر در اعتمادسازی شهروندان که باید از سوی نخبگان سیاسی مدنظر قرار گیرد، عبارتند از:

- تعهد به انجام اهداف قابل اجرا و تحقق پذیر.
- پرهیز از اعلام اهداف و برنامه‌های خیال‌پردازانه، متزلزل و متناقض.



- ثبات در سیاست‌ها و برنامه‌ها.
- حداکثر شفافیت در عملکردهای مالی و اقتصادی.
- مبارزه واقعی با فساد اداری.
- با عدم رعایت موارد مزبور، روند اعتماد عمومی کاهش می‌یابد و با رعایت آنها، «کارآمدی» دولت رقم می‌خورد که «اعتبار» حاکمیت سیاسی را بدست می‌دهد. در این وضعیت، سیاستگذار می‌تواند از اعتماد و همراهی مردم به عنوان مهم‌ترین مولفه سرمایه نامحسوس، در جهت پیشبرد اهداف و سیاست‌های کشور برخوردار شود و امیدوار به غلبه بر سخت‌ترین شرایط محیطی نیز باشد. از سوی دیگر باید افزود، فقدان اعتماد عمومی، نقش تعیین‌کننده و بازدارنده در رشد و توسعه کشور دارد و می‌تواند

و اجتماعی به عنوان «سرمایه‌های نامحسوس» نامگذاری می‌شوند. در توسعه و پیشرفت کشورها، سرمایه‌ها و مولفه‌های محسوس و مادی و هم‌چنین نامحسوس و غیرمادی نقش دارند.

◆ کارکرد اعتماد عمومی

سیاستگذاری نخبگان سیاسی، باورپذیری و اعتماد شهروندان را طلب می‌کند. بدین معنی که بدون اعتماد عمومی و روابط مناسب آحاد جامعه با حاکمیت، امیدی به تحقق اهداف و سیاستگذاری‌ها وجود نخواهد داشت. به عنوان نمونه، هرگاه در سیاستگذاری ریاضت اقتصادی، اعتماد دو جانبه فی‌مابین آحاد جامعه با حاکمیت سیاسی وجود نداشته باشد، آحاد جامعه از سیاستگذاری ریاضت اقتصادی حمایت نخواهند نمود. از این رو این سیاستگذاری دچار شکست می‌شود. به عبارت دیگر، هرگاه اعتماد عمومی نسبت به فضای سیاستگذاری نخبگان سیاسی خدشه‌دار گردد، جامعه وارد فرآیند «عدم اعتماد» می‌شود. این امر می‌تواند زمینه ساز ایجاد اختلال

چالش‌های اساسی و سپس بحران‌های گسترده در حوزه مالی و پولی انجامید. اوج آشکارگی بحران در این دو کشور در سال ۲۰۰۸ بود. هر یک از این کشورها، از یک‌سو دارای دلایل تقریباً مشترک برای «وقوع» بحران اقتصادی بودند و از سوی دیگر، نسخه مشترکی را نیز برای «مواجهه» با بحران اتخاذ نمودند. بدین معنی که هر دو کشور «کمک‌های مالی» بانک مرکزی اروپا و سایر کشورهای اروپایی را برای رفع و مدیریت بحران اقتصادی پیگیری می‌کردند. اما شرط اصلی کمک بانک مرکزی اروپا به این دو کشور، ارائه برنامه بازپرداخت‌های مالی و توانایی انجام تعهدات از سوی آنها بود. محور اصلی بازپرداخت تعهدات، معطوف به دو راهکار افزایش درآمدها و کاهش هزینه‌ها می‌شد.

◆ ارزیابی عملکرد مدیریت بحران اقتصادی

نخبگان سیاسی این کشورها برای مواجهه با بحران اقتصادی، راهبرد «ریاضت اقتصادی» را اتخاذ کردند. راهبرد مزبور، متضمن کاهش دستمزدها، اخراج نیروی کار و حذف هزینه‌های غیرضروری می‌شود. این تدابیر موجب کاهش هزینه‌های جاری می‌شود که زمینه لازم و توانایی مناسب را برای بازپرداخت تعهدات به بانک مرکزی اروپا فراهم می‌آورد. با بررسی عملکردهای دو کشور یونان و ایرلند در مواجهه با بحران ۲۰۰۸، مشاهده می‌شود که طی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۷، شاخص‌های کلان اقتصادی در ایرلند دارای بهبود چشمگیری بوده است.

درآمد سرانه یونان از ۳۱۹۹۷ دلار در سال ۲۰۰۸، به ۱۸۶۱۳ دلار در سال ۲۰۱۷ کاهش پیدا کرده است. اما درآمد سرانه ایرلند از ۶۱۲۵۸ دلار در سال ۲۰۰۸ به ۶۹۳۳۱ دلار در سال ۲۰۱۷ افزایش پیدا کرده است. صادرات کالا در یونان افزایش محدودی داشته، اما صادرات کالا در ایرلند از ۱۲۹٫۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ به ۲۱۹٫۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ افزایش پیدا کرده است. پرسش مهم این است که رمز «تفاوت» بین شاخص‌های کلان اقتصادی در این دو کشور به چه عاملی بازگشت دارد؟ کارشناسان بین‌المللی یکی از پاسخ‌های اساسی را در عنصر سرمایه اجتماعی جستجو می‌کنند.

◆ اهمیت سرمایه اجتماعی

نخبگان سیاسی کشورها برای ارزش آفرینی اقتصادی، محتاج سرمایه و دارایی هستند. سرمایه دارای انواع مختلفی همچون سرمایه فیزیکی، انسانی، طبیعی و مالی می‌شود. از جمله سرمایه‌های مهمی که در دهه‌های اخیر به اهمیت آن پی برده شده است. سرمایه اجتماعی می‌باشد. در تقسیم‌بندی‌های جدید، سرمایه فیزیکی و مالی به عنوان «سرمایه‌های محسوس» و سرمایه انسانی

سیاست‌های دولت را دچار چالش جدی سازد. با مروری بر شاخص وضعیت فساد در دو کشور یونان و ایرلند، این نکته به دست می‌آید که ایرلند از شفافیت مناسب برخوردار بوده، ولی یونان فاقد این وضعیت است. این امر موجب بازتولید اعتماد عمومی در ایرلند و کاهش آن در یونان شده است. جدول ذیل وضعیت فساد در این دو کشور را نشان می‌دهد: وضعیت فساد در کشور یونان طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۰، بدتر شده است، اما در کشور ایرلند وضعیت مناسبی وجود داشته باشد. این امر موجب کاهش ضریب اعتماد عمومی در یونان و بهبود کیفیت اعتماد عمومی در ایرلند شده است. وضعیت مزبور دلالت بر کاهش روابط متقابل مناسب آحاد جامعه با حاکمیت سیاسی در یونان و بهبود روابط مناسب در کشور ایرلند دارد. از این رو سیاستگذاری‌های نخبگان سیاسی در یونان به سبب ضعف اعتماد عمومی دچار چالش گردید و

افق روشن از مسیر آینده کشور وجود نداشت و از این رو سیاست‌های ریاضتی از سوی مردم تحمل نگردید. با آغاز سیاست‌های ریاضتی، موج گسترده‌ای از اعتراض عمومی در کشور ظهور و بروز پیدا کرد. تداوم این وضعیت، ضربه اساسی به اعتبار سیاست‌گذاران و نخبگان سیاسی وارد ساخت و برنامه‌های مدیریت بحران اقتصادی را تحت تأثیر جدی قرار داد.

اما به سبب کاهش فساد در کشور ایرلند، میزان اعتماد عمومی در نزد شهروندان ایرلندی، مناسب بود. از این رو برنامه ریاضت اقتصادی که از سوی سیاست‌گذاران ارائه شده بود، مورد پذیرش عمومی قرار گرفت و کشور با سرعت مناسب از بحران خارج شد.

به عنوان نمونه می‌توان به روند کسری بودجه و بدهی دولت در مقاطع مختلف بحران، در این دو کشور اشاره داشت. این امر می‌تواند آثار متفاوت

در سال ۲۰۱۷ کاهش یافته است. این روند دلالت بر مدیریت بحران اقتصادی در ایرلند و تداوم بحران در یونان دارد.

♦ ارزیابی

دو کشور یونان و ایرلند که دارای آشکارگی بحران مالی و اقتصادی در سال ۲۰۰۸ شدند، از نسخه درمانی یکسانی برای مدیریت بحران اقتصادی بهره‌گیری نمودند. ایرلند بعد از چند سال توانست بحران را پشت سر بگذارد، ولی یونان همچنان در دام بلندمدت بحران قرار دارد. کارشناسان در تبیین ریشه‌های «مشترک بحران» و «نتایج متفاوت» آن به عنصر «سرمایه اجتماعی» و «اعتماد عمومی» شهروندان نسبت به حاکمیت انگشت تأکید گذاشته‌اند.

بنابراین اگر چه دو کشور دارای بحران اقتصادی نسبتاً مشابه بودند، نسخه درمان مشترک دوجبهی مبتنی بر «دریافت کمک بیرونی» و «راهبرد ریاضت اقتصادی» را پیگیری کردند؛ اما عامل «اعتماد عمومی»، باعث شد تا دو کشور نتایج و پیامدهای متفاوتی را در مدیریت بحران اقتصادی داشته باشند. اعتماد مخدوش شده اجتماعی در یونان موجب شکل‌گیری پدیده پیچیده «معمای اجتماعی» گردید که دلالت بر بدترین درجه از اعتماد عمومی دارد. کارشناسان معتقد هستند که بدون حل چالش اعتماد عمومی، عبور کامل کشور یونان از بحران میسر و مقدور نخواهد بود.

♦ آموزه‌های راهبردی مدیریت بحران اقتصادی برای ایران

برای بهره‌گیری راهبردی در خصوص نحوه مدیریت بحران اقتصادی در کشورهای یونان و ایرلند برای ایران، قبل از هر اقدامی باید به بررسی سنجیت‌ها و یا عدم سنجیت‌های ایران با هر یک از کشورهای مورد بررسی پرداخت. با بررسی‌های به عمل آمده و براساس وضعیت شاخص‌های کلان اقتصادی، متاسفانه اقتصاد ایران دارای شباهت‌های بیشتر با اقتصاد یونان است. جدول ذیل این وضعیت را نشان می‌دهد:

همان‌طور که مشاهده می‌شود تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه هر دو کشور در سال ۲۰۱۷ نسبت به میزان تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه در سال بحران (۲۰۱۰) کاهش داشته است. حال آنکه قبلاً گفته شد، شاخص‌های کلان اقتصادی در کشور ایرلند در سال ۲۰۱۷ نسبت به سال بحران اقتصادی، بهبود پیدا کرده است. معنی و مفهوم نکات مزبور، گویای این است که کشور ایرلند از بحران خارج شده، اما کشورهای یونان و ایران کماکان در دام بحران اقتصادی



اعتماد و یا عدم اعتماد عمومی در دو کشور مذکور را نمایان سازد.

وضعیت بدهی دولت در هر دو کشور بعد از بحران رو به افزایش می‌گذارد. اما در سال ۲۰۱۶، وضعیت بدهی دولت در کشور ایرلند رو به کاهش و در یونان کماکان رو به افزایش می‌گذارد و به ۱۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی بالغ می‌گردد.

یکی دیگر از شاخص‌های بسیار مهم برای مدیریت بحران اقتصادی، میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. وضعیت جذب سرمایه‌گذاری خارجی، یکی از نمادهای مهم ثبات اقتصادی و اجتماعی کشورها محسوب می‌شود. جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایرلند از ۳۰۲۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸، به ۵۱٫۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ افزایش پیدا کرده است. اما در یونان میزان سرمایه‌گذاری خارجی از ۵٫۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸، به ۴ میلیارد دلار

برنامه‌های ریاضتی حاکمیت سیاسی برای مدیریت بحران اقتصادی از اثربخشی‌های لازم برخوردار نبود.

♦ آثار وضعیت اعتماد عمومی در یونان و ایرلند

کارشناسان بین‌المللی، ذهنیت‌های اجتماعی متفاوت در خصوص فضای سیاستگذاری در کشورهای یونان و ایرلند را دارای نقش تعیین‌کننده در مواجهه و همچنین مدیریت بحران اقتصادی ۲۰۰۸ آنها، می‌دانند. بدین معنا که «ناکارآمدی» سیاستگذاری نخبگان سیاسی و همچنین وضعیت فساد در کشور یونان، موجب شکل‌گیری ذهنیتی از سوی شهروندان نسبت به نظام تدبیر کشور شد که «چشم‌انداز تیره و مبهمی از آینده سیاستگذاری» را بدست داد. لذا به سبب ضعف اعتماد عمومی در خصوص سیستم سیاستگذاری در یونان، نگرش مناسب نسبت به

وضعیت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در ایران دارد. بازتاب چالش‌های جدی مربوط به اعتماد عمومی در کشور را می‌توان در تقاضای غیرمنطقی برای ارزهای خارجی مشاهده کرد. این امر گویای کاستی جدی در فضای عمومی و سرمایه اجتماعی در کشور می‌باشد. این وضعیت، از یک سو موجب ظهور و بروز بی‌ثباتی و تکانه‌های شدید روانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جامعه شده و از سوی دیگر نیز در روند سیاستگذاری عمومی ایجاد اختلال نموده است.

چالش در سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی به سبب ضعف‌های کارکردی نخبگان سیاسی در خصوص بهبود شاخص‌های کلان رشد و توسعه اقتصادی و همچنین افزایش چشمگیر حجم و ابعاد فساد در ساختار اداری کشور، می‌باشد. نکته بسیار مهم این است که فساد با رشد و توسعه اقتصادی رابطه معکوس دارد و تمامی آنها موجب کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی می‌شود.



بدین معنی که با افزایش فساد، وضعیت رشد و توسعه اقتصادی نامناسب شده و سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی کاهش پیدا می‌کند. براساس گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل، با یک درجه بدتر شدن وضعیت فساد در یک کشور، به طور متوسط حدود ۳۸۸ دلار از تولید سرانه ناخالص داخلی کاهش پیدا می‌کند. تمامی این نکات، توجه جدی به کاهش فساد و بهبود شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی، برای بازسازی اعتماد عمومی را لازم و ضروری می‌سازد. وضعیت فساد در ایران دارای شرایط نامناسب‌تر نسبت به یونان و ایرلند می‌باشد. از آنجا که فساد با رشد و توسعه اقتصادی رابطه معکوس دارد، انتظار می‌رود که شاخص رقابت‌پذیری اقتصادی در ایران دارای شرایط نامناسب‌تر نسبت به یونان و ایرلند نیز باشد.

برای دو کشور در برداشته است. پس از آشکارگی آثار نامناسب سیاست‌های دولت چپ‌گرای یونان، نظرات مربوطه تغییر پیدا کرد و به رعایت مبانی دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا تن داده شد و در نهایت این کشور وارد تعامل با اتحادیه اروپا گردید. در ایران نیز پذیرش همراه با تاخیر، موجب اتلاف منابع فراوان کشور شده است.

تامین رفاه اجتماعی «کنون» با هزینه کرد از «فردا»

یکی دیگر از ویژگی‌های مشترک پیچیده میان این دو کشور، این است که سیاستمداران و آحاد جامعه، خواهان «عدم کار سخت»، و توأم با «رفاه بالا» هستند. بدیهی است که این شکاف، موجب ایجاد تعهد بدهی برای نسل آینده می‌شود. در کشور یونان، منابع فراوانی برای رفاه اجتماعی «کنون» مصرف شده که منابع مورد نیاز از طریق دریافت وام جبران گردیده که باید نسل «آینده»

گرفتار هستند. بنابراین نخبگان سیاسی ایران با بهره‌گیری از وضعیت تجربی یونان باید برای مدیریت بحران اقتصادی به عنصر «اعتماد عمومی» بیش از پیش توجه داشته باشند. چرا که کارشناسان، عدم خروج از بحران اقتصادی در تعدادی از کشورهای بحران‌زده را به چالش در وضعیت «اعتماد عمومی» مربوط می‌دانند. اما چرا دو کشور یونان و ایران، نتوانسته‌اند از بحران خارج شوند. یکی از دلایل این امر را باید در «شباهت‌های سیاستگذاری» آنها جستجو کرد.

وجه مشترک سیاستگذاری در یونان و ایران رئیس شباهت‌های اقتصاد ایران با یونان را می‌توان در محورهای ذیل دسته‌بندی نمود:

ایجاد تعهدات فراوان از سوی نخبگان سیاسی با اهداف سیاسی و اجتماعی

نخبگان سیاسی اغلب کشورهای جهان، همواره به تعادل میان منابع و مصارف توجه می‌کنند. هم‌چنین باید گفت که سیاستمداران در مورد مصارف نیز دارای محدودیت‌های مختلف از سوی دستگاه‌های نظارتی هستند. اما در ایران و یونان ظاهراً چنین محدودیتی وجود ندارد. سیاستمداران این کشورها تعهدات فراوانی را با اهداف سیاسی و اجتماعی همچون افزایش محبوبیت و... بر بودجه و ساختار مالی کشور تحمیل می‌کنند، حال آنکه منابع موجود، جوابگوی آن تعهدات نمی‌باشد. سیاستمداران یونانی با انتشار اوراق قرضه و ایجاد بازار بدهی و سیاستمداران ایرانی، با اتکا به درآمدهای حاصل از فروش نفت، تعهدات فراوانی را که فراتر از منابع موجود بوده است، برای کشور ایجاد کرده‌اند.

بحران بدهی

انباشت شکافی که بین ایجاد تعهد و توانایی‌های اقتصادی در طی زمان به وجود آمده، منجر به وقوع پدیده «بحران بدهی‌ها» در این دو کشور شده است. قبل و بعد از سال ۲۰۰۸، دولت‌ها در یونان به قواعد و ضوابط اتحادیه اروپا اعتنایی نداشتند که نتیجه این امر پیروزی پوپولیست‌ها و سپس چپ‌ها در یونان بود. اما به تدریج دولت‌ها ضوابط و مقررات اتحادیه را برای مدیریت بحران بدهی پذیرفتند. ولی در ایران، چشم‌اندازی برای حل ریشه‌های بحران بدهی‌ها وجود ندارد، چرا که هر دولتی با تعویق حل بحران بدهی‌ها، محبوب‌تر خواهد بود.


پذیرش با تاخیر اصول و مبانی اقتصاد متعارف از سوی نخبگان سیاسی


در گام اول، نخبگان سیاسی این دو کشور، نسبت به پذیرش اصول و مبانی اقتصاد متعارف مقاومت می‌نمایند. اما پس از تشدید چالش‌ها، با تاخیر رو به پذیرش اصول اقتصاد متعارف می‌آوردند. البته این پذیرش همراه با تاخیر، فرصت‌سوزی‌های فراوان را


آن را پرداخت نماید. کارشناسان می‌گویند آنچه در یونان رخ داد، تقریباً آخرین خطایی است که یک کشور می‌تواند زیر پرچم اتحادیه اروپا مرتکب شود. در ایران نیز این روند با هزینه کرد ثروت بین فسیلی (نفت و گاز) برای رفاه نسل کنونی تحقق یافته است. به‌عنوان نمونه می‌توان به طرح‌هایی همچون پرداخت یارانه بدون پشتوانه مالی به تمامی اقشار، تثبیت نرخ ارز و افزایش واردات برای رفاه عمومی، انجام پروژه‌های نیمه‌تمام عمرانی بدون تامین منابع مورد نیاز اشاره کرد. تمامی این قبیل طرح‌ها، دارای آثار رفاهی کوتاه مدت هستند و فاقد ثروت‌آفرینی در بلندمدت هستند. برآیند وضعیت مزبور، موجب شکل‌گیری پدیده‌ای تحت عنوان رفاه اجتماعی «کنون» با هزینه کرد «فردا» شده است. رتبه ایران در شاخص ادراک فساد، از کشور یونان پایین‌تر است. این امر دلالت بر وجود چالش در


منتظر شما در این صفحه‌ها هستیم


معرفی اعضای انجمن مدیران صنایع به یکدیگر، کاری است که در گذشته به شکل‌های گوناگون در کار آفرین انجام می‌شده است. علاوه بر این در سایت انجمن به همدیگر معرفی شده‌اند. مجله کار آفرین با ارائه شکل جدیدی از معرفی شرکت‌ها که در صفحه‌های حاضر آن را ملاحظه می‌کنید، کار جدیدی ارائه داده است. در شماره‌های بعدی منتظر شما هستیم که در این صفحه‌ها حاضر شوید.

<p>نوع فعالیت: بانکداری نشانی: تهران، خ احمد قصیر (بخارست)، نبش خ پنجم، پ ۲ تلفن: ۴۲۱۷۸۰۰۰ فاکس: ۸۸۷۰۱۰۹۵ پست الکترونیک: info@middleeastbank.ir وب سایت: www.middleeastbank.ir</p>	 <p>بانک خاورمیانه Middle East Bank</p> <p>بانک خاورمیانه مدیر عامل: پرویز عقیلی</p>
---	---

<p>نشانی: تهران - میدان توحید - خیابان نصرت غربی - پلاک ۲۴ تلفن: ۶۶۴۳ ۳۲۳۲ فاکس: ۶۶۹۲ ۲۴۳۷ پست الکترونیک: info@pps-co.com وب سایت: www.pps-co.com</p>	 <p>شرکت پیشگامان پخش صدیق پلی برای کیفیت غذا و سلامت</p> <p>پیشگامان پخش صدیق مدیر عامل: بابک قره‌باغی</p>
--	--

<p>نوع فعالیت: خدماتی نشانی: تهران، گاندی جنوبی، خیابان سیزدهم، پلاک ۱۴، ساختمان بیمه رازی تلفن: ۸۶۷۵۷۰۰۰ فاکس: ۸۸۶۶۴۲۰۶ پست الکترونیک: info@razi24.ir وب سایت: www.razi24.ir</p>	 <p>بیمه رازی</p> <p>بیمه رازی مدیر عامل: سیدمجید بختیاری</p>
--	--

<p>نوع تولید: دیگ حرارت مرکزی چدنی نشانی: تهران، خیابان طالقانی، بین مفتح و بهار، پلاک ۱۸۰، طبقه اول تلفن: ۸۸۳۰۹۳۲۷ فاکس: ۸۸۳۰۹۳۲۶ پست الکترونیک: info@chauffagekar.com وب سایت: www.chauffagekar.com</p>	 <p>شوفازکار Chauffagekar Industrial Co.</p> <p>شوفازکار مدیر عامل: علیمردان علایی</p>
--	---

<p>نوع تولید: صنایع تبدیلی کشاورزی، کنسروهای غیر گوشتی نشانی: تهران، خ ولیعصر، خ قیاضی (فرشته)، شماره ۸۷، ط دوم غربی تلفن: ۲۲۶۶۹۲۳۶-۹ فاکس: ۲۲۶۶۹۲۴۰ پست الکترونیک: info@saharfood.com وب سایت: www.saharfood.com</p>	 <p>صنایع غذایی سحر</p> <p>مدیر عامل: مسعود توتونچیان</p>
--	--



شرکت تولیدی

ورد

ورد

رئیس هیات مدیره: غلامرضا بهار دوست

نوع تولید: محصولات غذایی

نشانی: تهران، خیابان گاندی، نبش خیابان چهاردهم، پلاک ۷۸

تلفن: ۸۸۷۷۷۶۷۸/۸۸۷۷۷۷۴۰

فاکس: ۸۸۷۷۶۵۲۴

پست الکترونیک: sales@varda.ir

وب سایت: www.varda.ir



نیان الکترونیک

موسس و مدیر عامل: محمدعلی چمنیان

نوع تولید: طراحی و تولیدکننده مبدل‌های انرژی الکتریکی

(Power Conversion Systems) - مبدل‌های تامین انرژی و منابع تغذیه تجهیزات

ICT، اینورتر خورشیدی، کانورتر توربین بادی، مشاور و مجری پروژه های EPC

و TURNKEY در تجهیزات Power

نشانی: خراسان رضوی - مشهد - شهرک صنعتی توس - بلوار اندیشه - اندیشه ۴ -

شماره ۲۱۷ و ۲۱۸

تلفن: ۰۵۱-۳۵۴۱۴۱۱۱

فاکس: ۰۵۱-۳۵۴۱۳۶۱۴

پست الکترونیک: info@nianelectronic.com

وب سایت: www.nianelectronic.com

بیمه زندگی خاورمیانه



بیمه زندگی خاورمیانه

مدیر عامل: مهدی نوروزی

نوع فعالیت: خدماتی

نشانی: تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، خیابان ششم، شماره ۷،

کد پستی: ۱۷۹۱۱-۱۵۱۴۷، صندوق پستی: ۳۴۶۳-۱۵۸۷۵

تلفن: ۴۱۳۶۳۰۰۰

فاکس: ۸۸۷۳۱۱۸۳

پست الکترونیک: info@melico.ir

وب سایت: www.melico.ir



دژپاد

رئیس هیات مدیره و مدیر عامل:

سعید جابراتصاری

نوع تولید: قفسه فلزی

نشانی:

کارخانه: تهران، شهر صنعتی پرند، فاز یک، انتهای بلوار صنعتگران، بلوار خلیج فارس

دفتر مرکزی: کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص، مقابل سایپا دیزل، جنب روزنامه همشهری

تلفن: ۷۴۴۳۵۰۰۰

فاکس: ۷۴۴۳۵۵۵۵

پست الکترونیک: info@dozhpad.com

وب سایت: www.dozhpad.com



پارسی سیلندر

مدیر عامل: مهدی نیک‌اختر

نوع تولید: ساخت و تعمیرات سیلندر

نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، پلاک ۱۲۱، طبقه سوم، کد پستی: ۱۵۳۳۸۵۷۳۱۷

تلفن: ۸۸۵۰۱۱۹۶-۸۸۵۱۶۲۳۹

فاکس: ۸۸۷۳۳۶۲۸

پست الکترونیک: Info@parscylinder.com

فرم اشتراک مجله کار آفرین

هزینه اشتراک

هزینه اشتراک یک ساله: پست عادی ۸۰/۰۰۰ تومان هزینه اشتراک دوساله: پست عادی ۱۲۰/۰۰۰ تومان

اطلاعات متقاضی

حقیقی:

نام و نام خانوادگی:

حقوقی:

نام شرکت / سازمان: نام متقاضی:

تعداد نسخه درخواستی از هر شماره تا نسخه شروع اشتراک از شماره اشتراک جدید تمدید اشتراک

نشانی:

استان: شهر: کد پستی: تلفن: همراه:

پست الکترونیک:

از علاقه‌مندان به اشتراک مجله کار آفرین درخواست می‌نماییم برگ اشتراک را به دقت و با خط خوانا تکمیل نموده و وجه اشتراک را بر اساس تعرفه به شماره حساب ۰۳۹۴۰۰۹۸ بانک تجارت، شعبه میرعماد به نام انجمن مدیران صنایع واریز نموده و اصل فیش بانکی و فرم اشتراک را فقط به یکی از دو شیوه زیر برای ما ارسال نمایید. از طریق فکس با شماره ۸۸۸۳۹۶۴۱ به دفتر مجله فکس نمایید و مراتب را به تلفن ۸۸۳۰۴۰۷۰ اطلاع دهید و یا به نشانی: تهران، خیابان مطهری، روبه‌روی خیابان میرعماد، شماره ۲۶۴، انجمن مدیران صنایع ارسال فرمایید.